

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ



اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



دین و زندگی (۲)

رشته‌های علوم تجربی – ریاضی و فیزیک – فنی و حرفه‌ای – کارشناسی ارشد

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دین و زندگی (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۴
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر تالیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
برویز آزادی، عباس جوارشکیان، فضل الله خالقیان، انسیه جلیلی طهماسبی، حسین سوزنچی،
سید حمید طالب‌زاده، مصطفی فیض، علی لطیفی، محمود متولی آرانی، مصصومه ابراهیم و حمید رضا
هادی‌زاده (اعضای شورای برنامه‌ریزی) - محمدحسن افخمی عقدا، محمدرضا خدابی و صدیقه
عبدالله‌ی (همکاران شورای برنامه‌ریزی)
محمد‌مهدی اعتضامی، سید محمد دلبری و یاسین شکرانی (اعضای گروه تألیف) - محمد‌کاظم بهنیا
(ویراستار)

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
احمدرضا امینی (مدیر امور فی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مجتبی زند (طرح جلد) - سید
 بشیر حسینی (تصویرگر) - مریم نصرتی (صفحه‌آر) - فاطمه باقری‌مهر، سوروش سعادتمدی، آذر
 روستایی فیروزآباد، حسین قاسم پوراقدم، فاطمه پژشکی، فاطمه رئیسان فیروزآباد (امور آماده‌سازی)
 تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۰۹۱۶۱-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۰۹۲۶۶-۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۲۳۵۹

وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروخشن)
تلفن: ۰۵-۱۶۱-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۰۵-۱۶۰-۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

چاپ سوم

نام کتاب:

پدیدآورنده:

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

مدیریت آماده‌سازی هنری:

شناسه افزوده آماده‌سازی:

نشانی سازمان:

ناشر:

چاپخانه:

سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۳-۹۶۴-۰۵-۲۸۶۹

ISBN: 978-964-05-2869-3

هیو؟ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



بهترین و مؤثرترین راه مبارزه،
مجهز شدن به سلاح علم دین
و دنیاست و خالی کردن این
سنگر، خیانت به اسلام و
ملکت اسلامی است.
امام خمینی (قدهس سره)

هیرو؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌کیرند.

هیو۱؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

فهرست

۹	بخش اول : تفکر و اندیشه
۱۲	درس اول : هدایت الهی
۲۲	درس دوم : تداوم هدایت
۳۶	درس سوم : معجزه جاویدان
۴۸	درس چهارم : مسئولیت‌های پیامبر ﷺ
۶۲	درس پنجم : امامت، تداوم رسالت
۷۴	درس ششم : پیشوایان اسوه
.....	درس هفتم : وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی
۸۸	مسلمانان، پس از رحلت رسول خدا ﷺ
۹۸	درس هشتم : احیای ارزش‌های راستین
۱۱۰	درس نهم : عصر غیبت
۱۲۴	درس دهم : مرجعیت و ولایت فقیه
۱۳۴	بخش دوم : در مسیر
۱۳۸	درس یازدهم : عزّت نفس
۱۴۸	درسدوازدهم : پیوند مقدس

هیو؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

پیش از مطالعه کتاب، حتماً این قسمت را بخوانید.

سخنی با دبیران

همکاران عزیز، سلام بر شما

- ۱- برای انس پیشتر دانشآموزان با قرائت قرآن کریم، آیاتی از قرآن کریم و ترجمه آن، در ابتدای هر درس آمده است. در هنگام تدریس، ۱۰ دقیقه ابتدای کلاس به قرائت اختصاص دارد. از آنجا که آموزش صحیح قرائت در دوره‌های تحصیلی گذشته انجام شده و قواعد قرائت صحیح، آموزش داده شده است، انتظار می‌رود که دانشآموزان بتوانند این قواعد را مرااعات کنند و آیات را صحیح بخوانند. به همین جهت باید از دانشآموزان بخواهیم که آیات هر درس را روز قبل، مرور و تمرین کنند و در فرست کوتاه کلاس، متن تمرین شده را بخوانند.
- ۲- این درس، وقتی نتیجه بخش خواهد بود که عرصه حضور، فعالیت و خلاقیت‌های فکری دانشآموزان باشد و به آنها شهامت اندیشیدن و ابتکار بدهد. میزان موقیت ما در تدریس به میزان تفکر و اندیشه‌ورزی دانشآموزان بستگی دارد. روش تدریس و ارزشیابی ما نباید به گونه‌ای باشد که دانشآموزان مجبور باشند کتاب را چندبار بخوانند و حفظ کنند. آن امتحان و آن ارزشیابی با اهداف این درس همانگ است که امکان تحقیق، اظهارنظر و فکرکردن را برای دانشآموزان فراهم می‌کند. با توجه به نکات فوق، ارزشیابی این درس در دو بخش انجام می‌گیرد.

بخش اول. ارزشیابی مستمر؛ شامل:

۱- قرائت صحیح آیات شرife: ۴ نمره

۲- انجام فعالیت‌های داخل درس (مانند تدبیر در قرآن، فعالیت کلاسی و ...) و پرسش از متن: ۸ نمره

۳- حضور فعال در فرایند تدریس و مشارکت در گفت‌وگوهای کلاسی: ۵ نمره

۴- پاسخ به سوال‌های بخش اندیشه و تحقیق: ۳ نمره

توجه:

انجام پیشنهادها، نگارش مقالات تحقیقی و انجام کارهای هنری و ادبی تا دو نمره به معدل نمره مستمر اضافه می‌کند.

بخش دوم. ارزشیابی پایانی:

این ارزشیابی در پایان هر نیمسال انجام می‌گیرد که شامل دو بخش است: ۱- آزمون کتبی؛ ۲- قرائت آیات. در آزمون کتبی، سوال‌ها باید براساس رویکرد کلی محتوای آموزشی؛ یعنی، فهمیدن، نه حفظ کردن، استوار باشد. باید محورهای کلیدی و اصلی محتوای کتاب، محور آزمون باشد و از نکات حاشیه‌ای و فرعی نباید برای طرح سوال استفاده شود.

هیو؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

آزمون کتبی، ۱۶ نمره دارد. ۴ نمره از ارزشیابی پایانی به قرائت صحیح دانش آموزان اختصاص دارد.

توجه:

۱- آیات ابتدای هر درس برای قرائت در کلاس است و صرفاً در ارزشیابی مستمر و پایانی به صورت شفاهی از داش آموزان پرسیده می شود و نباید هیچ گونه سوالی در امتحانات کتبی و آزمون های ورودی دانشگاهها از این آیات طراحی شود.

۲- ترجمه آیاتی که در مقابل صفحه قرائت و قبل از شروع درس آمده، جزء محتوای آموزشی نیست و صرفاً جهت آشنایی داش آموزانی که تمایل به دانستن مفاهیم این آیات دارند، قرار داده شده است. از این قسمت در آزمون ها، اعم از آزمون های کتبی در نظام آموزشی آموزش و پرورش و آزمون های ورودی دانشگاهها، نباید سوالی طرح شود.

۳- قسمت های «بیشتر بدانیم» و «پاسخ سوالات شما» فقط برای توسعه اطلاعات و کسب نمره تشویقی است و در امتحانات پایانی و آزمون های ورودی دانشگاهها نباید از این قسمت ها سوال طرح شود.

۴- فعالیت هایی که با علامت  مشخص شده اند، فعالیت های واگرا هستند و فقط در زمان تدریس و ارزشیابی مستمر از آنها استفاده می شود و در امتحانات پایانی و آزمون های ورودی دانشگاهها نباید سوال از آنها طرح شود.

۵- تمام قسمت هایی که تحت عنوان «پیشنهاد»، «پاورقی ها» و «دانش تکمیلی» در کتاب آمده است، صرفاً جهت توسعه اطلاعات است و در ارزشیابی پایانی و آزمون های ورودی دانشگاهها نباید مورد سوال قرار گیرد.

۶- به تناسب موضوعات درس ها، فیلم های کوتاه  در سایت گروه درسی قرآن و معارف اسلامی قرارداده شده است. مشاهده فیلم ها به شما عزیزان توصیه می شود. چنانچه شما هم محتواهای (فیلم، مقاله، کلیپ و ...) مناسب با موضوعات درسی دارید می توانید با ارسال آن برای گروه، در افزایش کیفیت این بخش ما را یاری کنید.

۷- آیاتی که در درس ها ترجمه نشده اند آیاتی هستند که در سال های پیشین معنا و مفهوم آنها به داش آموزان آموزش داده شده است.

۸- فقط حفظ کردن آیات و روایاتی که با علامت  مشخص شده برای آزمون پایانی و آزمون ورودی دانشگاهها ضروری است و می توان عین آن آیات و روایات و ترجمه آنها را از داش آموزان پرسید. در سایر موارد، حفظ کردن عین آیات و روایات ضروری نیست، بلکه برداشت و استنباط از آنها اهمیت دارد.

□ شما می توانید برای ارتباط با مؤلفان، به آدرس quran-dept.talif.sch.ir مراجعه کنید و در بخش «پرسش و پاسخ» نظرات خود را بیان کنید.

از خداوند برایتان آرزوی بهترین ها را داریم.

گروه درسی قرآن و معارف اسلامی

یادآوری



در سال گذشته با «هدف زندگی» آشنا شدیم و دانستیم که مقصود و محبوب نهایی زندگی ما «خداست». او سرچشمۀ همه خوبی‌ها و زیبایی‌های است و حرکت به سوی این خوبی‌ها به معنای تزدیکی به اوست. در حقیقت، راه دستیابی به همه کمال‌ها و زیبایی‌ها نقرّب به خداست.

همچنین آموختیم که موجودات جهان، از آن خدايند و بازگشتشان هم به سوی اوست. در میان مخلوقات پیرامون ما، بازگشت انسان، یک بازگشت ویژه است. معاد هر انسانی از عمل اختیاری او شکل می‌گیرد. بنابراین، باید برای انجام بهترین عمل، به درستی برنامه‌ریزی کرد و عقاید، اخلاق و اعمالی که موجب رستگاری در دنیا و آخرت می‌شود را شناخت و به آنها پاییند بود.

امسال در این بخش از کتاب دین و زندگی، با روش هدایتی خداوند بیشتر آشنا می‌شویم تا با بهره‌مندی از هدایت‌های او، برای بهترین زندگی در دنیا و کسب خوشبختی جاویدان در آخرت، بهتر برنامه‌ریزی کنیم.





۱

بخش اول



آب، نعمت بی نظیر خداوند، جلوه زیبایی و طراوت، مظہر پاکی و زلالی و عامل ادامه حیات است. در نبود آب، از آواز دلنشیں پرندگان، طراوت و سرسبزی درختان و تبسّم گل‌های زیبا و رنگارنگ طبیعت اثری نخواهد بود.



آری، آب مایه حیات و اساس زندگی در جهان است.

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلًّا شَيْءًا حَيٍّ^۲

انسان با آب نیازهای طبیعی و جسمی‌اش را برطرف می‌سازد و به‌طورکلی آب، حیات بخش جهان مادی، از جمله ما انسان‌هاست.

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا^۳

اما راستی حیات روح بشر وابسته به چیست؟ چه چیزی به روح و درون انسان شادابی و طراوت می‌بخشد؟ چگونه می‌توان به این اکسیر حیات دست یافت؟

يَا أَئُلَّا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلّهِ وَلِرَسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحِيطُكُمْ^۴
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبر را بپذیرید؛ آنگاه که شما را به چیزی فرامی‌خواند که به شما زندگی حقیقی می‌بخشد.

۱- دیران و داش آموزان می‌توانند فیلم‌های کوتاهی را که مناسب با موضوع درس است، در سایت گروه قرآن و معارف، به آدرس quran-dept.talif.sch.ir در بخش «فیلم کوتاه» مشاهده کنند.

۲- سوره انبیاء، آیه ۲۰.

۳- سوره فرقان، آیه ۴۹.

۴- سوره انفال، آیه ۲۴.

يَقَوْمٍ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمُ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيْكُمُ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الَّذِي ءامَنَ يَقَوْمٍ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزابِ ﴿٣٠﴾ مِثْلَ ذَأْبٍ قَوْمٍ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَوْدَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ﴿٣١﴾ وَيَقَوْمٍ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوْمَ تُوَلَّوْنَ مُدَبِّرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلِ إِبْرَيْتَ فَمَا زِلتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَقًّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضْلِلُ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسِرِفٌ مُرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَنٍ أَتَهُمْ كَبُرُّ مَقْتَانِيْعَنَدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءامَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَارٍ ﴿٣٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَهَامِنُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلَى أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ترجمه

[مردی با ایمان از خاندان فرعون رو به سوی آنان گفت:] ای قوم من، [امروز حکومت از آن شماست، و] در این سرزمین چیره گشته‌اید، ولی [با این همه قدرت] چه کسی ما را در رهایی از عذاب خدا – اگر به سراغمان آمد – یاری می‌رساند؟! فرعون گفت : من جز آنچه را می‌بینم و به درستی آن اطمینان دارم به شما

۲۶

ارائه‌نمی‌دهم، و شما را جز به راه درست راهنمایی نمی‌کنم . و آن کس که ایمان آورده بود گفت : ای قوم من، حقیقتاً من بر شما از روزی همانند روز [عذاب] امت‌های گذشته پیمناکم

۲۷

من از نظیر آن سنتی که بر قوم نوح، عاد، ثمود و کسانی که پس از آنان بودند، جاری شد بیم دارم، و خدا برای بندگان ظلم و ستم نخواسته است.

۲۸

و ای قوم من، به راستی من بر شما از روزی که مردم یکدیگر را [به یاری هم] صدا می‌زنند می‌ترسم :

۲۹

روزی که روی می‌گردانید و می‌گزینید؛ در آن روز برای شما در برابر [عذاب] خدا هیچ حمایتگری نیست و خدا هر که را [به خاطر اعمالش] در بیراوه قرار دهد، هدایت کننده‌ای برای او نیست.

۳۰

و به راستی یوسف پیش از این، دلایل آشکار برای شما آورد، ولی شما همواره از آنچه آورده بود در تردید بودید، تا وقتی که از دنیا رفت، گفتید : هرگز خداوند پس از او رسولی بر نمی‌انگذارد. این‌گونه، خداوند کسانی را که از حد بگذرند و در شک و تردید به سر برند، به بیراوه می‌افکند.

۳۱

همان کسانی که درباره آیات خداوند بدون هیچ دلیل استواری مجادله می‌کنند. [این کارشان] خشم عظیمی نزد خداوند و نزد آنان که ایمان آورده‌اند به بار می‌آورد.

۳۲

این‌گونه خداوند بر دل هر متکبر زورگویی مهر می‌زند.

۳۳

و فرعون گفت : ای هامان، برای من بنایی مرفوع بساز [تا بر فراز آن بروم]، شاید به اسباب[وسایل و راههایی] دست بیابم



درست!



هدایت الهی



احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای که پاسخگوی نیازهایش باشد و سعادت او را تضمین کند، سبب شده است که در طول تاریخ همواره شاهد ارائه برنامه‌های متفاوت و گاه متضاد از جانب مکاتب بشری باشیم. از این‌رو این سؤالات در ذهن ایجاد می‌شود که: آیا می‌توان به مکاتب بشری اعتماد کرد و زندگی را براساس برنامه‌های آنان بنا نهاد؟

آیا انسان می‌تواند تنها با تکیه بر عقل، برنامه کاملی برای سعادت خود ارائه دهد؟

یک برنامه مناسب برای سعادت انسان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

آیا برنامه‌ای که فقط سعادت دنیای انسان را در بر بگیرد، کامل است؟

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

نیازهای برتر

انسان همچون سایر موجودات زنده، یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد؛ مانند نیاز به آب، هوا، غذا و پوشاسک. خداوند پاسخ به این نیازها را در عالم طبیعت آماده کرده و قدرت آگاه شدن از آنها را نیز به انسان داده است. برای مثال، در وقت نیاز به آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می‌کند و سراغ آب و غذا می‌رود. هنگام سرما و گرما، از مصالح موجود در طبیعت بهره می‌برد و برای خود لباس و پوشاسک و مسکن تهیه می‌کند.

اما نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی‌شود؛ زمانی که انسان، از سطح زندگی روزمره فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهای مهم‌تری نیز روبرو می‌بیند؛ نیازهایی که برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به او عطا کرده است.^۱ پاسخ صحیح به این نیازهای اساسی است که سعادت انسان را تضمین می‌کند.

این نیازها به تدریج به دل مشغولی، دغدغه و بالآخره به سؤال‌هایی تبدیل می‌شوند که انسان تا پاسخ آنها را نیابد، آرام نمی‌گیرد. برخی از این نیازها عبارت اند از:

۱- شناخت هدف زندگی : انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند؟» و کدام هدف است که می‌تواند با اطمینان خاطر، زندگی‌اش را صرف آن نماید؟ او می‌داند که اگر هدف حقیقی خود را نشناسد یا در شناخت آن دچار خطأ شود، عمر خود را از دست داده است.

به همین خاطر، امام سجاد علیه السلام پیوسته این دعا را می‌خواند که:

«خدایا ایام زندگانی مرا به آن چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده‌ای»^۲

۲- درک آینده خویش : انسان با این سؤال مهم و اساسی نیز روبروست که: «آینده او چگونه است؟»؛ «آیا زندگی او با مرگ تمام می‌شود یا دفتر حیات او به شکل دیگری گشوده می‌گردد؟»، «اگر حیات، به شکل دیگری ادامه می‌یابد و انسان زندگی ابدی را پس از مرگ آغاز خواهد کرد، نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است؟»، «زاد و توشه سفر به جهان دیگر چیست؟» و «خوبیختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟»

روزها فکر من این است و همه شب خشم
که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده ام آدمم بمر چه بود به کجا می‌روم آخر غایی وطنم

۱- با این سرمایه‌ها در درس دوم کتاب دین و زندگی پایه دهم با عنوان «پر پرواز» آشنا شده‌اید.

۲- و استفرغ آیامی فی ما حلقتنی لم. دعای مکارم الاخلاق.

۳- دیوان شمس، مولوی.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

۳- کشف راه درست زندگی : راه زندگی یا «چگونه زیستن» که ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد، دغدغه دیگر انسان‌های فکور و خردمند است. این دغدغه از آن جهت جدی است که انسان فقط یک بار به دنیا می‌آید و یک بار زندگی در دنیا را تجربه می‌کند. بنابراین در این فرصت تکرارشدنی، باید از بین همه راه‌هایی که پیش روی اوست، راهی را برای زندگی انتخاب کند که به آن مطمئن باشد تا بتواند با بهره‌مندی از سرمایه‌های خدادادی به هدف خلقت برسد. بنابراین، یکی از سوالات اساسی انسان این است که راه درست زندگی کدام است؟ و چگونه می‌توان به آن دست یافت؟

تدبر در قرآن



در آیات سوره عصر تدبر کنید و با کمک دوستان خود، به سوالات پاسخ دهید:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

**وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي حُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ**

۱- خداوند در این سوره به چه چیزی سوگند خورده است؟ چرا؟

۲- چه خسارتی انسان را تهدید می‌کند؟

۳- چه کسانی دچار خسaran نمی‌شوند؟

پاسخ به این نیازها و سوالات‌های اساسی باید حداقل دو ویژگی داشته باشد:

الف) کاملاً درست و قابل اعتماد باشد؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است. در حالی که عمر محدود آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست، به خصوص که راه‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون‌اند.

ب) همه جانبه باشد؛ به طوری که به نیازهای مختلف انسان به صورت هماهنگ پاسخ دهد؛ زیرا ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی وی، پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و نمی‌توان برای هر بُعدی جداگانه برنامه‌ریزی کرد.

با توجه به این دو ویژگی کسی می‌تواند پاسخ صحیح این سوال‌ها را بدهد که:

۱- آگاهی کاملی از خلقت انسان، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد دقیق و طریف روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی او داشته باشد.

۲- همچنین بداند که انسان‌ها، پس از مرگ، چه سرنوشتی دارند و دقیقاً چه عاقبتی در انتظار آنهاست.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

فعالیت کلاسی

با توجه به توضیحات، بررسی کنید که

الف) آیا عقل انسان به تنها ی می‌تواند به این سؤال‌های اساسی پاسخ کامل و جامع دهد؟ چرا؟

ب) آیا انسان به تنها ی می‌تواند مسیر سعادت را طراحی کند؟ چرا؟

فیلم : توانایی‌های عقل من تاچه اندازه است؟ 

دانش تکمیلی

برای آشنایی با برخی از مکتب‌هایی که براساس عقل و دانش بشری به سؤالات اساسی انسان پاسخ داده‌اند و نتایج ناگواری در زندگی انسان‌ها به جای گذاشته‌اند، به سایت گروه قرآن و معارف بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید. برای ورود به سایت گروه قرآن و معارف کافی است به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> مراجعه کنید.^۱

شیوه هدایت خداوند

خداوند هر دسته از مخلوقات را متناسب با ویژگی‌هایی که در وجودشان قرار داده است هدایت می‌کند.^۲ انسان ویژگی‌هایی دارد که او را از سایر مخلوقات تمایز می‌کند و همین امر سبب شده شیوه هدایت او متفاوت باشد.

یکی از این ویژگی‌ها، توانایی تعلق و تفکر و ویژگی دیگر قدرت اختیار و انتخاب اوست؛ انسان، ابتدا درباره هر کاری تفکر می‌کند، اگر تشخیص داد که آن کار مفید است و او را به هدفش می‌رساند، آن را انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد.

هدایت خداوند نیز از مسیر این دو ویژگی می‌گذرد؛ یعنی خداوند برنامه هدایت انسان را که در برگیرنده پاسخ به سؤالات بنیادین است، از طریق پیامبران می‌فرستد، تا انسان با تفکر در این برنامه و پی بردن به ویژگی‌ها و امتیازات آن، با اختیار خود این برنامه را انتخاب کند و در زندگی به کار بندد و به هدفی که خداوند در خلقت او قرار داده است، برسد.

انسان با عقل خود در پیام الهی تفکر می‌کند و با کسب معرفت و تشخیص بایدها و نبایدها، راه

۱- مطلب بخش «دانش تکمیلی» صرفاً جهت توسعه اطلاعات دانش‌آموزان علاقه‌مند بوده و در آزمون‌های پایانی و یا آزمون‌های سراسری، سوالی از آن طراحی نخواهد شد.

۲- به طور مثال، زبور عسل که ساختمان بدنی ویژه‌ای دارد و برای تولید عسل باید مکان مخصوصی را تهیه کند، خداوند او را هدایت می‌کند تا آن کندوی مخصوص را سازد (سوره تحمل، آیه ۶۸).

هیوٰ؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

صحیح زندگی را می‌یابد و پیش می‌رود.

امام کاظم علیه السلام به شاگرد برجسته خود، هشام بن حکم، فرمود:

«ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آنکه بندگان در پیام الهی تعلق کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعلق و تفکر برترند، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل‌تر است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.»^۱

بنابراین با کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی می‌توان به پاسخ سؤال‌های اساسی دست یافت. البته انسان به علت دارا بودن اختیار می‌تواند راه‌های دیگری را نیز برگزیند. اما چنان‌که گفته شد، چون هر برنامه دیگری غیر از برنامه خداوند نمی‌تواند پاسخ درستی به آن نیازها بدهد، انسان زیان خواهد کرد و با دست خالی به دیار آخرت خواهد شتافت.

تکمیل کنید

اگر خداوند به سؤال‌های اساسی انسان پاسخ ندهد و او را رها کند، انسان در قیامت می‌تواند بگوید:

خداوند، در قرآن کریم درباره تمام و کامل شدن حجت الهی با فرستادن انبیا فرموده است:

رُسُّلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِئَلَا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ...^۲

رسولانی (را فرستاد که) بشارت دهنده و بیم‌دهنده باشند، تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند، دستاویز و دلیلی نباشد...

خداوند با راه راه راه است و حجت را بر بندگان تمام کرده است.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۹.

۲- سوره نساء، آیه ۱۶۵.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

پاسخ سوالات شما^۱

شاید این سؤال پیش بیاید که : انسان امروزی چقدر به دین و پیام آسمانی نیازمند است؟ به عبارت دیگر : آیا آن نیازهایی که انسان‌های گذشته را به سوی خدا و دین الهی می‌کشاند، همچنان پابرجاست؟

با نگاهی به سرنوشت انسان معاصر و شرایط کنونی او درمی‌باییم که نه تنها آن نیازهای بنیادین قوی تر و جدی‌تر از گذشته پابرجاست، بلکه اگر انسان امروز به خدا و پیام الهی روی نیاورد، سرنوشت خطرناکی در انتظار اوست.

در قرن‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم که علوم تجربی در غرب پیشرفت کرد، چنین تصور می‌شد که می‌توان با کمک این علوم به نیازهای برتر انسان پاسخ گفت. اما هر قدر که علم پیش می‌رفت انسان احساس می‌کرد که نیازهای بنیادینش همچنان بی‌پاسخ مانده است. انسان امروز می‌بیند که آرامش درونی اش کاهش یافته، هدف متعالی زندگی وی گم شده، ظلم و بی‌عدالتی گسترش یافته، داش و تکنولوژی در خدمت اهداف ضدانسانی صاحبان زر و زور قرار گرفته، جهان به دو قطب محروم (با جمعیتی بسیار زیاد) و ثروتمند (با جمعیتی اندک) تقسیم شده است، سلاح‌های مخرب با قدرت تخریبی فوق العاده جان انسان‌های مظلوم و بی‌دفاع را به راحتی می‌گیرد، انواع مواد مخدر در شکل‌های مختلف در دسترس افراد قرار گرفته، فسادهای گوناگون اخلاقی رواج یافته و استفاده ابزاری از زن، ارزش انسانی زنان را تنزل داده است.

اگر از ظاهر تزیین شده زندگی انسان امروز عبور کنیم و به واقعیت درونی آن برسیم، رنج بزرگ او را مشاهده می‌کنیم. انسان امروزی دریافته است که علم با همه فایده‌ها و خوبی‌هایش، به تنها بی‌تواند او را از بحران‌های بزرگ رهایی بخشد و به نیازهای اساسی اش پاسخی مناسب دهد. همین امر، انسان را برانگیخته است تا بار دیگر به خدا و دین روی آورد و رهایی از سرگردانی را در بازگشت به دین جست‌وجو کند. در نتیجه، انسان امروز بیش از گذشته به پیام الهی احساس نیاز می‌کند.

خوب است بدانیم که اکنون ترجمه قرآن کریم به زبان انگلیسی از پرطرفدارترین کتاب‌های دنیا کسانی که در اروپا به دین اسلام می‌گروند، بیش از سایر ادیان است.^۲

۱- این قسمت صرفاً جهت توسعه اطلاعات دانش‌آموز بوده و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه سؤالی از آن طرح نمی‌شود.

www.yjc.ir/fa/news/4405531

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

اندیشه و تحقیق

- ۱- آیا انسان می‌تواند پاسخ دادن به نیازهای برتر را نادیده بگیرد و براساس ضربالمثل «هرچه پیش آید خوش آید» رفتار کند؟ چرا؟
- ۲- آیا می‌توانیم پاسخ به نیازهای برتر را به احساسات شخصی و سلیقه فردی واگذار کنیم؟ چرا؟
- ۳- شعر زیر با کدام یک از نیازهای برتر انسان مرتبط است؟ چرا؟

مرد خردمند هنر پیشه را عمر دو بایست در این روزگار
تا به یکی تجربه آموختن با ذکری تجربه برودن به کار

۱- هنرپیشه : کاردان و با فرهنگ.

۲- سعدی.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



هِيَوْ؛ تَخْصُصِي تَرِين سَايِت مَشَاورَه كَشُور

قرائت

جزءٌ ٢

سورة آل عمران ٢

وَإِذَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّنَ لَمَا أَتَيْتُكُم مِنْ
كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ
لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ إِنَّا أَقْرَرْنَا مَا
عَلَى ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا ۸۱ قَالَ فَأَشَهَدُوا وَ
أَنَا مَعَكُم مِنَ الشَّهِيدِينَ ۸۲ فَمَنْ تَوَلَّ بَعْدَ ذَلِكَ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَسِقُونَ ۸۳ أَفَغَيَرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ
وَلَهُ أَسْلَمَ مَنِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ
كَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ۸۴ قُلْ إِنَّمَا نَا بِاللَّهِ وَمَا
أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى
وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ
بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَمَنْ حَنَّ لَهُ مُسْلِمُونَ ۸۵
وَمَنْ يَتَنَعَّمْ غَيْرُ الْإِسْلَامُ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ
مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِيرِينَ ۸۶

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ترجمه

و [به یاد آرید] هنگامی که خداوند از پیامبران [و پیروان آنها] پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمت دادم سپس [در آینده] فرستاده‌ای برای شما آمد که آنچه را در نزد شماست تصدیق نمود، حتماً باید به او ایمان آورید و او را یاری دهید. آن‌گاه [به پیامبران] فرمود: آیا اقرار کردید و در این باره پیمان مرا پذیرفته‌ید؟ گفتند: آری، اقرار کردیم. فرمود: پس گواه و شاهد باشید و من نیز با شما از شاهدانم.



پس کسانی که بعد از این روی برتابند، آنان فاسقان‌اند.



آیا غیر از دین خدا می‌جویند؟ و همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند، خواه و ناخواه در برابر او تسلیم‌اند. و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.
[ای پیامبر،] بگو: من و پیروانم به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [پیامبرانی از نسل یعقوب] فروفرستاده شده، و آنچه به موسی و عیسی و دیگر پیامبران از جانب پروردگارشان عطا شده است ایمان آورده‌ایم و میان هیچ یک از پیامبران فرقی نمی‌گذاریم و ما تسلیم و فرمانبردار خداییم.



و هر کس دینی جز اسلام اختیار کند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.



دسر در در

تمام هدایت

خداوند با لطف و رحمت خود، ما انسان‌ها را تنها نگذاشت و هدایت ما را بر عهده گرفت و راهی را در اختیارمان قرار داد، که همان راه مستقیم خوشبختی است.
در این درس می‌خواهیم به این سوال‌ها پیردازیم که:
آیا خداوند یک راه و یک دین برای ما فرستاده، یا راه‌ها و ادیان متعددی در اختیارمان قرار داده است؟

چرا خداوند پیامبران متعددی برای هدایت انسان فرستاده است?
علت پایان یافتن ارسال پیامبران از سوی خداوند چیست؟

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تدبر در قرآن

به ترجمه آیات توجه کنید:

۱- «خداوند از دین همان را برایتان بیان کرد که نوح را بدان سفارش نمود. و آنچه را ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم، این بود که دین را به پا دارید، و در آن تفرقه نکنید.»^۱

۲- «قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نپیمودند مگر پس از آنکه به حقانیت آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت.»^۲

۳- «[این دین] آیین پدرatan ابراهیم است و او شما را از پیش مسلمان نامید.»^۳

۴- «ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی؛ بلکه یکتاپرست (حق‌گرا) و مسلمان بود.»^۴

اکنون به این سوالات پاسخ دهید :

الف) خداوند از پیامبران می‌خواهد تا در چه چیز تفرقه نکنند؟

ب) دین مورد قبول نزد خداوند کدام است؟.....

ج) اهل کتاب (يهودیان و مسیحیان) با چه چیزی مخالفت کردند؟ علت مخالفت آنها چه بود؟

د) حضرت ابراهیم ﷺ چه آیینی داشت؟.....

ه) مسیحیان و یهودیان او را پیرو چه آیینی می‌دانستند؟

دین به معنای «راه» و «روش» است. دین اسلام راه و روشی است که خداوند برای زندگی انسان‌ها برگزیده است. بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند یک دین برای انسان‌ها فرستاده و به همه پیامبران فرمان داده است تا همان دین را در میان مردم تبلیغ کنند و راه تفرقه در پیش نگیرند. انبیا هم این فرمان را اطاعت کرده و مأموریت خود را با شایستگی انجام داده‌اند.

حال شایسته است بدانیم :

۱- چرا خداوند فقط یک دین برای هدایت بشر فرستاده است؟

۲- با وجود یکی بودن دین، چرا خداوند پیامبران متعدد فرستاده است؟

۳- چرا بعد از پیامبر اکرم ﷺ پیامبر جدیدی نمی‌آید و پیامبری به ایشان ختم می‌شود؟

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۹.

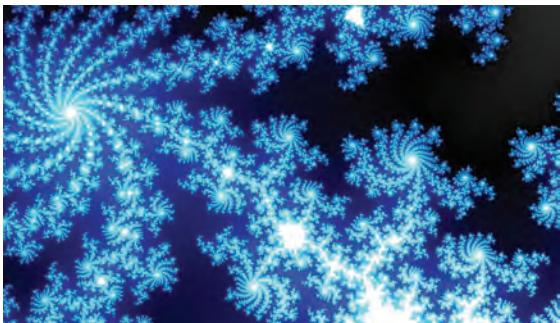
۲- سوره آل عمران، آیه ۶۷.

۳- سوره حج، آیه ۷۸.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

فطرت مشترک، منشأ دین واحد

فیلم (۱) : فطرت چیست؟



فطرت به معنای نوع خاص آفرینش است. وقتی از فطرت انسان سخن می‌گوییم، منظور آفرینش خاص انسان و ویژگی‌هایی است که خداوند در اصل آفرینش وی قرار داده است و انسان‌ها با این ویژگی‌های خاص شناخته می‌شوند. از ابتدای آفرینش انسان تاکنون، اقوام مختلفی روی زمین زندگی کرده‌اند؛ این

افراد با اینکه در برخی خصوصیات، مانند تزاد، زیان، و آداب و رسوم با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، ولی همگان ویژگی‌های فطری مشترکی دارند؛ به طور مثال، همه انسان‌ها :

✿ از سرمایه‌تفرک و قدرت اختیار برخوردارند.

✿ فضیلت‌های اخلاقی مانند عدالت و خیرخواهی را دوست دارند و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، حسادت و دروغ بیزارند.

✿ به دنبال زیبایی‌ها، خوبی‌ها و کمالات نامحدودند.

✿ از فنا و نابودی گریزان و در جست‌وجوی زندگی جاودانه هستند.

به سبب این ویژگی‌های مشترک (فطرت)، خداوند یک برنامه کلی به انسان‌ها ارزانی داشته، تا آنان را به هدف مشترکی که در خلق‌شان قرار داده است، برساند. همان‌طور که گفته شد، این برنامه، اسلام نام دارد که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است.

در این برنامه از انسان خواسته می‌شود تا با اندیشه در خود و جهان هستی، به ایمان قلبی دست یابد. ایمان به :

● خدای یگانه و دوری از شرک

● فرستادگان الهی و راهنمایان دین

● سرای آخرت، و پاداش و حسابرسی عادلانه

● عادلانه بودن نظام هستی

و در عرصه عمل نیز از انسان می‌خواهد با ایمانی که کسب کرده است، تلاش نماید تا :

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

- با انجام واجبات دین و ترک حرام‌های آن، خداوند را عبادت و بندگی کند.
- فضایل اخلاقی مانند عفت، راستگویی و امانت‌داری را کسب نماید و از ردائل اخلاقی، مانند ظلم، نفاق، دروغ و ریا دوری کند.
- جامعه‌ای دینی بر اساس عدالت بنا نماید.

همه پیامبران الهی، مردم را به این امور فراخوانده‌اند. به همین دلیل، محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان است. درواقع همه آنها یک دین آورده‌اند. با این وجود، تعالیم انبیا در برخی احکام فرعی، مناسب با زمان و سطح آگاهی مردم و نیازهای هر دوره تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته است؛ مثلاً همه پیامبران، امتهای خود را به نماز دعوت کرده‌اند، اما در شکل و تعداد آن تفاوت‌هایی بوده است؛ البته این قبیل تفاوت‌های سبب تفاوت در اصل دین نشده است.

علل فرستادن پیامبران متعدد

در پاسخ به سؤال دوم می‌توان گفت فرستادن پیامبران متعدد به این دلایل بوده است :

(الف) استمرار و پیوستگی در دعوت : لازمه ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پیامبران الهی با ایمان استوار و تلاش بی‌مانند، در طول زمان‌های مختلف دین الهی را تبلیغ می‌کردند. آنان سختی‌ها را تحمل می‌کردند تا خدا پرستی، عدالت طلبی و کرامت‌های اخلاقی میان انسان‌ها جاودان بماند و گسترش یابد و شرک، ظلم و ردائل اخلاقی از بین برود. این تداوم سبب شد تا تعالیم الهی جزء سبک زندگی و آداب و فرهنگ مردم شود و دشمنان دین نتوانند آن را به راحتی کنار بگذارند.

(ب) رشد تدریجی سطح فکر مردم : علت دیگر فرستادن پیامبران متعدد، رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن، مانند دانش و فرهنگ می‌باشد.

از این‌رو، لازم بود تا در هر عصر و دوره‌ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند، تا همان اصول ثابت دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود بیان کنند و مناسب با درک آنان سخن گویند. در حقیقت، هر پیامبری که مبعوث می‌شد، دربارهٔ توحید، معاد، عدالت، عبادت خداوند و مانند آن سخن گفته، اما بیان او در سطح فهم و درک مردم زمان خود بوده است.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید :

ما پیامبران مأمور شده‌ایم
إِنَّا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا

که با مردم به اندازه عقل‌شان سخن بگوییم
أَنْ تُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَىٰ قَدَرِ عُقُولِهِمْ

(ج) تحریف تعالیمات پیامبر پیشین : به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه کتابت، تعالیمات انبیا به تدریج فراموش می‌شد، یا به گونه‌ای تغییر می‌یافت که با اصل آن متفاوت می‌شد؛ براین اساس، پیامبران بعدی می‌آمدند و تعالیمات اصیل و صحیح را بار دیگر برای مردم بیان می‌کردند.

 فیلم (۲) : نمونه‌هایی از تحریفات صورت گرفته در انگلیزی از زبان یک تازه مسلمان

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

بیشتر بدانیم

نگاهی به تورات و انجیل و تحریفات آنها

شما احتمالاً نام کتاب مقدس را شنیده‌اید. این کتاب مشتمل بر دو قسمت عهد عتیق (تورات و چند بخش دیگر) و عهد جدید (انجیل) است و به همین دلیل این کتاب به عهده‌ین معروف است. عهد عتیق فقط کتاب مقدس یهودیان است ولی مسیحیان تورات و انجیل را با هم به عنوان کتاب مقدس قبول دارند.

وجود تعییمات متناقض با عقل و علم نشان می‌دهد بخش‌های زیادی از عهده‌ین تحریف شده است. یهودیان، توراتی را که از حضرت موسی علیه السلام باقی مانده بود، در تابوت مقدس نگهداری می‌کردند اما در سال ۵۸۶ قبل از میلاد مسیح، این تابوت و تورات داخل آن در حمله بخت النصر نابود شد. یهودیان در سال ۴۷۵ قبل از میلاد مجدد تورات را جمع‌آوری کردند. یعنی ۱۱۱ سال خبری از تورات نبود و همین امر سبب تغییر و دگرگونی در تورات شد.

درباره کتاب انجلیل نیز خود مورخان غربی نوشته‌اند که پس از عروج حضرت عیسی علیه السلام، هیچ اثری از کتاب انجلیل میان مردم نبود. پس از گذشت مدتی برخی از یاران حضرت عیسی علیه السلام یا شاگردان آنها برداشت‌ها و خاطرات خود را از آن حضرت نوشتند و نام انجلیل بر آن نهادند، به گونه‌ای که ده‌ها انجلیل تألیف شد. تا اینکه چند قرن بعد، سورای مرکزی مسیحیان تصمیم گرفت تنها چهار انجلیل را تأیید کند و اجازه نشر و گسترش سایر انجلیل‌ها را ندهد.^۱

به نمونه‌هایی از تحریفات صورت گرفته در کتاب مقدس توجه کنید:

﴿ و مار از همه حیوانات صحرا که خداوند ساخته بود، هُشیارتر بود. به زن [حوا] گفت: آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باع نخورید؟

زن به مار گفت: از میوه درختان باع می‌خوریم، لکن از میوه درختی که در وسط باع است، خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس مکنید، مبادا بمیرید.

مار به زن گفت: هر آینه نخواهید مرد، بلکه خدا می‌داند در روزی که از آن نخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا، عارف نیک و بد خواهید بود.

کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۳: ۱-۵

﴿ [پس از خوردن میوه ممنوعه توسط آدم و حوا] خداوند گفت: همانا انسان مثل یکی از ما شده است، که عارف نیک و بد گردیده. اینک مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز بخورد، و تا ابد زنده ماند.

پس خداوند آدم را بیرون کرد و در طرف شرقی باع عدن، فرشتگان را قرارداد و [همچنین] شمشیر آتشباری را که به هر سو گردش می‌کرد تا از درخت حیات محافظت کند.

کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۳: ۲۴-۲۲

﴿ و یعقوب تنها ماند و فردی [خدا] با اوی تا طلوع فجر کشتنی می‌گرفت.

۱- برای مطالعه بیشتر در این خصوص، به مقدمه آقای جمشید غلامی نهاد بر کتاب «انجیل برناها»، نشر نیایش مراجعه کنید.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

و چون او دید نمی‌تواند بر روی [یعقوب] غلبه کند، کف پای یعقوب را فشود، و کف پای یعقوب در کشتنی گرفتن با او فشرده شد.

پس او [خداد] گفت: «مرا رها کن زیرا که فجر می‌شکافد. [یعقوب] گفت: تا مرا خیر و برکت ندهی، تو را رها نکنم.

او گفت: نام تو چیست؟ گفت: «یعقوب».

گفت: از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود بلکه اسرائیل خوانده شود، زیرا که با خدا مبارزه کردی و نصرت یافتی! ...

و یعقوب آن مکان را «فینیل» نامیده، گفت: زیرا در این مکان خدا را روبه‌رو دیدم و جانم رستگار شد.

کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۳۲: ۳۰-۲۴

✿ و [آدم و حوا] صدای خدا را که در حال راه رفتن در باغ بود، شنیدند و آدم و زنش خویشتن را از حضور خداوند در میان درختان باغ پنهان کردند.

و خداوند آدم را ندا داد و گفت: کجا هستی؟

[آدم] گفت: چون آوازت را در باغ شنیدم، ترسان گشتم، زیرا که عربانم. پس خود را پنهان کردم
کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۳: ۱۰-۸

✿ خدا جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را [حضرت عیسی] داد تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد.

زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد.
کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل یوحنا، باب ۳: ۱۶

دانش تکمیلی (۱)

با اینکه تورات و انجیل‌های امروزی با آنچه خداوند به عنوان کتاب آسمانی فرستاده بود، تفاوت‌های بسیاری دارد و سعی شده تا هرچا که به صورت مستقیم بشارتی به آمدن حضرت محمد ﷺ داده شده است، حذف یا تحریف شود، اما هنوز آثاری از این بشارت‌ها در این دو کتاب باقی است. اگر دوست دارید با برخی از این بشارت‌ها آشنا شوید به بخش «دانش تکمیلی» سایت گروه قرآن و معارف مراجعه کنید:
<http://quran-dept.talif.sch.ir>

پاسخ سوالات شما (۱)

برخی این سوال را می‌پرسند که اگر خداوند پیامبران را برای هدایت تمامی انسان‌ها فرستاده است، پس چرا همه پیامبران در منطقه غرب آسیا و بین‌النهرین مبعوث شده‌اند و ما پیامبری که در آفریقا یا اروپا مبعوث شده باشد، نداریم؟

هیوٰ؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

در پاسخ باید گفت: ادعای بعثت همهٔ پیامبران در این منطقه ادعای درستی نیست؛ زیرا:

۱- بنابر فرمایش خداوند در قرآن کریم، هیچ امتی در گذشته نبوده مگر اینکه برای آن امت هشداردهنده، راهنمای پیامبری فرستاده شده است؛ این آیات به صراحت اعلام می‌کنند که همهٔ اقوام و ملت‌ها از نعمت نبوت و هدایت الهی برخوردار بوده‌اند. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

...وَ إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا حَلَّا فِيهَا نَذِيرٌ^۱...

و هر امتی در گذشته انذارکننده‌ای داشته است.

وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...^۲
ما در هر امتی رسولی برانگیختیم تا خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید...
إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِّرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادِيٌّ^۳...

جز این نیست که تو بیم‌دهنده‌ای و هر قومی را هدایتگری است.

۲- در قرآن کریم، تصریح شده که نام بسیاری از پیامبران در این کتاب شریف نیامده است.^۴ یکصد و پیست و چهار هزار پیامبر از سوی خداوند مبعوث شده‌اند که تنها حدود ۳۰ نفر از آنها در قرآن نام برده شده است؛ اگر قرار بود فقط نام پیامبران در قرآن ذکر شود تصور کنید که حجم قرآن چقدر می‌شد! از همین جهت، ما اسامی بسیاری از پیامبران مناطق آسیای شرقی، اروپا و امریکا و آفریقا را در دست نداریم.

چکیده سخن اینکه، نمی‌توان وجود پیامبران را به منطقه خاورمیانه محدود دانست، بلکه همان‌گونه که بیان شد، هیچ قومی بر روی زمین از هدایت پیامبران محروم نبوده است.

عوامل ختم نبوت

از آنجا که خداوند پیامبران را می‌فرستد، و اوست که نیاز یا عدم نیاز به پیامبر را در هر زمان تشخیص می‌دهد، تعیین زمان ختم نبوت نیز با خداست. زیرا اوست که دقیقاً می‌داند عوامل ختم نبوت فراهم شده یا نه. مثلاً یکی از عوامل بی‌نیازی از آمدن پیامبر جدید، حفظ کتاب آسمانی از تحریف و وجود آن در میان مردم است. اما تشخیص اینکه در چه زمانی مردم به مرحله‌ای می‌رسند که می‌توانند کتاب آسمانی خود را حفظ کنند، در توانایی انسان نیست و فقط خداوند از چنین علمی برخوردار است. بنابراین، با توجه به اعلام ختم نبوت در زمان حضرت محمد ﷺ، در می‌باییم که عوامل

۱- سوره فاطر، آیه ۲۴.

۲- سوره نحل، آیه ۳۶.

۳- سوره رعد، آیه ۷.

۴- سوره غافر، آیه ۷۸ و سوره نساء، آیه ۱۶۴.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

بی نیازی از پیامبر جدید فراهم بوده است. برخی از این عوامل عبارت اند از :

۱- آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی : پایین بودن سطح درک انسان‌ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی از عوامل تجدید نبوت‌ها بود. در عصر ترول قرآن، با اینکه مردم حجاز سطح فرهنگی پایینی داشتند، اما آمادگی فکری و فرهنگی جوامع مختلف به میزانی بود که می‌توانست کامل‌ترین برنامه زندگی را دریافت و حفظ کند و به کمک آن، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. به همین جهت می‌بینیم که با ورود اسلام به سرزمین‌های دیگری مانند ایران، عراق، مصر و شام، نهضت علمی و فرهنگی بزرگی آغاز شد و دانشمندان و عالمان فراوانی ظهرور کردند.

۲- حفظ قرآن کریم از تحریف : با تلاش و کوشش مسلمانان و در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی که پیامبر اکرم ﷺ در جمع آوری و حفظ قرآن داشت، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه‌ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.^۱

۳- وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم ﷺ : تعیین امام معصوم از طرف خداوند سبب شد که مسئولیت‌های پیامبر، به جز دریافت وحی ادامه یابد و جامعه کمبودی از جهت رهبری و هدایت نداشته باشد.^۲

۴- پویایی و روزآمد بودن دین اسلام : دینی می‌تواند برای همیشه ماندگار باشد که بتواند به همه سؤال‌ها و نیازهای انسان‌ها در همه مکان‌ها و زمان‌ها پاسخ دهد. دین اسلام ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای بشر در دوره‌های مختلف باشد. برخی از ویژگی‌ها عبارت اند از :
اول : توجه به نیازهای متغیر، در عین توجه به نیازهای ثابت : انسان در زندگی فردی و اجتماعی دو دسته نیاز دارد : نیازهای ثابت مانند نیاز به امنیت، عدالت، داد و ستد با دیگران، ازدواج و تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت. این نیازها در همه زمان‌ها برای بشر وجود داشته است و

۱- در مورد عدم تحریف قرآن دلایل زیادی وجود دارد. یکی از دلایلی که شباه تحریف را از بین می‌برد این است که همه نسخه‌های قرآنی که از صدر اسلام و همچنین در دوره‌های مختلف تاریخی باقی مانده است دقیقاً به همین شکلی است که اکنون وجود دارد. با توجه به این نکته اگر تغییر و تحریفی در قرآن رخ می‌داد بی‌تردد باید شاهد تفاوت قرآن‌های امروزی با نسخه‌های به جای مانده از قرن‌های گذشته و به خصوص صدر اسلام باشیم.

امروزه در مجموعه‌های فرهنگی و موزه‌های مربوط به نسخ خطی جهان، قرآن‌های موجود است که نگارش آنها به بیش از هزار سال و گاه به عصر پیامبر مرسد، و همه این نسخه‌ها از آغاز تاکنون بدون هیچ تحریف و کاستی و یا زیادتی است و همگی از لحاظ آیات و محتوا همانند یکدیگر هستند. به تازگی نیز در تحقیقاتی، کارشناسان آلمانی بی‌تردید باشد تفاوت قرآن‌های امروزی با نسخه‌های ایمان نگهداری می‌شود، اما قدمی و مربوط به نیمه اول قرن هجری است. قرآن یادشده از ۱۵۰ سال پیش در خزانه کتابخانه دانشگاه توینینگ آلمان نگهداری می‌شود، اما تاکنون کسی به قدمت و اهمیت آن بی‌نبرده بود. نسخه‌شناسان با استفاده از تکنیک‌های نوین دریافته‌اند که قرآن مذکور، در سال‌های ۶۴۹ تا ۶۷۵ میلادی تحریر شده است، یعنی تنها ۲۰ تا ۴۰ سال پس از وفات حضرت محمد ﷺ. برای کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به : www.mehrnews.com/news/2427087; www.archaeologie-online.de/nachrichten

۲- با مسئولیت‌های پیامبر و امامان در درس‌های آینده آشنا خواهید شد.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

از بین نمی‌روند. دین اسلام برای هر کدام از این نیازها قوانین ثابت و مشخصی دارد. دسته‌دیگر، نیاز‌های متغیر هستند که از درون همین نیازهای ثابت پیدید می‌آیند؛ یعنی، انسان‌ها با گذشت زمان برای پاسخ‌گویی به نیازهای ثابت خود، از روش‌ها و شیوه‌های مختلف و متغیری استفاده می‌کنند. مثلاً داد و ستد یک نیاز ثابت است؛ اما شیوه و چگونگی داد و ستد ممکن است در هر زمان تغییر کنند. مثلاً یک روز کالا را با کالا عوض می‌کردند، روز دیگر به جای کالا سکه می‌گرفتند، بعدها پول اعتباری یعنی اسکناس به بازار آمد و امروزه قراردادهای بانکی، معامله‌ها را تنظیم می‌کنند. نیاز به امنیت هم یک نیاز ثابت است، اما چگونگی تأمین امنیت و ابزارها و اسلحه‌هایی که به این منظور به کار گرفته می‌شود در مقایسه با دوره‌های گذشته بسیار متفاوت شده است. معارف اسلامی به گونه‌ای است که متخخصان دین می‌توانند از درون آن با توجه به نیازهای جدید به وجود آمده، قوانین موردنیاز جامعه درباره بانکداری، اسکناس، خرید و استفاده از سلاح‌های جدید را استخراج کنند و در اختیار مردم قرار دهند.^۱

دوم : وجود قوانین تنظیم‌کننده : در اسلام دسته‌ای از قواعد و قوانین وجود دارد که به مقررات اسلامی خاصیت انطباق و تحرک داده است. این قواعد بر همه احکام و مقررات اسلامی تسلط دارند و مانند بازرسان عالی، احکام و مقررات را تحت نظر قرار می‌دهند و کنترل می‌کنند. به طور مثال پیامبر اکرم ﷺ فرموده است : لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ؛^۲ اسلام با ضرر دیدن و ضرر رساندن مخالف است.

این سخن به صورت یک قاعده درآمده و بسیاری از مقررات اسلامی را کنترل می‌کند. مثلاً روزه ماه رمضان بر هر مکلفی واجب است، اما اگر این روزه برای شخصی ضرر داشته باشد، بر او حرام می‌شود. بنابراین، بر اساس عواملی که بیان شد، آخرین پیامبر الهی، کامل‌ترین و شایسته‌ترین برنامه را برای هدایت تمامی انسان‌ها، در همه زمان‌ها به مردم معرفی نمود و دیگر نیازی به آمدن پیامبر جدید نیست.



کلی خط است ز اول تا ب آخر بر او خلق جان کشته مسافر
در این ره، انبیا چون ساربان اند دلیل و رحمتی کاروان اند

۱- به عنوان مثال، در مورد نیاز به امنیت و حفظ کشور در برابر تهاجم دشمن، که یک نیاز ثابت است، یک قاعده ثابت وجود دارد و آن اینکه در قرآن کریم می‌فرماید: وَ أَعِدُوا لَهُم مَا أَسْطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَلْقِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَذَّابُ اللَّهِ وَ عَذَّابُكُمْ ...؛ هرچه در توان دارید از نیرو و اسباب‌های ورزیده فراهم آورید، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید. (سوره افال، آیه ۶۰)

فراهم کردن نیرو و قدرت برای تأمین امنیت و به میزانی که دشمن بترسد و جرئت حمله پیدا نکند، یک قاعده ثابت است؛ اما مصداق این نیرو در هر زمان متفاوت است. همان‌گونه که در یک دوره زمانی برای مقابله با دشمن به اسب نیاز بوده است، امروزه حکومت اسلامی وظیفه دارد به هر ابزار جدید و مشروعی برای حفظ کشور دست یابد تا کشور را از هر تهدیدی حفظ کند.

۲- من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۱۰۳.

هیوٰ؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

و ز ایشان سید مَكْثُه سالار
هم او اول هم او آخر در این کار
بر او ختم آمده پایان این راه
بر او نازل شده «أَدْعُوا إِلَيَّ اللَّهُ»^۱
شده او پیش و دل ها جمله در پی
کرفته دست جان ها دامن وی^۲

وظیفه پیروان پیامبران گذشته

وقتی خداوند پیامبر جدیدی برای هدایت مردم می فرستد، وظیفه پیروان پیامبر قبل چیست؟ آیا ادامه پیروی از دستورات پیامبر قبلی، مورد قبول خداوند است؟

همان طور که بیان شد، خداوند فقط یک دین و یک راه برای هدایت انسان‌ها فرستاده است که از آن به «اسلام» تعبیر می‌شود. هر یک از پیامبران، این دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود بیان کرده‌اند. آمدن پیامبر جدید و آوردن کتاب جدید نشانگر این است که بخشی از تعلیمات پیامبر قبلی، اکنون نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای مردم باشد.

هر پیامبری که می‌آمد به آمدن پیامبر بعدی بشارت می‌داد و بر پیروی از او تأکید می‌کرد. بنابراین، وجود دو یا چند دین در یک زمان، نشانگر این است که پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده‌اند و این کار به معنای سریچی از فرمان خدا و عدم پیروی از دستورات پیامبران گذشته است. علاوه بر این، امروزه به جز قرآن کریم هیچ کتاب آسمانی دیگری وجود ندارد که بتوان گفت محتوای آن به طور کامل از جانب خداست و انسان‌ها آن را کم و زیاد نکرده‌اند و با اطمینان خاطر بتوان از آن پیروی کرد. بنابراین، تنها دینی که می‌تواند مردم را به رستگاری دنیا و آخرت برساند اسلام است :

وَ مَن يَبْتَغُ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا
وَ هُرَّ كَسَ كَهْ دِينِي جَزِ اسْلَامِ اخْتِيَارَ كَنَد
فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ
وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^۳

برخی تصور می‌کنند پیامبران مانند فروشنده‌گان کالا هستند که هر کدام برای خود فروشگاهی باز کرده و کالای خود را تبلیغ می‌کنند و مردم می‌توانند بین آن کالاهای کیکی را انتخاب نمایند. در صورتی که پیامبران مانند معلمان یک مدرسه‌اند که پایه‌های مختلف تحصیلی را به ترتیب تدریس می‌کنند و هر کدام مطالب سال قبل را تکمیل می‌کنند. آنان همه یک برنامه و هدف مشخص را دنبال و همه یکدیگر را تأیید کرده‌اند. بنابراین، اگر کسی به آخرین پیامبر الهی ایمان بیاورد در واقع به تمام پیامبران سابق نیز ایمان آورده است.^۴

۱- سوره یوسف، آیه ۸۰.

۲- دیوان گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

۳- سوره آل عمران، آیه ۸۵.

۴- سوره بقره، آیه ۱۳۶.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

دانش تکمیلی (۲)

برای کسب دانش بیشتر در خصوص چگونگی محاسبه اعمال افراد غیرمسلمان در جهان آخرت به سایت گروه قرآن و معارف بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

پاسخ سوالات شما (۲)

دین دانی یا دین داری؟!

ممکن است این سؤال برای برخی به وجود آید که چرا در میان پیروان دین راستین، جو امعی وجود دارد که نه تنها به سمت رشد و پیشرفت نمی‌روند بلکه به انواع گرفتاری‌ها و مشکلات دچار هستند؟ اگر دین آمده است تا با پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای اساسی انسان‌ها، آنها را از مشکلات و تنگناها نجات دهد، چرا برخی جوامع دینی، گرفتار چنین مشکلاتی هستند؟

اولین علت بروز این مسئله، جهل بسیاری از مردم نسبت به دستورها و تعالیم دین است. آنان با اینکه ادعا می‌کنند دین دار هستند، ولی از دستورهای دین اطلاع کامل و درستی ندارند و به جای آنکه در پی مطالعه و یادگیری معارف دین باشند، به آنچه از این و آن شنیده‌اند بسته می‌کنند. آنان نه می‌دانند که اصول دینشان چیست و بر چه پایه‌هایی استوار است و نه از احکام و قوانین دینشان که در زندگی روزمره باید به آن عمل کنند، خبر دارند. این گونه جوامع شاید به ظاهر دینی باشند، اما در واقع بهره‌ای از تعالیم نجات بخش دین نبرده‌اند.

دومین علت، عمل نکردن مردم به دستورهای دین است. برخی مردم با وجود آگاهی از تعالیم دین و با اینکه می‌دانند که نجات آنها در عمل به این تعالیم است، اما بهدلیل دل‌بستن به هوس‌های زودگذر، به آن عمل نمی‌کنند و پاییند به دستورهایش نیستند.

بنابراین، اگر می‌خواهیم تأثیر بی‌نظیر دین را در زندگی و جامعه خود مشاهده کنیم، باید مطالعه و شناخت تعالیم دین و سپس اطاعت از دستورهای آن را سر لوحه کار خود قرار دهیم. البته در این راه باید سعی کنیم به تمام احکام شریعت عمل کنیم، نه اینکه به برخی موارد عمل کنیم و برخی دیگر را کثار بگذاریم.

اندیشه و تحقیق

به نظر شما آیا این امکان وجود داشت که خداوند برنامه سعادت بشر را یک بار برای همیشه در زمان حضرت آدم علیه السلام برای مردم بفرستد؟ چرا؟

هیو؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



أَلَا إِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَمْدًا لِلَّهِ وَعْدَ اللَّهِ
حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ هُوَ يُحِيٰ وَ
يُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ
مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى
وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ
فِي ذَلِكَ فَلَيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾
قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ
حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ إِنَّ اللَّهَ أَذِنَ لَكُمْ ذَمِنَ عَلَى اللَّهِ
تَفَتَّرُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا ظُنُّ الذِّبَنِ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَا تَكُونُونُ فِي شَأنٍ وَمَا
تَتَلَوَّ مِنْهُ مِنْ قُرْءَانٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا
عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ حَمْدًا لِلَّهِ وَمَا يَعْزِبُ
عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالٍ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ
وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦١﴾

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ترجمه

بدانید که [مالکیت] آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداست؛ بدانید و عدهٔ خدا حق است، ولی بیشتر آنان نمی‌دانند.

۵۶

او زنده می‌کند و می‌میراند و به سوی او بازگردانده می‌شوید. ای مردم، برای شما از جانب پروردگار تان پندی و درمانی برای آنچه [از صفات نکوهیده و عقاید نادرست] در سینه‌هast و رهمنود و رحمتی برای مؤمنان آمده است.

۵۷

بگو : به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند. این از هر آنچه [دارای و امکانات] که فراهم می‌آورند، بهتر است.

۵۸

بگو : به من خبر دهید از رزقی که خدا برای شما فروفرستاده و شما بخشی از آن را حرام و بخشی را حلال دانسته‌اید، بگو : آیا خدا به شما اجازه داده است که این احکام را صادر کنید، یا بر خدا دروغ می‌بندید؟

۵۹

کسانی که بر خدا دروغ می‌بنندن، [به فرجام خود] در روز قیامت چه گمان می‌برند؟ البته، خداوندان از فضل خود به مردم عطا می‌کند، ولی بیشتر شان ناسپاسی می‌کنند.

۶۰

در هیچ حال [و اندیشه‌ای] نیستی و هیچ بخشی از قرآن را تلاوت نمی‌کنی و تو و دیگران هیچ کاری را انجام نمی‌دهید، مگر اینکه ما بر شما گواهیم؛ و هم وزن ذره‌ای [غبار بسیار ریزی که در هوا پراکنده است] نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نمی‌ماند، و چیزی کوچک‌تر از ذره و بزرگ‌تر از آن نیست، مگر اینکه در کتابی روشن ثبت است.

۶۱

درس سوم

معجزه جاویدان

ستاره‌ای بدرخشد و ماه مجلس شد دل رمیده ما را اینیں و مونش شد
نگار من که به کتب نزف و خط توشت به غمزه مسئلله آموز صد مدرس شد
قرآن کریم، آخرین کتاب الهی است که بر خاتم پیامبران نازل شده و گواه و دلیل نبوت ایشان است.

در این درس به بررسی این موضوع می‌پردازیم تا بدانیم:
اولاً چرا معجزه جاوید پیامبر خاتم ﷺ از نوع کتاب است؟
ثانیاً قرآن کریم از چه جهاتی معجزه است؟

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تصور کنید که شما در چند هزار سال قبل زندگی می‌کردید و یک روز می‌شنیدید که شخصی به نام موسی خود را پیامبر خدا معرفی کرده است و ادعا می‌کند از جانب خدا برای هدایت انسان‌ها دستوراتی را آورده است. شما چگونه یقین می‌کردید که او در ادعایش صادق است و واقعاً از جانب خدا آمده است؟



هرگاه پیامبری از سوی خداوند مبعوث می‌شد، برای اینکه مردم دریابند که وی با خداوند ارتباط دارد و از طرف او مأمور به پیامبری شده است، کارهای خارق العاده‌ای انجام می‌داد که هیچ‌کس بدون تأیید و اذن خداوند قادر به انجام آنها نبود^۱. قرآن کریم این کارهای خارق العاده را «آیت» یعنی نشانه و علامت نبوت می‌خواند و اندیشمندان اسلامی آن را معجزه می‌نامند زیرا عجز و ناتوانی سایر افراد در این امور آشکار می‌شود. البته معجزات پیامبران گذشته، فقط برای مردم آن زمان قابل مشاهده بود و امروز اثری از آنها باقی نمانده است.

به نظر شما معجزه آخرین پیامبر الهی که دینش برای مردم تمامی دوران‌ها تا روز قیامت خواهد بود، چگونه باید باشد؟

معجزه آخرین پیامبر الهی باید به گونه‌ای باشد که :

- ۱- مردم زمان خودش به معجزه بودن آن اعتراف کنند و آن را فوق توان بشری بدانند.
- ۲- آیندگان هم معجزه بودن آن را تأیید کنند.

از این رو، خداوند معجزه اصلی پیامبر اکرم ﷺ را قرآن کریم قرار داد؛ معجزه‌ای از جنس «کتاب»؛ کتابی که هیچ‌کس توان آوردن مانند آن را ندارد. خداوند به کسانی که در الهی بودن قرآن کریم شک دارند، پیشنهاد کرده است تا کتابی همانند آن را بیاورند^۲ و برای اینکه عجز و ناتوانی آنها را نشان دهد، این پیشنهاد را به ده سوره کاوش داده است^۳ و برای اثبات نهایت عجز و ناتوانی آنان، پیشنهاد آوردن حتی یک سوره مانند سوره‌های قرآن را هم به آنها داده است :

آیامی گویند : او به دروغ آن [قرآن] را به خدا نسبت داده است ؟
بگو : اگر می‌توانید یک سوره همانند آن را بیاورید .
قُلْ فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ

این دعوت به مبارزه را «تحدی» می‌گویند و خداوند تأکید می‌کند که هیچ‌گاه، هیچ‌کس نمی‌تواند

۱- فرق معجزه با کارهای خارق العاده مرتاضان و ساحران و ترددتان هم همین است که کارهای آنان با تعلم و تمرین قابل بادگیری است. اما کار پیامبران به گونه‌ای است که آنان بدون آموزش قبلي معجزه می‌کنند و هیچ‌گاه مغلوب کار دیگران واقع نمی‌شوند، مثلاً وقتی عصای حضرت موسی علیه السلام^۴ به ازدھا تبدیل می‌شد، بر کارهای ساحران غلبه می‌کرد. همچنین هیچ‌کس نمی‌توانست مانند آن را انجام دهد.

۲- سوره اسراء، آیه ۸۸.

۳- سوره هود، آیه ۱۳.

۴- سوره یونس، آیه ۳۸.

هیوٰ؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

در این مبارزه پیروز شود و همانند قرآن را بیاورد :

بگو : اگر تمامی انس و جن جمع شوند
قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُ
تا همانند قرآن را بیاورند،
عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ
نمی توانند همانند آن را بیاورند،
لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ
وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا.^۱ هر چند پستیبان هم باشند.

از آن روز که قرآن کریم دعوت به مبارزه را اعلام کرده است، بیش از چهارده قرن می گذرد و این دعوت همچنان ادامه دارد. مخالفان سرسخت اسلام از همان ابتدای تزویل قرآن کریم تاکنون، در این باره تلاش بسیاری کرده اند تا عظمت قرآن را زیر سؤال ببرند، اما نتوانسته اند سوره‌ای حتی به اندازه سوره «کوثر» بیاورند که اندیشمندان و متخصصان زمان، برابری آن را با سوره‌ای از قرآن پیدا نمایند؛ در حالی که آسان‌ترین راه برای غیرالله‌ی نشان دادن اسلام و قرآن کریم، آوردن سوره‌ای مشابه یکی از سوره‌های این کتاب الهی است.

آری، از گذشته دور تا امروز، مخالفان قرآن کریم متن‌هایی ارائه کرده اند که برای افراد غیرمتخصص ممکن است بی‌عیب جلوه کند، اما تاکنون هیچ یک از این متن‌ها در مراکز علمی و تخصصی، مورد قبول واقع نشده است و جملگی به فراموشی سپرده شده اند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما چرا خداوند معجزه آخرین پیامبر خود را کتاب قرار داده است؟

پاسخ به سؤالات شما

برخی می‌پرسند که آیا پیامبر خاتم ﷺ به غیر از معجزه جاوید خود، که متعلق به همه عصرها و دوران‌های است، معجزات دیگری نیز برای مردم زمان خود داشته‌اند؟
پاسخ اینکه : بله، پیامبر در کنار معجزه اصلی خود (قرآن) معجزات دیگری نیز داشت. معجزاتی مانند حرکت کردن و دو نیم شدن درخت به دستور ایشان، شق القمر و

حضرت علی علیه السلام در یکی از سخنان خود می‌فرمایند :

من با پیامبر اکرم ﷺ بودم که گروهی از بزرگان قریش آمدند و گفتند : ما از تو چیزی می‌خواهیم که اگر پیذیری و انجام دهی، بی می‌بریم که تو فرستاده خدا هستی و اگر انجام ندهی، بر ما مشخص می‌شود که جادوگر و دروغگویی.

.۸۸ سوره اسراء، آیه ۸۸.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

پیامبر پرسید : چه می خواهید؟ گفتند : به آن درخت بگو از ریشه درآید و در پیش روی تو بایستد. پیامبر گفت : خدا بر هر کاری تواناست. آیا اگر خدا برای شما چنین نکند، ایمان می آورید؟ گفتند : آری.

پیامبر فرمود : اکنون آنچه خواسته اید به شما نشان خواهم داد، ولی می دانم که به راه خیر باز نمی گردید.

سپس به درخت اشاره کرد و فرمود : ای درخت، اگر به خدا و روز جزا ایمان داری و می دانی که من پیامبر خدا هستم، به اذن خدا از ریشه درآی و در برابر من بایست. درخت با ریشه هایش از زمین کنده شد و نزد پیامبر آمد و شاخه های بالایی خود را بر رسول الله ﷺ سایان کرد و یکی از شاخه هایش را نیز بر شانه من نهاد که در طرف راست آن حضرت بودم.

آن گروه به آن نگریستند و از روی تکبر و گردنکشی گفتند : حال دستور بده نیمی از آن، نزد تو بیاید و نیم دیگر جای خودش بماند. پیامبر فرمان داد. نیمی از درخت نزد او آمد. آنها از روی کبر و سرکشی گفتند : حال دستور بده تا به نیم دیگر خود ملحق شود. پس پیامبر امر فرمود و درخت بازگشت.

من گفتم : لا اله الا الله . ای رسول خدا، من نخستین کسی هستم که به تو ایمان آورده ام و نخستین کسی هستم که گواهی می دهم درخت با فرمان خدا و برای تصدیق نبوت و بزرگداشت دعوت رسالت، آنچه را خواستی، انجام داد.

بزرگان قریش گفتند : این مرد جادوگری دروغگوست و در جادوگری مهارت خیلی زیادی دارد. سپس گفتند : آیا جز این (مقصودشان من بودم) کسی تو را در کارت تصدیق می کند؟

جنبه های اعجاز قرآن کریم

هر کتابی از دو جنبه قابل بررسی است : اول از جنبه لفظی و دوم از جنبه محتوایی؛ قرآن کریم در هر دو جنبه معجزه است :

۱- اعجاز لفظی

خداوند برای بیان معارف زرف و عمیق قرآن، زیباترین و مناسب ترین کلمات و عبارت ها را انتخاب کرده است تا به بهترین وجه، معنای مورد نظر را برساند و دل های آماده را به سوی حق جذب کند. هر کس با زبان عربی آشنا باشد، به محض خواندن قرآن، در می یابد که آیات آن با سایر سخن ها کاملاً فرق می کند و به شیوه ای خاص بیان شده است.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

فیلم (۱) : عکس العمل غیر مسلمانان هنگام شنیدن آیات قرآن



این حقیقت، از همان آغاز نزول مورد توجه همگان و حتی مخالفان قرار گرفته بود. ساختار زیبا و آهنگ موزون و دلنشیں کلمه‌ها و جمله‌ها، شیرینی بیان و رسایی تعبیرات با وجود اختصار سبب شده بود که سران مشرکان، مردم را از شنیدن قرآن منع کنند و اگر کسی برای شنیدن قرآن نزد پیامبر می‌رفت، یا از پشت دیوار خانه پیامبر، به قرآن خواندن ایشان گوش فرا می‌داد، او را مجازات می‌کردند. همین زیبایی لفظی، سبب نفوذ خارق العاده این کتاب آسمانی در افکار و قلوب در طول تاریخ شده است و بسیاری از مردم به خصوص ادبیان و اندیشمندان تحت تأثیر آن مسلمان شده‌اند.

فیلم (۲) : پس از مشاهده این تلاوت زیبا، احساس درونی خود را بیان کنید.



دانش تکمیلی (۱)

اگر مایلید با نمونه‌هایی از کسانی که با شنیدن تلاوت قرآن تحت تأثیر زیبایی لفظی و آهنگ موزون آن قرار گرفته و مسلمان شده‌اند، آشنا شوید به سایت گروه قرآن و معارف بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

۲- اعجاز محتوای

گذشته از اعجاز لفظی، قرآن کریم از نظر محتوا و مطالب آن ویژگی‌هایی دارد که نشان می‌دهد از قلم هیچ اندیشمندی تراویش نکرده است، چه رسید به شخصی که قبل از آن، چیزی نوشته و آموختشی ندیده است. این جنبه از اعجاز برای کسانی که زبان قرآن را نمی‌دانند و فقط از ترجمه‌ها استفاده می‌کنند نیز قابل فهم و ادراک است. برخی از این جنبه‌های اعجازی عبارت اند از :

الف) انسجام درونی در عین نزول تدریجی : می‌دانیم که آثار و نوشه‌های اولیه دانشمندان و متفکران با آثار دوران پختگی آنها متفاوت است. از این‌رو، دانشمندان معمولاً در نوشه‌های گذشته خود تجدیدنظر می‌کنند و اگر بتوانند، کتاب‌های گذشته خود را اصلاح می‌نمایند.

با اینکه بیش از شش هزار آیه قرآن کریم در طول ۲۳ سال به تدریج نازل شده و درباره موضوعات متنوع سخن گفته است، نه تنها میان آیات آن، تعارض و ناسازگاری نیست، بلکه آیاتش دقیق‌تر از اعضای یک بدن با یکدیگر هماهنگی دارند و همدیگر را تأیید می‌کنند.

هیوٰ؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تدبر در قرآن

خداآوند در قرآن می فرماید :

۱- **أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ عَيْرِ اللَّهِ لَوْ جَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا**

با توجه به این آیه بیان کنید چرا خداوند بر این نکته تأکید دارد که اگر قرآن از جانب غیر خدا بود، قطعاً ناسازگاری و اختلافات زیادی در آن یافت می شد؟

ب) تأثیرناپذیری از عقاید دوران جاهلیت : در هر دوره‌ای از زمان، مجموعه‌ای از افکار، عقاید و آداب و رسوم که از آن به فرهنگ تعبیر می‌شود، مردم را کم و بیش تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرهنگ مردم حجاز آمیزه‌ای از عقاید نادرست و آداب و رسوم خرافی و شرک آسود بود. با وجود این، قرآن کریم نه تنها از این فرهنگ تأثیر نپذیرفت، بلکه به شدت با آداب جاهلی و رسوم خرافی آن مبارزه کرد و به اصلاح جامعه پرداخت و از موضوع‌هایی همچون عدالت‌خواهی، علم‌دوستی، معنویت و حقوق برابر انسان‌ها سخن گفته است.

ج) جامعیت و همه‌جانبه بودن : با وجود اینکه قرآن کریم چهارده قرن پیش نازل شده، اما در مورد همه مسائل مهم و حیاتی که انسان در هدایت به سوی کمال بدن نیاز دارد، سخن گفته و چیزی را فروگذار نکرده است. این کتاب فقط از امور معنوی، یا آخرت و رابطه انسان با خدا سخن نمی‌گوید؛ بلکه از زندگی ماذی و دنیوی انسان، مسئولیت‌های اجتماعی و رابطه‌ی وی با انسان‌های دیگر سخن می‌گوید و برنامه‌ای جامع و همه‌جانبه را در اختیارش قرار می‌دهد.

امام باقر علیه السلام می فرماید : «**خداوند آنچه را که امت تا روز قیامت به آن احتیاج دارد، در کابش [قرآن] آورده است.**»^۲

البته روشن است که منظور از آنچه مورد نیاز است، نیازهای مربوط به برنامه زندگی و هدایت انسان‌هاست؛ یعنی همان نیازهایی که پیامبران به خاطر آنها فرستاده شده‌اند.

 فیلم (۳) : بعد از مشاهده فیلم بگویید علت اصلی اسلام آوردن جوان استرالیایی چه بوده است؟

د) ذکر نکات علمی بی‌سابقه : در جامعه‌ای که علم و دانش جایگاهی نداشت و خبری از رشته‌هایی مانند فیزیک، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی و ستاره‌شناسی نبود، قرآن کریم به برخی نکات علمی اشاره

۱- سوره نساء، آیه ۸۲.

۲- «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدْعُ شَيْئًا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأَمْمَةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَرْتَلَمْ فِي كِتَابِهِ». (اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۲۶۱)

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

می‌کند که در تمام دنیا آن روز بی‌سابقه بود و بعدها به مرور زمان توسط دانشمندان کشف گردید.^۱ اشاره به این قبیل نکات علمی، گویای آن است که قرآن کریم بسیار فراتر از علم آن روز جامعه سخن گفته و ذکر این قبیل نکات علمی فقط از کسی ساخته است که آگاه به همه علوم باشد؛ یعنی خداوند متعال. به چند نمونه از نکات علمی قرآن کریم توجه کنید :

۱- حرکت زمین : چهار قرن پیش در سرزمین اروپا، گالیله به دلیل اینکه زمین را متحرک خوانده بود، در دادگاه محکمه شد. در آن دوران تصور بر این بود که زمین ثابت است و خورشید و سایر سیارات به دور آن می‌چرخد. اما در چهارده قرن پیش و در زمانی که هیچ یک از ابزارهای نجومی امروزی در دست بشر نبود، قرآن کریم در آیات خود به حرکت زمین اشاره می‌کند که از آن جمله، تشییه زمین به ذلول است^۲. ذلول به شتری گفته می‌شود که به گونه‌ای حرکت می‌کند که سوار خود را نمی‌آزاد. تشییه زمین به «ذلول» به خوبی به حرکت هموار و همراه با آرامش زمین اشاره دارد.



۲- انبساط جهان : نظریه انساط جهان، یکی از مهم‌ترین کشفیات نجومی انسان در قرن بیستم است. بر طبق این نظریه، کهکشان‌ها با سرعت فوق العاده‌ای در حال حرکت و فاصله گرفتن از یکدیگرند که در نتیجه آن، جهان هستی مدام در حال گسترش و انساط است. مطلبی که خداوند در قرآن کریم به آن اشاره کرده است :

وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ^۳
وَآسمان را با قدرت خود برا فراشتمیم و همواره آن را وسعت می‌بخشمیم.

دانش تكميلي (۲)

یکی دیگر از نمونه‌های اعجاز محتوایی قرآن، خبر دادن قرآن از حوادث آینده به مسلمانان صدر اسلام بود. اگر علاقه‌مندید می‌توانید برای آشنایی با نمونه‌هایی از این اخبار، به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

-
- ۱- البته، قرآن کتاب هدایت است، نه کتابی درباره علوم. به همین جهت اگر گاهی به یک نکته علمی می‌پردازد، برای شناسن دادن عظمت خلقت و ادانتن انسان‌ها به تفکر در جهان است. از این روست که این نکات علمی را به صورت کوتاه و در حد اشاره مطرح می‌کند.
 - ۲- سوره ملک، آیه ۱۵.
 - ۳- سوره ذاريات، آیه ۴۷.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تدبر در قرآن

با توجه به آئه زیر، چرا خداوند معجزه جاوید خود را توسط پیامبری به دست مردم رساند که نزد هیچ کس درس نخوانده بود؟ اگر این کتاب توسط یکی از درس‌خوانندگان و دانشمندان جامعه آورده می‌شد، ممکن بود چه شک و شباهه‌ای ایجاد شود؟

وَ مَا كُنْتَ تَتَلَوَّا مِنْ قِبْلَهِ مِنْ كِتَابٍ وَ لَا تُخْطِهِ بِيَمِينِكَ إِذَا لَأْرَاتَابِ الْمُبْطِلُونَ^۱
وَبِشَّ از آن هیچ نوشته‌ای را نمی‌خواندی و با دست خود، آن را نمی‌نوشتی که در آن صورت،
اهل باطل به شک می‌افتدند.

اندیشه و تحقیق

۱- به نظر شما چرا اندیشه دانشمندان به مرور زمان تغییر می‌کند؟ این ویژگی چگونه الهی بودن قرآن را اثبات می‌کند؟

۲- با توجه به دو متن زیر، به سؤالات پاسخ دهید :

(الف) شاید نتوان کتابی را در جهان یافت که در آن به اندازه قرآن کریم به تعقل، تفکر و علم دوستی تأکید شده باشد. در این کتاب، بیش از ۷۷ بار از علم، ۱۸۵ بار از گوش دادن و توجه کردن، ۴۹ بار از فکر کردن، ۱۳۲ بار از تبیین و دلیل و نیز دهها کلمه دیگر مانند قلم و کتاب که به تفکر و علم مربوط می‌شوند، نام برده شده است. همچنین آیات متعددی در نکوهش جهل، غفلت و تعقل نکردن وجود دارد.

(ب) در جامعه آن روز عربستان و حتی دیگر نقاط جهان، کرامت زنان نادیده گرفته می‌شد. به گونه‌ای که اگر خانواده‌ای فرزند دختر به دنیا می‌آورد، احساس شرم می‌کرد^۲. در چنین فضایی، قرآن کریم با بیان کرامت زن و تساوی وی با مرد در انسانیت اعلام کرد : هر کس، از مرد و زن، عمل صالح انجام دهد و اهل ایمان باشد، خداوند به او حیات پاک و پاکیزه می‌بخشد^۳؛ و عمل هیچ مرد و زنی را ضایع نمی‌کند. علاوه بر این، قرآن کریم برای زن حقوق خانوادگی و اجتماعی قائل شد، در مالکیت به او استقلال بخشید و درآمد کارش را از آن خودش دانست؛ همینه خانواده را از دوش او برداشت و بر دوش مرد قرار داد و به خصوص بر کرامت، عزت و عفافش تأکید کرد تا در جامعه مورد سوءاستفاده مرد قرار نگیرد.

● متن الف به کدام یک از جنبه‌های اعجاز قرآن کریم اشاره می‌کند؟

● متن ب به کدام یک از انواع اعجاز محتوایی اشاره می‌کند؟

۱- سوره عنکبوت، آیه ۴۸.

۲- سوره نحل، آیه ۵۸.

۳- سوره نحل، آیه ۹۷.

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۹۵.

هیو؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

پیشنهاد

در یک کار تحقیقی برخی نمونه‌های دیگر از اعجاز‌های علمی قرآن را پیدا و در کلاس
بیان کنید.

هیو؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



الَّمْ تَرَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءاْمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَ
مَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَكَّمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ
وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكُفُّرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَنُ أَنْ
يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٤٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا
أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنْفِقِينَ يَصُدُّونَ
عَنِّيَ صُدُودًا ﴿٤١﴾ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا
قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا
إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٤٢﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ
مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظَّهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي
أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٤٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا
لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ
جَاءُوكَ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ
لَوْ جَدُوا اللَّهَ تَوَابًا رَحِيمًا ﴿٤٤﴾ فَلَا وَرِبَّكَ لَا يُؤْمِنُونَ
حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا
فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٤٥﴾

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ترجمه

آیا ندیدهای کسانی را که گمان می‌کنند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان آورده‌اند، [اما] می‌خواهند داوری به تزد طاغوت بیرند، حال آنکه فرمان یافته‌اند بدان کفر ورزند و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دور و درازی بکشاند.

۶۰

و هنگامی که به آنان گفته می‌شود : به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی این پیامبر بباید، منافقان را می‌بینی که از تو سخت روی برمی‌تابند.

۶۱

پس چگونه خواهد بود حال آنها آن‌گاه که بر اثر کاری که به دست خود کرده‌اند گزندی به آنان رسد، سپس تزد تو آیند و به خدا سوگند خورند که هدف ما از بردن داوری تزد دیگران چیزی جز نیکی[رنج نرساندن به تو] و سازش [میان مشاجره‌کنندگان] نبود؟

۶۲

اینان کسانی‌اند که خدا آنچه را که در دل دارند می‌داند؛ پس از آنان روی بگردان و اندرزشان ده و به ایشان درباره خودشان گفتار رسا [مؤثر و سودمند] بگو.

۶۳

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به اذن خدا در همه امور از او پیروی شود؛ اگر آنان پس از آنکه بر خود ستم کردند تزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر و مهریان می‌یافتدند.

۶۴

ولی چنین نیست؛ به پروردگارت سوگند، آنان مؤمن نیستند مگر اینکه تو را در آنچه می‌اشناسان مایه اختلاف است به داوری طلبند، آن‌گاه از داوری تو در خود، احساس هیچ‌گونه ناخرسندي و ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم حکم تو باشند.

۶۵

درس چهارم

مسئولیت‌های پیامبر ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ، به عنوان آخرین پیام‌رسان الهی، به مدت بیست و سه سال مردم را به آخرین و کامل‌ترین برنامه هدایت فراخواند و برای رستگاری آنان و نجات‌شان از گمراهی، تلاش‌سیاری کرد و با استقامت و صبری بی‌مانند، وظیفه سنگین رسالت را به پایان رساند. در این درس، به این سوال می‌پردازیم که :

خداوند متعال چه مسئولیت‌ها و وظایفی را بر عهده آن حضرت گذاشته بود؟

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تعلیمات قرآن کریم و سیره رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که ایشان به عنوان فرستاده خداوند، سه مسئولیت مهم را عهده دار بود:

۱- دریافت و ابلاغ وحی

رسول خدا ﷺ آیات قرآن کریم را به طور کامل از فرشته وحی دریافت می‌کرد و بدون ذرّه‌ای کم یا زیاد به مردم می‌رساند.

پیامبر اکرم ﷺ این مسئولیت را به طور کامل انجام داد و همه آیات قرآن را برای مردم خواند. همچنین نویسنده‌گانی را مأمور نوشتن قرآن نمود. عده زیادی نیز با استیاق، آیات قرآن را فرا می‌گرفتند و در سینه خود حفظ و به آن عمل می‌کردند. یکی از یاران پیامبر، به نام عبدالله بن مسعود می‌گوید: «ما ده آیه از قرآن را از پیامبر فرا می‌گرفتیم و بعد از اینکه در معنای آن تفکر می‌کردیم و به آن عمل می‌نمودیم، بار دیگر برای یاد گرفتن آیات بعدی، نزد پیامبر می‌رفتیم».

نویسنده‌گان قرآن را «کاتبان وحی» و آنان که قرآن را به خاطر سپرده و حفظ می‌کردند، «حافظان وحی» می‌نامیدند. اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن کریم، حضرت علی علیهم السلام بود.

دانش تكميلي (۱)

اگر دوست دارید اطلاعات بیشتری در مورد شیوه تنظیم آیات توسط پیامبر ﷺ کسب کنید، به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تكميلي» مراجعه کنید.

۲- تعلیم و تبیین تعالیم قرآن (مرجعیت دینی)

پیامبر اکرم ﷺ، علاوه بر رساندن وحی به مردم، وظیفه تعلیم و تبیین آیات قرآن کریم را نیز بر عهده داشت تا مردم بتوانند به معارف بلند این کتاب آسمانی دست یابند و جزئیات احکام و قوانین را بهمند و شیوه عمل کردن به آن را بیاموزند. از این رو، گفتار و رفتار پیامبر ﷺ اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق آیات الهی است و مسلمانان با مراجعت به گفتار و رفتار آن حضرت، به معنای واقعی بسیاری از معارف قرآن پی می‌برند و شیوه انجام دستورات قرآن را می‌آموزند. ما هم اکنون، نماز، روزه، حج و بسیاری دیگر از وظایف خود را که کلیات آنها در قرآن کریم آمده است، مطابق گفتار و رفتار رسول خدا ﷺ انجام می‌دهیم. به راستی که ایشان اولین و بزرگ‌ترین معلم قرآن بوده است.

۳- اجرای قوانین الهی با تشکیل حکومت اسلامی (ولايت ظاهری)

مسئولیت دیگر پیامبر اکرم ﷺ ولايت بر جامعه است. ولايت به معنای سرپرستی و رهبری است.

۱- جامع البیان، طبری، ج ۱، ص ۲۷.

هیوٰ؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ایشان به محض اینکه مردم مدینه اسلام را پذیرفتند، به این شهر هجرت کرد و به کمک مردم آن شهر (انصار) و کسانی که از مکه آمده بودند (مهاجران)، حکومتی را که بر بنای قوانین اسلام اداره می‌شد، بی‌ریزی نمود.

روایات متعددی از معصومین ﷺ نقل شده که اسلام را بر «پنج پایه» استوار دانسته و از میان آنها «ولایت» را مهم‌ترین پایه شمرده است. از جمله آنها این حدیث امام باقر علیه السلام است:

الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ
عَلَى الصَّلَاةِ وَالرَّكَأَةِ
وَالصَّوْمِ وَالحَجَّ وَالوِلَايَةِ
وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ
كَمَا نُوَدِي بِالوِلَايَةِ
بر نماز و زکات
و روزه و حج و ولایت
و به چیز دیگری دعوت نشده
آن گونه که به ولایت دعوت شده است.

دانش تکمیلی (۲)

برای آشنایی با نمونه‌هایی از اقدامات پیامبر در تشکیل حکومت اسلامی به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا جامعه اسلامی نیازمند حکومت اسلامی است؟ و چرا ولایت و حکومت، یکی از مهم‌ترین دستورات اسلامی شمرده شده است؟ در پاسخ به این سؤال، دلایل زیادی ذکر شده که به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

(الف) ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام: اسلام یک دین کاملاً اجتماعی است؛ یعنی علاوه بر توجه به فرد، به زندگی اجتماعی نیز توجه کامل دارد و تا آنجا که مقدور بوده، به برخی احکام فردی، همچون عبادت نیز جنبه اجتماعی داده است؛ مثلاً نماز جماعت را از نماز فرادی برتر دانسته و برای آن ثواب بیشتری قرار داده است.

اصولاًً یکی از اهداف ارسال پیامبران آن بود که مردم، جامعه‌ای بر پایه عدل بنا کنند و روابط مردمی و زندگی اجتماعی خود را بر اساس قوانین عادلانه بنا نهند. این هدف بزرگ بدون وجود یک نظام حکومتی سالم، میسر نیست. آیا می‌شود که خداوند هدفی را برای ارسال پیامبر خود تعیین کند، ولی ابزار و شیوه رسیدن به آن را نادیده بگیرد؟ همچنین قرآن کریم احکام اجتماعی متعددی دارد؛

۱- بخار الانوار، مجلسی، ج ۶۸، باب ۲۷، روایت ۱.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

مانند خمس، زکات، حقوق و مسئولیت‌های خانواده و جامعه، امر به معروف، نهی از منکر، مبارزه با ظلم و جهاد با تجاوزگران و ستمکاران . روشن است که اجرای این قوانین، بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست.

ب) ضرورت پذیرش ولايت الهي و نفي حاكمية طاغوت : ولئ و سربرست حقیقی انسان‌ها خداست و به همین جهت، فرمانبرداری و اطاعت از دستورهای او و کسانی که خودش معین کرده، ضروری و واجب است. اجرای هر قانون و پیروی از هرکس، هنگامی صحیح است که به گونه‌ای به قانون الهی و فرمان او بازگردد.

کسانی که به مردم فرمان می‌دهند و قانون‌گذاری می‌کنند، در حالی که فرمان و قانونشان نشست گرفته از فرمان الهی نیست، «طاغوت» نامیده می‌شوند. پذیرش حکومت «طاغوت» و انجام دستورهای وی بر مسلمانان حرام است. بنابراین، لازم است در جامعه، حکومتی وجود داشته باشد که «طاغوتی» نباشد؛ یعنی مورد پذیرش خداوند باشد و دستورات الهی را که در قرآن و روایات آمده است، به اجرا درآورد.

تدبر در قرآن

در آیات زیر تفکر کنید و مشخص کنید که دلایل مطرح شده در بحث ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، (دلایل الف و ب) با کدام یک از آیات زیر مرتبط است.

۱- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَكَّمُوا إِلَيِّ الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أَمْرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا^۱

ایا ندیده‌ای کسانی که گمان می‌کنند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند، اما می‌خواهند داوری به نزد طاغوت برند، حال آنکه به آنان دستور داده شده که به آن کفر بورزند و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دور و درازی بکشاند.

۲- لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ^۲
به راستی که پیامبرانمان را همراه با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم تا مردم به اقامه عدل و داد برخیزند.

دليـل	آـيه
	آـيه ۶۰ سوره نساء
	آـيه ۲۵ سوره حديد

۱- سوره نساء، آـيه ۶۰ . ۲- سوره حديد، آـيه ۲۵ .

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

کشف رابطه

امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین شخصیت عصر حاضر است که به تبیین ضرورت حکومت اسلامی پرداخته و با ایان روشنگر آن خود، توجه مردم را بدان جلب کرده است. در سخنانی که از ایشان نقل می‌شود، بیندیشید و بینید که با کدام یک از دلایل تشکیل حکومت ارتباط دارد؟

دلیل	سخنان امام خمینی <small>رهبر کبیر انقلاب اسلامی</small>
	به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک آمیز است، چون حاکمش «طاغوت» است، ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و ازین بیریم. ^۱
	مذهب اسلام هم‌زمان با اینکه به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها چگونه باید تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع چگونه روابطی باید برقرار نماید. هیچ حرکتی و عملی از فرد و جامعه نیست، مگر اینکه مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است. ^۲

ولایت معنوی رسول خدا علیه السلام

همان‌طور که دیدیم، رسول خدا از طرف خداوند، مسئول تشکیل حکومت و اجرای قوانین اسلام است؛ یعنی ولایت و سرپرستی جامعه را بر عهده دارد و این، همان ولایت ظاهری است. اما آن حضرت ولایت معنوی را نیز عهده‌دار است. ولایت معنوی همان سرپرستی و رهبری معنوی انسان‌هاست که مرتبه‌ای برتر و بالاتر از ولایت ظاهری شمرده می‌شود. این ولایت چیست و چگونه انجام می‌پذیرد؟

رسول خدا علیه السلام با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه‌ای از کمال نائل شد که می‌توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و به اذن الهی در عالم خلقت تصرف نماید. به‌طور مثال، به اذن الهی قادر بود بیمار را شفا بخشد، بلایی را از شخص یا جامعه دور نماید و حاجات مردم را در صورتی که صلاح آنها در آن باشد، برآورده سازد.

ایشان با استفاده از این قدرت و ولایت، دل‌های آماده را نیز هدایت می‌کند. البته این هدایت، یک

۱- ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۴۰.

۲- صحیفه امام خمینی، ج ۴، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

کار ظاهری، یعنی از طریق آموزش معمولی و عمومی نیست؛ بلکه از طریق امداد غیبی و الهامات و مانند آن، صورت می‌گیرد. میزان بهره‌مندی انسان‌ها از این هدایت به درجه‌ایمان و عمل آنان بستگی دارد. هر قدر درجه‌ایمان و عمل انسان‌ها بالاتر باشد، استعداد و لیاقت دریافت هدایت‌های معنوی را بیشتر کسب می‌کنند.

نمونه‌ای کامل از این نوع هدایت را می‌توانیم در رفتار رسول خدا ﷺ با حضرت علی علیه السلام ببینیم. آن حضرت از همان دوران کودکی که تحت تربیت رسول خدا ﷺ قرار گرفت، با استعداد بی‌نظیر خود، مراتب کمال را درایمان و عمل به سرعت پیمود. به همین جهت، علاوه بر تربیت از روش‌های معمولی، از هدایت‌های معنوی رسول خدا ﷺ نیز بهره می‌برد. آن حضرت فرموده است: «روزی رسول خدا ﷺ هزار باب از علم را به رویم گشود که از هر کدام، هزار باب دیگر گشوده می‌شد». روشن است که آموزش این علوم از طریق آموختن معمولی نبود، بلکه به صورت الهام بر روح و جان حضرت علی علیه السلام بوده است.^۱

عصمت پیامبر اکرم ﷺ

پیامبر زمانی می‌تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد که تحت تأثیر هواهای نفسانی قرار نگیرد و مرتکب گناه و خطأ نگردد. مردم نیز زمانی گفته‌ها و هدایت‌های وی را می‌پذیرند که مطمئن باشند که او هیچ‌گاه مرتکب گناه و اشتباه نمی‌شود. اگر آنان احتمال دهنند که پیامبرشان گناه می‌کند و دچار خطأ می‌شود، به او اعتماد نمی‌کنند و از وی پیروی نخواهند کرد. به عبارت دیگر، بدون وجود عصمت، مسئولیت پیامبری به نتیجه نخواهد رسید؛ زیرا:

﴿اَفَرَبِرْيَ در دریافت وحی و رساندن آن به مردم معصوم نباشد، دین الٰهی به درستی به مردم نمی‌رسد و امکان هدایت از مردم سلب می‌شود.

﴿اَفَرَبِرْي در تعلیم و تبیین دین و وحی الٰهی معصوم نباشد، امکان انحراف در تعالیم الٰهی پیدا می‌شود و اعتماد مردم به دین از دست می‌رود.

﴿اَفَرَبِرْي در اجرای احکام الٰهی معصوم نباشد، امکان دارد کارهایی که مخالف دستورهای خداست، انجام دهد و مردم نیز از او سرمشق بگیرند و مانند او عمل کنند و به گمراهی دچار شوند.

حال، می‌توان پرسید: چه کسی تشخیص می‌دهد که کدام فرد توانایی مقاومت در مقابل وسوسه گناه را دارد؟ روشن است که این کار از انسان‌ها ساخته نیست و فقط خداوند است که از آشکار و نهان

۱- بخار الانوار، مجلسی، ج ۲۲، ص ۴۷۰، باب اول.

۲- بسیاری از ابعاد ولایت معنوی رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام در زیارت جامعه کبیره آمده است.

هیوٰ؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

افراد اطلاع دارد و می‌تواند توانایی فرد در دوری از گناه را تشخیص دهد. بنابراین، وقتی خداوند کسی را به پیامبری بر می‌گزیند، معلوم می‌شود که وی می‌تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد. خدای متعال در این باره می‌فرماید:

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ؛ خَذَا بِهِترِ مِيْ دَانَدْ رسَالَتَشْ رَا كَجا قَفَارَ دَهَدَ.

حال بینیم که معصومیت پیامبران به چه صورت است. آیا یک مانع بیرونی مانند فرشته، پیامبران را از گناه و خطأ حفظ می‌کند یا آنان با اختیار خود به سمت گناه و خطأ نمی‌روند؟

در پاسخ می‌گوییم: پیامبران با اینکه مانند ما غریزه و اختیار دارند، در مقام عمل به دستورات الهی دچار گناه نمی‌شوند؛ زیرا کسی گناه می‌کند که هوی و هوس بر او غلبه کند، اما کسی که حقیقت گناه را مشاهده می‌کند و می‌داند که با انجام آن از لطف و رحمت خداوند دور می‌شود، محبت به خدا را با هیچ چیز عوض نمی‌کند. هم‌چنین آنان از چنان بینش عمیقی برخوردارند که در انجام اوامر خداوند گرفتار خطأ و اشتباه نمی‌شوند.

البته ما نیز در مورد بعضی از گناهان معصوم هستیم و حتی تصور آنها نیز برای ما ناراحت کننده و آزاردهنده است، اما پیامبران نسبت به همه گناهان و اشتباهات عصمت دارند.

پاسخ سوالات شما

برخی می‌پرسند اگر پیامبر و امامان معصوم‌اند، پس چرا این قدر به درگاه خداوند استغفار می‌کردن؟

پاسخ اینکه: استغفار پیامبران و امامان به درگاه خداوند از چند جهت بوده است:

۱- استغفار و توبه مراتب و درجاتی متناسب با توبه کنندگان دارد. توبه گنهکاران برای رفع گناه است و توبه و استغفار اولیای الهی برای دفع گناه. چنان که گاهی لباسی آلوده می‌شود و برای پاک و تمیز کردن، آن را می‌شویند (رفع) و گاهی لباس چنان شفاف و تمیز است که با دقت مراقب اند تا آلوده نشود (دفع).

اولیای خدا با اشک و آه از خداوند می‌خواهند که آنان را در عرصه مبارزه با شیطان پیروز گرداند تا قلب آنان آلوده به گناه نشود.

۲- اولیای الهی وقتی به خود و اعمال خویش می‌نگرند با تمام عظمت و بزرگی که آن اعمال دارند، آنها را در برابر عظمت بی‌نهایت الهی بسیار کوچک می‌بینند؛ مانند کسی که مهم‌ترین دارایی اش هدیه کوچکی باشد و آن را برای سلطان و پادشاهی بيرد و چون عظمت بارگاه پادشاه

۱- سوره انعام، آیه ۱۲۴.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

را می‌بیند، از آنچه آورده، سخت شرمسار و سرافکنده می‌گردد. پیامبران و امامان به دلیل تواضع و فروتنی‌ای که در برابر خداوند دارند، اعمال خود را در برابر آن همه لطف و محبت خداوند به بندگانش بسیار ناچیز می‌دانند. به همین دلیل، از ناچیز بودن اعمال خود شرمنده‌اند و از خداوند عذر می‌خواهند.

۳- مسئولیت پیامبر و ائمه ایجاب می‌کرد تا آنان با افراد مختلفی سر و کار داشته باشند؛ از صالحان و نیکان گرفته تا انسان‌های آلوده به گناه و تبهکار.

معاشرت زیاد پیامبر و امامان با مردم باعث می‌شد آنان احساس کنند که غباری بر قلبشان نشسته است که با استغفار به دنبال زدودن آن بودند. چنان که پیامبر ﷺ فرمود:

إِنَّهُ لِيَعْنُ عَلَىٰ قَلْبِيٍّ وَإِنَّ لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً؛ **(گاهی بر دلم غبار می‌نشیند و من هر روز هفتاد بار از خدا آمرزش می‌خواهم)**.

البته این غباری که پیامبر می‌فرمایند بر قلب ایشان نشسته است با غباری که به دلیل گناهان بر قلب ما می‌نشیند تفاوت دارد؛ به طور مثال اگر سالان بزرگی را با نور کمی روشن کنیم جز اشیای بزرگ را نخواهیم دید، ولی اگر همین سالان را با نور زیاد روشن کنیم حتی یک دانه ارزن هم دیده خواهد شد. پس می‌توان گفت، چون نور ایمان افراد عادی کم است، بنابراین، تنها گناهان بزرگ خود را می‌بینند ولی پیامبران و امامان معصوم ﷺ که از نور ایمان بسیار بالایی برخوردارند اگر از هر لحظه عمرشان در حد اعلیٰ بهره‌مند نشوند، استغفار می‌کنند.

قدرشناسی از پیامبر اکرم ﷺ

رسول خدا ﷺ در مدت ۲۳ سال تلاش و با تحمل رنج‌های فراوان که نظیر آن در تاریخ یافت نمی‌شود، توانست بزرگ‌ترین و ماندگارترین پیام الهی را به مردم برساند و جامعه‌ای با ایمان به خدا و به دور از شرک بنا کند. بنای چنین جامعه‌ای در سرزمینی بیگانه از ارزش‌های انسانی، خود معجزه‌ای بزرگ بود که فقط با مجاهدت پیامبر اکرم ﷺ میسر بود. اکنون جا دارد که ما مسلمانان قدردان تلاش‌ها و مجاهدت‌های پیامبر باشیم و با اتحاد و همدلی با یکدیگر نگذاریم دشمنان اسلام زحمات و تلاش‌های آن حضرت را بی‌اثر کنند.

با کمال تأسف مشاهده می‌کنیم که در یکی دو قرن اخیر دشمنان اسلام با یک نقشه دقیق و برنامه‌ریزی شده، همبستگی مسلمانان را به دشمنی با یکدیگر تبدیل کرده و اختلافات معمولی اقوام و مذاهب اسلامی را بزرگ جلوه دادند. یکی از نتایج زیان‌بار این اختلاف‌ها، تجزیه کشورهای بزرگ اسلامی به کشورهای

۱- من لا يحضره الفقيه، صدوق، ج ۴، ص ۳۸۵.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

کوچک در سده اخیر بود تا قدرت‌های استعمارگر به راحتی بتوانند بر آنها سلطه پیدا کنند و ذخایر آنان را به تاراج ببرند. این سیاست اکنون نیز از سوی این قدرت‌های استعماری در کشورهای منطقه در حال اجراست.

با توجه به همین مسئله، سال‌هاست که علما و دانشمندان دلسوز در جهان اسلام، بهخصوص در ایران، روشنگری‌های فراوانی کردند تا بار دیگر، مسلمانان را علیه دشمنان اسلام متحد کنند و مانع درگیری‌های میان آنان شوند. یکی از این علما، امام خمینی ره بود. ایشان در هر فرصتی، مسلمانان را به «وحدت»

دعوت می‌کرد و از اختلافات بازمی‌داشت. ایشان در یکی از پیام‌های خود به مسلمانان، می‌فرماید:

«ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرت‌ها را از ممالک خود و خزانه سرشمار آن کوتاه کنید. دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلامی تکیه کنید و با غرب و غرب‌زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید».^۱

برنامه‌ای برای وحدت مسلمانان

برای اینکه ما مسلمانان بتوانیم وحدت میان خود را تقویت کنیم و از قدرت حدود دو میلیارد

مسلمان و امکانات بی‌نظیر سرزمین‌های اسلامی برای پیشرفت خود

استفاده کنیم، نیازمند اجرای برنامه‌های دقیقی هستیم که نقشه‌های تفرقه‌افکن استعمارگران و عوامل آنان را در سرزمین‌های اسلامی خنثی کند و دل‌های مسلمانان را به یکدیگر تردیک کند. در اینجا به برخی از این اقدامات اشاره می‌کنیم و می‌کوشیم آنها را در جامعه خود گسترش دهیم:

۱- از اهانت و توهین به مقدسات سایر مسلمانان خودداری کنیم. برای این منظور شایسته است اعتقادات خود را با داشش و استدلال، ارتقا بخشیم تا بتوانیم با دیگر مسلمانان براساس معرفت و استدلال سخن بگوییم و اعتقادات خود را به نحو صحیح و بدون دعوا و ناسزاگوبی بیان کنیم.

۲- از مظلومان در تمام نقاط جهان، با روش‌های درست دفاع کنیم و برای رهایی آنان از ظلم بکوشیم، و به این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به خوبی عمل کنیم که فرمود:

«هر کس فریاد دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می‌طلبد بشنود، اما به یاری آن مظلوم برخیزد، مسلمان نیست».^۲

۱- صحیفه امام خمینی ره، ج ۱۴، ص ۸۳.

۲- مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنادىٰ بِالْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِدْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴).

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



۳- کسانی را که به ظاهر خود را مسلمان می‌نامند ولی با دشمنان اسلام دوستی می‌ورزند، بشناسیم و فریب برنامه‌های آنان را نخوریم. روش این گروه‌ها چنین است که دشمنان اسلام مانند صهیونیست‌ها را دوست و برخی مسلمانان را دشمن معرفی می‌کنند، به طوری که مردم عادی به تدریج با دشمنان واقعی اسلام دوستی کنند و با گروهی از مسلمانان، دشمنی بورزند.

فیلم(۱) : دولیه یک قیچی!



بیشتر بدانیم



آیت‌الله سید محمدحسین طباطبائی بروجردی، معروف به آیت‌الله بروجردی ح، یکی از بزرگ‌ترین مراجع تقلید در دوره معاصر بود. ایشان بین سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ ه.ش. ریاست حوزه علمیه قم را بر عهده داشت و اکثریت شیعیان جهان برای دریافت احکام دینی به کتاب‌های ایشان مراجعه می‌کردند. ایشان به خوبی دریافته بود که یکی از عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان، اختلاف و جدایی میان آنان است و متوجه بود که استعمارگران با

برنامه‌های سری به دنبال ایجاد اختلاف میان مسلمانان‌اند. از این‌رو، در سال ۱۳۲۷ ه.ش، با حمایت‌های ایشان و با کمک برخی از علمای سرشناس دانشگاه الازهر مصر، مرکزی به نام «دارالتفقیب بین المذاهب الاسلامیه» تأسیس شد و ایشان با فرستادن نمایندگانی به «دانشگاه الازهر» که بزرگ‌ترین دانشگاه مذهبی مصر و کشورهای عربی بود، زمینه‌های ارتباط را فراهم کرد.



در آن دوره، ریاست دانشگاه الازهر بر عهده «شیخ محمود شلتوت» بود. وی از پیشنهادات آیت‌الله بروجردی استقبال کرد. این شخص که از بزرگ‌ترین دانشمندان اهل سنت شمرده می‌شد و ریاست بزرگ‌ترین دانشگاه مذهبی مصر را بر عهده داشت، به شدت مخالف گروه‌های تکفیری^۱ بود و در مقابل آنها می‌ایستاد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، «دارالتفقیب» با جدیت بیشتر به کار خود ادامه داد و برنامه‌های مختلفی را به اجرا درآورد. یکی از این برنامه‌ها، برگزاری «هفتة وحدت» و دیگری «کنفرانس سالانه وحدت اسلامی» است که دانشمندان جهان اسلام گرد هم جمع می‌شوند و درباره مسائل دنیای اسلام گفت و گو می‌کنند.

فیلم(۲) : نگاهی به فعالیت‌های وحدت آفرین آیت‌الله بروجردی و شیخ شلتوت



۱- به گروه‌های تندرو و افراطی گفته می‌شود که سایر مسلمانان را متهمن به کفر و شرک می‌کنند؛ مانند وهابیت و داعش.

هیو۱؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

اندیشه و تحقیق

- ۱- نمونه‌هایی از احکام اجتماعی اسلام را که اجرای آنها نیازمند تشکیل حکومت است، بیان کنید.
- ۲- به نظر شما کدام یک از احکام و دستورات دین اسلام نیاز بیشتری به تشکیل حکومت الهی دارد؟
 - الف) نماز و روزه واجب
 - ب) حج
 - ج) امر به معروف و نهی از منکر
 - د) حجاب و پوشش
 - ه) توانمندی نظامی و ایجاد رعب در دل دشمنان
 - ز) کمک به مسلمانان گرفتار در نقاط مختلف جهان
 - و) نفی سلطه بیگانگان
- ۳- با توجه به حدیث امام باقر علیه السلام بیان کنید که چرا ولایت از نماز و روزه و سایر عبادات مهم‌تر است؟

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَرَدِّذُوا إِلَيْهِ وَالنَّصْرُ إِلَيْأَنَّهُمْ^{٣٩}
 بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَإِنَّهُمْ مِنْهُمْ حِلٌّ
 اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّلِيمِينَ ٤٠ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
 مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا
 دَأْرَةً ٤١ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ
 فَيُصِيبُوهُمْ عَلَىٰ مَا أَسَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ ٤٢ وَ
 يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهْتُؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهَدَ
 أَيْمَنِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ ٤٣ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَاصْبَرُوهُمْ
 خَسِيرُ بْنَ ٤٤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ
 عَنِ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ
 أَذْلَلَةً عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةً عَلَى الْكُفَّارِ بْنَ يُجَاهِدُهُنَّ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ٤٥ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ
 يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِمْ ٤٦ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ
 وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقْيِمُونَ الصَّلَاةَ وَ
 يُؤْتُونَ الزَّكُوَةَ وَهُمْ رَكِعُونَ ٤٧ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَلِيبُونَ ٤٨

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ترجمه

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهودیان و مسیحیان را ولی [یاور و تکیه‌گاه] خود مگیرید؛ زیرا آنان با وجود اینکه باهم اختلاف دارند در برابر شما با یکدیگر همدل‌اند و هر کس از شما آنان را به دوستی گیرد، قطعاً در زمرة آنان به شمار می‌آید و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند.

۵۱

می‌بینی آنان که در دل‌هایشان بیماری [شک و تردید] است، برای دوستی با آنان شتاب می‌ورزند و به دروغ می‌گویند: می‌ترسمیم گزندی به ما برسد [و به یاری آنان نیازمند شویم]. امید است خداوند [به نفع مؤمنان] پیروزی پدید آورد، یا امر دیگری پیش آورد، تا [در نتیجه، آنان] از آنچه در دل خود نهفته داشته‌اند، پشیمان شوند.

۵۲

و مؤمنان می‌گویند: [آیا این یهودیان و مسیحیان] همان‌هایی بودند که شدیدترین سوگندها را می‌خوردند که با شما هستند؟! [پس چرا امروز سودی به حال شما نداشتند؟] کارها و اعمال منافقان باطل و بیهوده شد و زیانکار گشتند.

۵۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، بداند که به زودی خداوند گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست می‌دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن‌اند، ولی در برابر کافران، مقتدر و پیروزند؛ در راه خدا جهاد می‌کنند و در کارهایشان از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای بیم ندارند. این فضل و بخشش خداست به هر که بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر دانست.

۵۴

همانا که ولی شما، فقط خداوند و رسول او و کسانی اند که ایمان آورده‌اند؛ همان ایمان آورندگانی که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. و هر کس خدا و رسولش و کسانی را که ایمان آورده به ولایت و سرپرستی خود بپذیرد [پیروز است؛ زیرا] تنها حزب خدا پیروزمندند.

۵۵

درست چشم

امامت، تداوم رسالت

از آنجا که قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی و رسول خدا ﷺ خاتم پیامبران است، این سؤالات مطرح می شود که :

طرح و برنامه خداوند برای جامعه اسلامی، پس از رسول خدا ﷺ چیست؟

این جامعه در چه مسیری و چگونه باید حرکت کند؟

بعد از پیامبر اسلام ﷺ رهبری مسلمانان بر عهده چه کسانی باید قرار بگیرد؟

چرا ائمه اطهار ﷺ نیز همچون پیامبر اکرم ﷺ معصوم از گناه هستند؟

هیو؟ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

برای رسیدن به پاسخ سؤالاتی که در ابتدای درس طرح شد، قبل از هر چیز لازم است مشخص شود که در میان مسئولیت‌های پیامبر کدام یک با رحلت ایشان پایان می‌پذیرد و کدام یک باید ادامه یابد؟

در میان مسئولیت‌های سه گانه رسول خدا ﷺ، مسئولیت اول، یعنی دریافت و ابلاغ وحی به مردم، با ختم نبوت پایان می‌پذیرد و کتاب قرآن، آخرین کتاب آسمانی است و نیازی به آوردن کتاب جدیدی نیست. اما دو مسئولیت دیگر، یعنی «تعلیم و تبیین دین (مرجعیت دینی)» و «ولایت ظاهری»، پس از ایشان چه سرنوشتی پیدا می‌کنند؟

در این زمینه سه فرض مطرح است:

۱- قرآن کریم و پیامبر اکرم ﷺ در این باره سکوت کرده‌اند؛

۲- همچون مسئولیت اول، پایان این دو مسئولیت را نیز اعلام نموده‌اند؛

۳- جاشین را تعیین نموده و دو مسئولیت «تعلیم و تبیین دین» و «ولایت ظاهری» را بر عهده‌وى قرار داده‌اند.

● بطalan فرض اول روشن است؛ زیرا قرآن کریم، هدایتگر مردم در همه امور زندگی است و ممکن نیست نسبت به این دو مسئولیت مهم که به شدت در سرنوشت جامعه اسلامی تأثیرگذار است بی تفاوت باشد. همچنین پیامبر اکرم ﷺ آگاه‌ترین مردم نسبت به اهمیت و جایگاه این مسئولیت‌هاست و نمی‌تواند از کنار چنین مسئله‌هی با سکوت و بی‌توجهی بگذرد. در حقیقت، بی‌توجهی به این مسئله بزرگ، خود دلیلی بر نقص دین اسلام است؛ و این در حالی است که دین اسلام کامل‌ترین دین الهی است.

● فرض دوم نیز صحیح نیست؛ زیرا نیاز جامعه به حکومت و تعلیم و تبیین دین، پس از رسول خدا ﷺ نه تنها از بین نرفت، بلکه افزایش هم یافت؛ زیرا گسترش اسلام در نقاط دیگر، ظهور مکاتب و فرقه‌های مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات جدید اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال داشت و نیاز به امام و رهبری که در میان انبوه افکار و عقاید، حقیقت را به مردم نشان دهد و جامعه را آن‌گونه که پیامبر اداره می‌کرد، اداره نماید، افزون‌تر می‌شد.

علاوه بر اینکه اصولاً حکومت و اداره جامعه و تعلیم و تبیین دین، امری تمام‌شدنی و پایان‌پذیر نیست و همواره نیازمند حاکم و معلمی است که بتواند راه رسول خدا ﷺ را ادامه دهد و احکام اسلام را اجرا نماید.

● بنابراین، تنها فرض سوم، منطقی و قابل قبول است؛ یعنی رسول اکرم ﷺ به فرمان خداوند، با تعیین جاشین، به تداوم تعلیم و تبیین دین و دوام حکومت پس از خود به شکل «امامت» فرمان داده و مانع تعطیلی این دو مسئولیت شده است.



فیلم (۱) : آیا پیامبر اکرم ﷺ که درباره جزئی ترین مستحبات سخن گفته، تکلیف جامعه پس از خودش را مشخص نگرده است؟!

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تعیین امام

اکنون که نیاز به امام پس از رسول خدا ﷺ روشن شد، این سؤال پیش می‌آید که چه کسی امام را معین و معرفی می‌کند و چگونه می‌توان او را شناخت؟

از آنجا که امام همه مسئولیت‌های پیامبر اکرم ﷺ جز دریافت و ابلاغ وحی را دارد، بنابراین، باید همان صفات و ویژگی‌های پیامبر را نیز داشته باشد تا مردم به وی اطمینان کنند و راهنمایی‌های او را پیذیرند. از جمله این ویژگی‌ها «عصمت» است. البته تشخیص عصمت برای انسان‌ها ممکن نیست؛ یعنی انسان‌ها نمی‌توانند تشخیص دهنده که چه کسی مقصوم است و مرتكب هیچ گناهی نمی‌شود. بنابراین، همان‌طور که پیامبر از طرف خدا معرفی و معین می‌شود، تنها خداوند است که می‌تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند و به مردم بشناساند.

با تدبیر در آیات و روایات مطمئن و مسلم نقل شده از پیامبر و مطالعه تاریخ اسلام درمی‌یابیم که خداوند، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ؓ را به جانشینی رسول خدا ﷺ و امامت بعد از ایشان منصوب فرموده و نیز امامان مقصوم ؓ پس از ایشان را معرفی کرده است.

در اینجا به برخی از آیات و روایات مربوط به این مسئله می‌پردازیم.

۱- نزول آیه انذار: حدود سه سال از بعثت گذشته بود که این فرمان از جانب خداوند برای

پیامبر آمد:

وَأَنذِرْ عَشِيرَةَ الْأَقْرَبِينَ^۱
خویشان تزدیکت را انذار کن.

برای انجام این دستور، رسول خدا ﷺ چهل نفر از بزرگان بنی‌هاشم را دعوت کرد و درباره اسلام با آنان سخن گفت و آنان را به دین اسلام فراخواند و از آنان برای ترویج و تبلیغ اسلام، کمک خواست:

همه مهمانان سکوت کردند و جوابی ندادند. در میان سکوت آنان، علی بن ابی طالب ؓ که در آن زمان، نوجوانی بیش نبود، برخاست و گفت:

«من یار و یاور تو خواهد بود، ای رسول خدا».

درخواست پیامبر ﷺ، سه بار مطرح شد و هر بار، همه سکوت کردند و تنها علی ؓ قاطعانه اعلام آمادگی ووفاداری کرد. پس از آن، پیامبر ﷺ دست آن حضرت را در دست گرفت، بیعت ایشان را پذیرفت و به مهمانان فرمود:

«همانا این، برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود».^۲

۱- سوره شراء، آیه ۲۱۴.

۲- تاریخ طبری، ج ۲، صص ۶۳ - ۶۲؛ کنز العمال، متفق هندی، ج ۴، ص ۳۹۷ برای مطالعه کامل داستان، به کتاب «سلام بر خورشید» از سید علی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۷۱ مراجعه کنید.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تفکر

به نظر شما تعیین جاشین توسط پیامبر ﷺ آن هم در شرایطی که ایشان هنوز موفقیتی کسب نکرده بود و حتی خویشانش نیز دعوت او را نپذیرفته بودند، چه پیام‌هایی در برداشت؟

۲- نزول آیه ولايت: در یکی از روزها، فرشته وحی از جانب خداوند آیه‌ای بر پیامبر نازل کرد که در آن ویژگی‌های ولی و سریرست مسلمانان مشخص شده بود :

همانا ولئ شما فقط خداوند و رسول او
﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا

همان ایمان آورندگانی که نماز را بر پا می‌دارند
وَالَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَدُرْ حَالِ رَكْوَعِ زَكَاتَ مِيْدَهْنَدَهْ

وَيُؤْتُونَ الزَّكَاهَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾

با نزول این آیه، رسول خدا ﷺ دریافت که چنین واقعه‌ای رخ داده و کسی در رکوع صدقه داده است و خداوند قصد معرفی او را دارد؛ با شتاب و در حالی که آیه را می‌خواند و مردم را از آن آگاه می‌کرد، به مسجد آمد و پرسید :

چه کسی در حال رکوع صدقه داده است؟

فقیری که انگشتتری در دست داشت، به حضرت علی علیه السلام که در حال نماز بود، اشاره کرد و گفت :

این مرد در حال رکوع، انگشت خود را به من بخشید.

مردم که از محتوای آیه با خبر شده بودند، تکبیر گفتند و رسول خدا ﷺ نیز، ستایش و سپاس خداوند را به جا آورد.

نزول این آیه در چنین شرایطی و اعلام ولايت حضرت علی علیه السلام از جانب رسول خدا ﷺ، برای آن بود که مردم با چشم بینند و از زبان پیامبر بشنوند تا امکان مخفی کردن آن نباشد.^۱

دانش تکمیلی

با توجه به اینکه امام علی علیه السلام در نماز حضور قلب داشتند، چگونه متوجه درخواست فقیر شدند؟
برای مشاهده پاسخ این سؤال به سایت گروه قرآن و معارف بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

۱- سوره مائدہ، آیه ۵۵.

۲- بیشتر مفسران و مورخان اهل سنت و شیعه، از جمله طبری، رازی، علیی، قشیری، خوارزمی، ابن حجر و ابن کثیر، این آیه را درباره امام علی علیه السلام دانسته‌اند. برای کسب اطلاعات بیشتر، به کتاب الغدیر از علامه امینی، ج ۲، ص ۱۵۶ مراجعه کنید.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

۳- حدیث جابر : در یکی از روزها، در مدینه، جبرئیل بر پیامبر نازل شد و آیه ۵۹ سوره نساء را برایشان خواند که قسمتی از آن چنین است:

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
أَطِيعُوا اللَّهَ
وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكُمْ مِنْكُمْ ...
وَإِذَا حَدَّثْتُمُوهُمْ بِمَا يُحِبُّونَ
فَلَا يَرْجِعُوا إِلَيْكُمْ
مَمْلُوكٌ لَهُمْ
وَلَا هُمْ يَرْجِعُونَ
فَمَمْلُوكٌ لَهُمْ
مَمْلُوكٌ لِلَّهِ
وَاللَّهُ عَزِيزٌ عَلَىٰهُمْ
وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍٰ عَلِيمٌ

ای مؤمنان،
از خدا اطاعت کنید
و از رسول و ولی امرتان اطاعت کنید.

معمولًاً وقتی آیه‌ای نازل می‌شد و حکم کلی موضوعی را بیان می‌فرمود، یاران رسول خدا ﷺ نزد ایشان می‌آمدند و جزئیات حکم را می‌پرسیدند. مثلاً وقتی که آیات نماز نازل شد، یاران ایشان می‌خواستند چگونگی نماز خواندن را بدانند از این رو، پیامبر اکرم ﷺ به مسجد آمد و به آنان فرمود: «این گونه که من نماز می‌خوانم، شما هم بخوانید». ^۱ آن‌گاه نماز خواندن را به آنان تعلیم داد. وقتی این آیه هم نازل شد، جابر بن عبد الله انصاری تزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: «یا رسول الله، ما خدا و رسول او را شناخته‌ایم. لازم است «اولی الامر» را نیز بشناسیم.»

رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای جابر، آنان جانشینان من و امامان بعد از من اند. نخستین آنان علی بن ابی طالب است و سپس به ترتیب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمدبن علی؛ و تو در هنگام پیری او را خواهی دید و هر وقت او را دیدی، سلام مرا به او برسان. پس از محمدبن علی به ترتیب، جعفرین محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمدبن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و پس از ایشان فرزندش می‌باشد که هم‌نام و هم‌کنیه من است.^۲ اوست که از نظر مردم پنهان می‌شود و غیبت او طولانی می‌گردد تا آنجا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند، بر عقیده به او باقی می‌مانند».^۳

 فیلم (۲): سروده‌ای در مدح اهل بیت ﷺ

ارتباط میان آیه و حدیث

با تفکر در آیه ۵۹ سوره نساء و حدیث جابر، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.

- ۱- مسلمانان باید از ، و اطاعت کنند.
- ۲- از آنجا که این سه اطاعت در کنار هم قرار گرفته‌اند؛ سریچی از هر مورد است.

۱- صحیح بخاری، محمدبن اسماعیل البخاری، جزء ۸، ص ۹.
۲- در فرهنگ و آداب و رسوم عرب برای افراد علاوه بر اسم، لقب و کنیه می‌گذارند و برای احترام شخص را با کنیه و یا لقب صدا می‌زنند. کنیه پیامبر «ابوالقاسم» و لقب ایشان «امین» است.
۳- کتابه‌الاثر، خزار رازی، چاپ قدیم، ص ۸؛ بنایب المودة، سلیمان بن ابراهیم القندوزی، ص ۴۹۴ و اثبات الهداء، شیخ حز عاملی، ج ۳، ص ۱۲۲.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

- ۳- از آنجا که مصدق در آیه مشخص نشده، برای آگاهی مردم و اشتباه نکردن آنها لازم است که رسول خدا ﷺ
- ۴- بنا بر سخن پیامبر اکرم ﷺ کسانی که مصدق هستند، عبارت‌اند از :
-

۴- حدیث ثقلین : پیامبر اکرم ﷺ به طور مکرر، از جمله در روزهای آخر عمر خود، می‌فرمود :

﴿إِنَّى تَارِكٌ فِيْكُمُ التَّقْلِيْدَ
كِتَابَ اللَّهِ وَعِتَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي
مَا إِنِّي تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا
لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا
وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا
حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَى الْحَوَضِ﴾

من در میان شما دو چیز گران‌بها می‌گذارم :
 کتاب خدا و عترتم، اهل بیت را.
 اگر به این دو تمسک جویید
 هرگز گمراه نمی‌شوید
 و این دو هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند
 تا اینکه کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

تفکر در حدیث

با تفکر در این حدیث، این پیام‌ها استخراج می‌شود :

- ۱- همان‌طور که قرآن و پیامبر از هم جدا نمی‌شوند، قرآن و اهل بیت ﷺ نیز همواره با هم‌اند.
- ۲- همان‌طور که قرآن همیشگی است، وجود معصوم نیز در کنار آن همیشگی است.
- ۳- در صورتی مسلمانان گمراه نمی‌شوند که
- ۴- نمی‌توان برای هدایت و سعادت اخروی، فقط از یکی از دو یادگار پیامبر ﷺ پیروی کرد؛
 بلکه باید

۵- حدیث منزلت : وقتی خداوند حضرت موسی ﷺ را مأمور مبارزه با فرعون کرد، آن حضرت از خداوند خواست که برادرش هارون را مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت مردم قرار دهد. خداوند نیز درخواست حضرت موسی ﷺ را پذیرفت^۱ او را مشاور و وزیر وی قرار داد. پیامبر اکرم ﷺ نیز بارها به حضرت علی ﷺ فرمود :

- ۱- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، ج ۴، ص ۱۸۷۲، روایت شماره ۲۴۰۸؛ این حدیث متواتر است و آن قدر از علمای اهل سنت و شیعه نقل شده است که جای تردید ندارد. برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب امام‌شناسی، علامه حسینی تهرانی، ج ۱۳، مراجعه کنید.
- ۲- سوره ط، آیات ۲۹ تا ۲۵.

هیوٰ؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

آنَتْ مِنِي
بِمَنْزِلَةِ هارونَ مِنْ موسىٰ
إِلَّا أَنَّهُ لَا يَبْيَأُ بَعْدِي^۱

تو برای من
به مانده هارون برای موسی هستی؛
جز اینکه بعد از من پیامبری نیست.

۶- حدیث غدیر: پیامبر گرامی اسلام در سال دهم هجرت عازم مکه شد تا فریضه حج را به جا آورد. این حج که در آخرین سال زندگی ایشان^۲ برگزار شد، به «حجّة البلاغ» و «حجّة الوداع» مشهور است. در این حج، هزاران نفر شرکت کرده بودند، تا روش انجام دادن اعمال حج را از رسول خدا ﷺ فراگیرند و حج را با ایشان به جا آورند. پس از برگزاری حج و در مسیر بازگشت به مدینه، در روز هجدهم ماه ذی الحجه، در محلی به نام غدیر خم این آیه نازل شد :

يَا أَئِيَّهَا الرَّسُولُ
بَلَغَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ
فَمَا بَلَغَ رَسَالَتَهُ
وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهِدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^۳

ای رسول،
آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده برسان،
و اگر چنین نکنی،
رسالتش را ادا نکرده ای
و خداوند تو را از مردمان حفظ می کند؛
خداوند، کافران را هدایت نمی کند.

تدبیر در قرآن

در آیه بالا، تدبیر کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید.

- ۱- خداوند چه فرمانی به پیامبر می دهد؟
- ۲- اهمیت این فرمان چقدر است؟
- ۳- چرا خداوند به پیامبر اکرم و عده می دهد که او را حفظ خواهد کرد؟

بعد از نزول این آیه، پیامبر اکرم ﷺ دستور داد همه توقف کنند تا بازماندگان برسند و آنان که پیش رفته اند، برگردند. ظهر شده بود؛ ابتدا نماز را به جا آوردن و سپس، پیامبر در یک سخنرانی مهم و مفصل با مردم سخن گفت و آنان را برای دریافت آن پیام بزرگ آماده کرد. آن حضرت در قسمتی از سخنرانی از مردم پرسید :

- ۱- علامه حسینی تهرانی در جلد دهم امام‌شناسی می گوید که این حدیث مورد اتفاق علمای اسلام از اهل سنت و شیعه است.
- ۲- همچنین : بنایع المودة، سلیمان بن ابراهیم القندوزی، باب ۶، ص ۵۰.
- ۳- واقعه غدیر هفتم روز قبل از وفات پیامبر اتفاق افتاد.
- ۴- الكامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۰۳ و الغدیر، علامه امینی، ج ۱، ص ۳۱.
- ۵- سوره مائدہ، آیه ۶۷.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ای مردم، آیه‌ها الناشر
 من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم
 چه کسی به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؟
 گفتند : خدا و پیامبرش بر ما ولایت و سربرستی دارند.
 سپس فرمود :
 من کنُت مَوْلَاهُ هر کس که من ولی و سربرست اویم،
 فَهُذَا عَلَيِّ مَوْلَاهُ علی نیز ولی و سربرست اوست.
 و این جمله را سه بار تکرار کرد.

در پایان سخنرانی نیز از حاضران خواست که مطالب گفته شده را به غاییان برسانند. پس از آن، مردم برای عرض تبریک و شادباش به سوی امام آمدند و با وی بیعت کردند.^۲

 فیلم (۳) : حضرت علی علیه السلام در سخن بزرگان اهل سنت

تفکر در حدیث

- درباره واقعه بزرگ غدیر بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهد :
- الف) چرا مراسم غدیر هم زمان با بزرگ‌ترین اجتماع مسلمانان برگزار شد؟
 - ب) چرا خداوند انجام ندادن این مأموریت را مساوی با عدم انجام رسالت اعلام کرد؟
 - ج) تبریک و تهنیت مردم به حضرت علی علیه السلام پس از پایان مراسم، نشانه چیست؟
 - د) چرا کلمه «مولی» در حدیث غدیر به معنای سربرست است، نه دوست؟

عصمت ائمه اطهار علیهم السلام

از آنجا که امام علی علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام دو مسئولیت رهبری و مرجعیت دینی مسلمانان را پس از رسول خدا علیه السلام بر عهده دارند، ضروری است که آنان نیز مصون از گناه و خطأ باشند. چنان که توضیح داده شد، ضرورت داشتن این ویژگی، یکی از دلایل معرفی امام از جانب خداست. در آیاتی از قرآن کریم و سخنان رسول خدا علیه السلام به این مسئله اشاره شده است. یکی از آنها تزول آیه تطهیر است. اُم سَلَمَه، همسر رسول خدا علیه السلام می‌گوید : روزی ایشان در خانه استراحت می‌کرد که دختر بزرگوارش فاطمه زهرا علیه السلام وارد شد و سلام کرد. پیامبر علیه السلام پاسخ داد و ایشان را به کنار خود

۱- یعنی، چه کسی بر آنها ولایت و سربرستی دارد و باید به فرمان‌هایش عمل کنند؟

۲- واقعه غدیر را اندیشمندان با مدارک زیاد در کتاب‌های خود آورده‌اند که نام ۳۵۰ نفر از آنها در کتاب «الغدیر» آمده است. الغدیر کتابی است که علامه امینی آن را نگاشته است.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

دعوت کرد. پس از وی حضرت علی علیهم السلام، امام حسن علیهم السلام و امام حسین علیهم السلام آمدند. رسول خدا علیهم السلام آنان را نیز در کنار خود جای داد. آن گاه برای آنان این گونه دعا کرد :

«خدایا! اینان اهل بیت من اند؛ آنان را از هر پلیدی و ناپاکی حفظ کن!»^۱

در همین زمان فرشته وحی آمد و آیه تطهیر را فرائت کرد.

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾

همانا خدا اراده کرده که دور گردداند
از شما اهل بیت پلیدی و ناپاکی^۲ را
و شما را کاملاً پاک و ظاهر قرار دهد.

با تفکر در این آیه در می‌یابیم که :

- ۱- این آیه، تعداد خاصی از خانواده پیامبر را در بر می‌گیرد که مقام عصمت دارند؛ یعنی در اینجا افراد خاصی از اهل بیت مورد نظر است و شامل سایر بستگان پیامبر نمی‌شود.
- ۲- چون این تعداد خاص معصوم اند، سخن و عمل آنان، مطابق با دین و بیان کننده دستورات الهی است.

پیامبر اکرم علیهم السلام برای آگاهی مردم از این موضوع، مدت‌ها هر روز صبح، هنگام رفتن به مسجد از در خانه حضرت فاطمه علیهم السلام می‌گذشت و اهل خانه را «اهل بیت» صدا می‌زد و آیه تطهیر را می‌خواند.^۴ تذکر : از آنجا که در زمان نزول این آیه از میان اهل بیت فقط امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام حضور داشتند، در این واقعه تنها نام این چهار بزرگوار ذکر شده است. در سخنان دیگر پیامبر علیهم السلام، امامان بعدی هم جزء اهل بیت شمرده شده‌اند.

نتیجه‌گیری

با بررسی این آیات و احادیثی که گفته شد، روشن می‌شود :

- الف) پیامبر اکرم علیهم السلام با هدایت و راهنمایی خداوند، حضرت علی علیهم السلام و یازده فرزند ایشان را به جانشینی خود معرفی کرده است و آنان عهده‌دار مسئولیت امامت اند.
- ب) لازمه این مرتبه از جانشینی، علم کامل و عصمت از گاه و اشتباه است؛ همان‌گونه که رسول خدا علیهم السلام این دو ویژگی را دارا بود.

ج) حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام جزء اهل بیت است و اگرچه عهده‌دار امامت نبوده، اما علم و عصمت کامل دارد و پیروی از کلام و رفتار وی بر همه مسلمانان واجب و سرچشمۀ هدایت و رستگاری است.

-
- ۱- اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۲۸۶.
- ۲- مقصود از پلیدی و ناپاکی در این آیه، گناه و آلوگی اخلاقی است.
- ۳- سوره احزاب، آیه ۲۳.
- ۴- کتاب‌های بزرگ اهل سنت، مانند صحیح مسلم، سنن ترمذی، صحیح بخاری، مسند احمد بن حنبل، سنن یهقی، الدرالمتوسطی و اُسد الغابه ابن اثیر، آیه تطهیر را در حق همین پنج تن نقل کرده‌اند (غاية المرام، هاشم بن سلیمان بحرانی، ص ۲۸۱).

هیو؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



فِيمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لِنَتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظَّاً غَلِيلَةً
 الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرِ
 لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَّمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَىَ
 اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ١٥١ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ
 فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ
 مِنْ بَعْدِهِ ١٥٢ وَعَلَىَ اللَّهِ فَلَيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ وَ
 مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغْلِلَ ١٥٣ وَمَنْ يَغْلِلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ
 الْقِيَمَةِ ثُمَّ تُؤْتَى كُلُّ نَفِيسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
 ١٥٤ أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطِ مِنَ
 اللَّهِ وَمَأْوَلُهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ١٥٥ هُمْ دَرَجَتْ
 عِنْدَ اللَّهِ ١٥٦ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ١٥٧ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ
 عَلَىَ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ
 يَتَلَوَّ عَلَيْهِمْ عَالِيَّهِ وَيُزَكِّيَهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ
 وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي صَلَلٍ مُبِينٍ ١٥٨

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ترجمه

ای پیامبر، به سبب لطف و رحمت خدا بود که با مردم نرم خوبی و مهربانی کردی، و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی، قطعاً از گرد تو پراکنده شده بودند. پس اکنون هم از خطاهایشان درگذر و [حتی] از خدا برایشان آمرزش بخواه و در تدبیر امور با آنان مشورت کن، و چون بر کاری تصمیم گرفنی، [قاطع باش و] بر خدا توکل کن که خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد و آنان را یاری می‌کند.

۱۵۱

اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما چیره نمی‌شود، و اگر شما را واگذارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟ پس مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

۱۶۰

[گمان کردید ممکن است پیامبر به شما خیانت کند؟ در حالی که] و هیچ پیامبری را نشاید که به خدا یا مردم خیانت کند [چه رسید به خاتم الانبیاء]، و هر کس خیانت ورزد، روز قیامت با آنچه که از راه خیانت به دست آورده حاضر شود، سپس به هر کسی همان را که فراهم آورده است، بی‌کوکاست خواهد داد و [به همین دلیل] در حق آنان ستم نمی‌شود.

۱۶۱

پس آیا کسی که خشنودی خدا را دنبال کرده، مانند کسی است که با خشمی از خدا بازگشته و جایگاهش دوزخ است؟ آن بد بازگشتنگاهی است.

۱۶۲

همه آنان – چه کسانی که در بی خشنودی خدا یابند و چه کسانی که دچار خشم او شده‌اند – تزد خدا بر حسب اعمالشان دارای درجاتی گوناگونند، و خدا به آنچه [از نیکی و بدی] می‌کنند بیناست.

۱۶۳

به یقین خدا به مؤمنان نعمتی بزرگ ارزانی داشت که پیامبری از خودشان [نه از فرشته یا جن] در میان آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان تلاوت کند و آنان را [از کارهای زشت و اخلاق ناپسند] پاک سازد و کتاب آسمانی و معارف آن را به ایشان بیاموزد، و قطعاً آنان پیش از بعثت پیامبر در گمراهی آشکاری فرورفته بودند.

۱۶۴

درس ششم

پیشوایان اسوه

در درس‌های گذشته دانستیم که یکی از مسئولیت‌های مشترک میان پیامبر و امامان، ولایت ظاهری می‌باشد. در این درس به این سؤال می‌پردازیم که سیره و روش پیامبر اکرم ﷺ و جانشین ایشان امیرالمؤمنین علی علیهم السلام در حکومت داری چگونه بوده است؟

هیوٰ؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

اسوههای رهبری

پیامبر اکرم ﷺ پس از سیزده سال تلاش برای هدایت مردم مکه با دعوت مردم مدینه، به این شهر هجرت کرد و به فرمان خداوند، حکومت اسلامی را بنا نهاد. این حکومت، به تدریج گسترش یافت و در مدت ده سال، سراسر شبه جزیره عربستان را فراگرفت. آن حضرت، در مدت این ده سال، به گونه‌ای زندگی کرد که در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی، از جمله در جایگاه رهبری، از سوی خداوند به عنوان الگو و اسوه مؤمنان معرفی شد:

لَئَدَ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ
أُسْوَةً حَسَنَةً
لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ
وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا^۱

قطعاً برای شما در رسول خدا
سرمشق نیکوبی است
برای کسی که به خداوند
روز رستاخیز امید دارد
و خدا را بسیار یاد می‌کند.

حضرت علی علیہ السلام نیز وقتی حکومت را به دست گرفت، اعلام کرد من براساس دستورات قرآن و سنت رسول خدا ﷺ حکومت می‌کنم و بر همین اساس اصلاحات مهمی را در جامعه آغاز کرد.
در ابتدا نگاهی کوتاه به سیره پیامبر اکرم ﷺ در رهبری جامعه می‌کنیم:

۱- تلاش برای برقراری عدالت و برابری

یکی از اهداف مهم حکومت الهی رسول خدا ﷺ اجرای عدالت بود و ایشان در این مورد با قاطعیت عمل کرد و کوشید تا جامعه‌ای عادلانه بنا کند که در آن از تبعیض خبری نباشد و همه در برابر قانون الهی یکسان باشند. این اقدام پیامبر اکرم ﷺ در شرایطی انجام می‌گرفت که در جامعه آن روز حجاز و سایر کشورها، تبعیض و تفاوت طبقاتی، یک قانون پذیرفته شده بود و کسی با آن مخالفت نمی‌کرد. آن حضرت، در آمد بیت‌المال را میان مسلمانان بهتساوی تقسیم می‌کرد و فرقی میان عرب و غیرعرب نمی‌گذاشت. با همه برداری و ملایمتی که در برابر پایمال شدن حق شخصی خود داشت، در برابر نادیده گرفته شدن حقوق افراد جامعه می‌ایستاد و کوتاه نمی‌آمد و متجاوزان حقوق مردم را در هر موقعیت و مقامی که بودند، مجازات می‌کرد.

نمونه

در زمان‌های گذشته، قبایل جایگاه مخصوصی داشتند و برخی قبایل برتر از برخی دیگر شمرده می‌شدند. روزی فردی از یکی از قبایل صاحب نام مدینه، دزدی کرد و جرم او ثابت شد. رؤسای قبیله فکر می‌کردند که رسول خدا ﷺ به دلیل جایگاهی که قبیله این فرد دارد وی را

۱- سوره احزاب، آیه ۲۱

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

مجازات نخواهد کرد؛ اما با کمال تعجب دیدند که پیامبر می خواهد حکم را اجرا کند. واسطه های مختلفی نزد رسول خدا فرستادند، تا ایشان را از اجرای حکم منصرف کنند. حتی برخی نزدیکان رسول خدا ﷺ را واسطه قرار دادند، اما ایشان نپذیرفت و به آنان فرمود:

«اقوام و ملل پیشین بدین سبب، چار سقوط شدن که در اجرای عدالت، بعض روامی داشتند؛ اگر شخصی قدرتمند و صاحب نفوذ از ایشان دزدی می کرد رهایش می کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می کرد وی را مجازات می کردند».١

رسول خدا ﷺ، برای اولین بار در جامعه آن روز، برای برابری همه افراد در برابر قانون را اعلام کرد و عرب و غیر عرب و سیاه و سفید را برابر دانست و در مقابل تقصبات قومی و قبیله ای ایستاد.

بیشتر بدانیم

ملاک برتری : نژاد یا ...؟

روزی تعدادی از مردم مکه دور هم جمع شده بودند که مسلمانان نیز در میان آنان بودند. هر کدام با تعصی خاص، قبیله خود را معرفی می کرد و بدان افتخار می نمود. در این میان، شخصی رویه سلمان کرد و گفت: سلمان! بگو بدانم تو کیستی؟ پدر تو کیست؟ و اصل وریشهات چیست؟ سلمان گفت: اسم من سلمان و پدرم بنده خداست، من قبل از اسلام گمراه بودم و خداوند به برکت محمد ﷺ هدایتم کرد، نیازمند بودم و خداوند به برکت محمد ﷺ بی نیاز نمود، برده بودم و خداوند به برکت محمد ﷺ مرا از قید برگز آزاد ساخت، این نسب من است. در همان حال رسول خدا ﷺ وارد آن جمع شد، با شنیدن گفت و گوهای آنان، فرمود: ای جماعت قریش! این را بدانید که، شرافت انسان به دینداری اوست و مروت و انسانیت او به خصلت های اخلاقی وی، و اصالت انسان به عقل و اندیشه اوست.

سپس پیامبر ﷺ سلمان را مخاطب قرار داد و فرمود: سلمان! این را بدان که، هیچ کدام از اینان برتو فضیلت و برتری نخواهد داشت، مگر اینکه از تو پرهیز گارت و با تقوات رباشند، اما اگر تو تقوی داشته باشی، پس تو افضل و برتر خواهی بود.٢

۲- محبت و مدارا با مردم

رفتار رسول خدا ﷺ با مردم به قدری محبت آمیز بود که مردم، ایشان را پدر مهربان خود می دانستند و در سختی ها به ایشان پناه می برdenد. معمولاً اطرافیان یک رهبر برای اینکه خود را به او نزدیک کنند، عیب دیگران را نزد او بازگو می کنند اما رسول خدا ﷺ به یاران خود می فرمود:

۱- الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ٤، ص ٥٨.

۲- روضه کافی، کلینی، ص ۱۸۲؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۲۲، ص ۳۸۲.

هیوٰ؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

«بدی‌های یکدیگر را پیش من بازگو نکنید؛ زیرا دوست دارم با دلی پاک و خالی از کدورت با شما معاشرت کنم.»^۱

هرکس به خانه آن حضرت می‌رفت، به او احترام می‌گذاشت تا آنجا که گاهی ردای خود را زیر پای او بین می‌کرد یا بر جای خود می‌نشاند. هرگز در مقابل یاراشن پای خود را دراز نمی‌کرد و سعی می‌کرد تا وقتی که آنها نشسته‌اند، در کنارشان باشد. اگر درباره آخرت حرف می‌زندند با آنان همراهی می‌کرد؛ اگر درباره خوردنی و آشامیدنی و سایر امور روزمره سخن می‌گفتند، از روی لطف و مهربانی با آنان هم‌سخن می‌شد. گاهی در حضور پیامبر، شعر می‌خوانندن، یا از گذشته خود می‌گفتند، در همه این موارد، آنان را منع نمی‌کرد، مگر این که کار حرامی مانند غیبت کردن از آنان سر می‌زد؛ در این موارد بود که آنان را از ادامه بحث باز می‌داشت.

۳- سخت‌کوشی و دلسوزی در هدایت مردم

پیامبر ﷺ چنان علاقه‌مند به نجات مردم از گمراهی بود که سختی‌ها و آزارهای این راه، هرگز سبب دوری او از مردم نگردید و آنقدر برای هدایت‌شان شباهنروز تلاش کرد که خداوند در این باره خطاب به مسلمانان فرمود :

«رنج شما برای او سخت و دشوار است و بر [هدایت] شما حربیص (به شدت علاقه‌مند) است»^۲ با همه این دلسوزی‌ها و زحمت‌ها، دشمنی سران قریش با ایشان روز به روز بیشتر می‌شد. می‌گفتند او ساحر و جادوگر است^۳، می‌گفتند دیوانه است، بر سر و رویش خاکستر می‌پاشیدند، طعنه و نیش زیان به او می‌زدند. با وجود اینها، آنقدر با مهربانی و صبر و تحمل، به هدایت مردم ادامه می‌داد، که گاه نزدیک بود از شدت غصه و اندوه فراوان از پادر آید که خداوند به او فرمود :

لَعْلَكَ بِأَخْرَجْتَ نَفْسَكَ أَلَا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ^۴

از اینکه برخی ایمان نمی‌آورند شاید که جانت را [از شدت اندوه] از دست بدھی.

امام علی علیہ السلام که در بیشتر این صحنه‌ها در کنار رسول خدا ﷺ بود، درباره تلاش بی‌پایان پیامبر می‌فرمود : «پیامبر یک طبیب سیار بود، [برخلاف سایر طبیبان] او خود به سراغ مردم می‌رفت، داروها و مرهم‌هایش را خودش آماده می‌کرد و ابزارهای طبابت را با خود می‌برد تا بر هرجا که نیاز باشد، مرهم بگذارد؛ بر دل‌های کور، گوش‌های کر، زیان‌های گنگ، او با داروهای خوبیش بیماران غفلت زده و سرگشته را درمان می‌کرد».^۵

آن حضرت، تلاش می‌کرد حتی کسانی را که با ایشان می‌جنگیدند هدایت کند و به سوی حق دعوت

۱- مسنند احمد بن حنبل، چاپ الرساله، ج ۶، ص ۳۰۲-۳۰۱.

۲- سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۳- سوره مدثر، آیه ۲۴.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸.

۵- سوره شعرا، آیه ۳.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

نماید. متکبران و برخی از بزرگان قبایل که تعالیم اسلام را به ضرر خود می دیدند، جنگ هایی را علیه آن حضرت به راه می انداختند. پیامبر ﷺ نیز به ناچار مسلمانان را برای مقابله با آنان بسیج می کرد. اما به آنان سفارش می کرد: «اگر کافری در جنگ کشته شد او را مُثُلَه^۱ نکنید، کودکان و پیران و زنان را نکشید، حیوانات حلال گوشت را نکشید مگر اینکه برای تغذیه به آن احتیاج داشته باشد. هرگز آب مشرکان را زهرآلود نکنید و مزارع و نخلستانها را نسوزانید». ^۲

و در جای دیگری می فرمود اگر در بحبوحه جنگ، یکی از مشرکان خواست تا در مورد حقیقت اسلام مطالبی بداند، او در پناه اسلام است تا کلام خدا را بشنود، اگر اسلام را پذیرفت، او هم برادر دینی شماست و اگر قبول نکرد، او را به جایی که احساس امنیت می کند، برسانید و پس از آن از خدا برای غلبه بر او یاری بجویید. ^۳

۴- مبارزه با فقر و محرومیت

رسول خدا ﷺ هم با فقر مبارزه می کرد و به دنبال بنای جامعه ای آباد و دور از محرومیت بود و هم با کوچک شمردن فقیران و بینوایان به مخالفت بر می خاست. از این رو، مردم را به کار و فعالیت تشویق می کرد، از بیکاری بدش می آمد و کسانی را که فقط عبادت می کردند و کار نمی کردند، مذمت می کرد. در عین حال، به فقیران بسیار احترام می گذاشت و اجازه نمی داد که به خاطر فقر مورد بی توجهی قرار گیرند و فراموش شوند. برخی از آنها دوست صمیمی ایشان به شمار می رفتند. ثروت را ملاک برتری نمی شمرد. به آسانی با فقیرترین و محروم‌ترین مردم می نشست و صمیمانه با آنها گفت و گو می کرد. آنان نیز رسول خدا ﷺ را همکار و همزاخر خود می یافتند. آن حضرت به یاران خود می فرمود :

«به من ایمان نیاورده است کسی که شب را با شکم سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد». ^۴

بیشتر بدانیم

رسول خدا ﷺ و یارانش در مجلسی نشسته بودند. تهیdestی که لباس کهن‌های به تن داشت وارد شد و در جای خالی کنار مردی ثروتمند نشست. مرد ثروتمند چهره در هم کشید و خودش را جمع و جور کرد و به کناری کشید.

پیامبر که رفتار او را دید، فرمود : ترسیدی از فقر او چیزی به تو برسد؟

- ۱- تکه کردن.
- ۲- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۵، ص ۵۸.
- ۳- اصول کافی، کلینی، ج ۵، ص ۲۷.
- ۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

آن مرد گفت: نه، یا رسول الله.

فرمود: ترسیدی از ثروت تو چیزی به او برسد؟

گفت: نه یا رسول الله

پیامبر فرمود: ترسیدی لباس‌هایت در اثر تماس با او آلوده شود؟

گفت: نه، یا رسول الله.

فرمود: پس چرا خودت را جمع و جور کردی و از او فاصله گرفتی؟

آن مرد گفت: یا رسول الله اعتراف می‌کنم که مرتكب خطایشدم و به جبران خطایم حاضر نصف ثروت را به این برادر مسلمان بیخشم.

مرد فقیر گفت: یا رسول الله، من حاضر نیستم بپذیرم.

حاضر با تعجب پرسیدند: چرا؟!

مرد فقیر پاسخ داد: می‌ترسم بر اثر ثروت، من هم گرفتار غرور و خودخواهی شوم و روزی با برادر مسلمان خود این گونه رفتار کنم.^۱

جان و جانشین پیامبر

امیر مؤمنان، علی^{علیهم السلام}، ده سال قبل از بعثت پیامبر^{علیهم السلام} در خانه کعبه به دنیا آمد.^۲ پدرش حضرت ابو طالب^{علیهم السلام} به پیشنهاد پیامبر، نام ایشان را «علی» گذاشت. علی به معنای «والا» و «بلند مرتبه» است. سه یا چهار سال پیشتر نداشت که به خانه پیامبر آمد و چندین سال نزد ایشان زندگی کرد. خودش درباره این دوران می‌فرماید:

«در حالی که کودک بودم، همواره در کنار پیامبر بودم و پیامبر مرا در کنار خود می‌نهاد... نه هرگز دروغی در گفتار من دید و نه رفتاری ناشایست از من مشاهده کرد...

من همچون بچه از شیر گرفته شده که به دنبال مادرش می‌رود، از آن بزرگوار پیروی می‌کدم و او هر روز پرچمی از خویهای نیکوی خود را برای من می‌افراشت و مرا به پیروی کردن از آن فرمان می‌داد...

... هنگامی که وحی بر پیامبر^{علیهم السلام} فرود آمد، آوای اندوهگین شیطان را شنیدم. گفتم: ای پیامبر خدا، این فریاد اندوهناک چیست؟ پاسخ داد: این شیطان است که از پرستش خود ناامید شده است. بی‌گمان آنچه را من می‌شنوم تو هم می‌شنوی و آنچه را من می‌بینم تو هم می‌بینی، جز اینکه تو پیامبر

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۲.

۲- ماجراهی تولد حضرت علی^{علیهم السلام} در خانه کعبه علاوه بر کتاب‌های شیعی در کتاب‌های بزرگان اهل سنت نیز بارها نقل شده است. به عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۵۵؛ تذكرة الخواص، ابن جوزی، ص ۱۰؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۲۷۳.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

نیستی، بلکه وزیر هستی^۱ و تو هر آینه بر راه خیر می‌باشی^۲.

جابرین عبد‌الله انصاری، از یاران خوب رسول خدا ﷺ می‌گوید : در کنار خانه خدا و در حضور رسول خدا ﷺ بودیم که علی ﷺ وارد شد. رسول خدا ﷺ فرمود : برادرم به سویتان آمد. سپس رو به سمت کعبه کرد و دست بر آن گذاشت و فرمود : «سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، این مرد و شیعیان و پیروان او، رستگارند و در روز قیامت، اهل نجات‌اند».^۳

سپس فرمود : «این مرد اولین ایمان آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا، راسخ‌ترین شما در انجام فرمان خدا، صادق‌ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت مساوات و ارجمندترین شما تقد خداست».^۴

در همین هنگام، آیه زیر بر پیامبر خدا ﷺ نازل شد و پیامبر آن را فرائت کرد :

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَئِكَ هُمُ الْبَيِّنَاتِ

کسانی که ایمان آورند
و کارهای شایسته انجام دادند،
اینان بهترین مخلوقات‌اند.

همان گونه که مشاهده کردید رسول خدا ﷺ، در سخنان خود از کلمه «شیعه» که ترجمة آن «پیرو» می‌شود، استفاده کرده و پیروی از امام علیؑ را سبب رستگاری دانسته است. بنابراین، شیعه، مسلمانی است که به فرمان خدا و پیامبر ﷺ، امیر المؤمنین علیؑ را جاشین پیامبر می‌داند و از او پیروی می‌کند.

بیشتر بدانیم

خوب است بدانیم که لفظ شیعه، واژه‌ای است قرآنی. مثلاً در قرآن کریم، حضرت ابراهیم ؑ شیعه و پیرو حضرت نوح ؑ معرفی شده و درباره ایشان آمده است : «إِنَّ مِنْ شَيْعَتِهِ لَا إِبْرَاهِيمَ»^۵؛ پس حضرت ابراهیم ؑ از آن جهت که راه حضرت نوح را ادامه داده، شیعه و پیرو حضرت نوح ؑ است.

۱- این سخن پیامبر اکرم ﷺ مربوط به روز اول بعثت است. از این کلام در می‌بایم خداوند که آگاه به همه امور است از شایستگی امام علیؑ بیز خبر دارد و به پیامبر امر فرموده که ایشان را وزیر خود قرار دهد.

۲- بخشی از خطبه فاسمه.

۳- والَّذِي نَفْسِي يَدِهِ إِنَّ هَذَا وَشَيْعَتِهِ لَهُمُ الْفَاتِرُونَ. الذر المثبور، سیوطی، ذیل آیه «أُولَئِكَ هُمُ الْبَيِّنَاتِ».

۴- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، ج ۵، ص ۷۲.

۵- سوره بینه، آیه ۷.

۶- سوره صافات، آیه ۸۳.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تفکر در حدیث

در این دو حدیث بیندیشید و به سوال‌های زیر پاسخ دهید:

– رسول خدا ﷺ : عَلَيْيَ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلَيْهِ^۱

– رسول خدا ﷺ : عَلَيْيَ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلَيْهِ^۲

۱- میان حدیث اول و حدیث ثقلین چه رابطه‌ای وجود دارد؟

۲- حدیث دوم چگونه با بحث عصمت، عدالت و علم امام ارتباط دارد؟

پاسخ به سوالات شما

برخی می‌پرسند چرا با وجود همه تلاش‌هایی که پیامبر ﷺ در معرفی امیرمؤمنان و بیان فضائل ایشان در زمان‌ها و مکان‌های متعدد داشت، اما پس از وفات پیامبر ﷺ بسیاری از مردم، به خصوص رؤسای قبایل و بزرگان قوم کمتر به این حقیقت توجه کردند؟ پاسخ کوتاه آنکه: یکی از علت‌های این بی‌توجهی، افکار و اندیشه‌های باقی‌مانده از دوران جاهلیت قبل از اسلام بود، که به این آسانی از ذهن و فکر مردم خارج نمی‌شد. در جاهلیت، بزرگان قبایل بدون آنکه دارای فضیلت خاصی باشند صرفاً به این دلیل که رئیس قوم بودند، قدرت ویژه‌ای داشتند و مردم آنان را بزرگ می‌شمردند و فضیلت‌هایی مانند علم، عدالت‌خواهی، جوانمردی، صداقت، پاکی و کرامت نفس، ارزش و جایگاهی نداشت. آنان حتی میان فرمان و دستور پیامبر و فرمان بزرگان قوم تفاوت چندانی قائل نبودند و در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز، به جای فرمان خدا و پیامبر، به سوی فرمان بزرگان قوم خود متمایل می‌شدند. از این‌رو، رسول خدا ﷺ پیوسته فضایل امام علی علیهم السلام را به آن مردم یادآوری می‌کرد شاید بزرگان قبایل و افراد هر قبیله به جای ارزش‌های جاهلی به رفتار و کردار امیرمؤمنان پیشتر توجه کنند و به مقابله با ایشان برنخیزند.

بزرگان علم و دانش، مسلمان و غیرمسلمان، پس از بررسی شخصیت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام با شگفتی مشاهده کرده‌اند که فضایلی در آن امام است که به سختی در یک فرد، جمع می‌شود. آن امام در میدان جنگ شجاع‌ترین؛ در محراب عبادت، عابدترین؛ در مقام قضایت، دقیق‌ترین؛ در کلاس درس، عالم‌ترین؛ در بلاغت و زیبایی سخن، بلیغ‌ترین و در عرصه حکمرانی، عادل‌ترین است.^۳ آن حضرت، همانند رسول خدا ﷺ همه فضائل الهی را در خود جمع کرده بود و تمام ویژگی‌هایی

۱- امالی، طوسی، ح ۱۰۲۸، المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۴.

۲- امالی، صدوق، ص ۸۹، المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۵.

۳- جاذبه و دافعه علی علیهم السلام، استاد مطهری، ص ۱۰ از مقدمه.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

را که یک رهبر جامعه باید داشته باشد، دارا بود. در اینجا به دو مورد از فضائل و ویژگی‌های آن حضرت اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم :

۱- عدالت بی‌مانند

امام علی علیه السلام پس از ۲۵ سال کنار گذاشته شدن از حق خلافت، آن گاه که با درخواست عمومی مردم و اصرار آنها بر قبول خلافت حجت را بر خود تمام دید به صحنه آمد. ایشان از همان آغاز با الگو قرار دادن سیره و روش پیامبر ﷺ مبارزه با تبعیض و نابرابری و برقراری عدالت را، سرلوحه کار خود قرار داد. آن حضرت در همان روزهای آغازین حکومتش به مسجد رفت و این گونه برای مردم سخنرانی کرد : «...ای مردم، گروهی بیش از حق خود از بیت‌المال و اموال عمومی برداشته‌اند و جیب خود را انباشته‌اند و ملک و باغ خریده‌اند ... اینان در حقیقت تنگ دنیا و عذاب آخر را خریده‌اند؛ اما بدانید که من حق مردم مظلوم را از اینان بازمی‌ستانم و از این پس سهم همه مسلمانان را از بیت‌المال به طور مساوی خواهم داد». ^۱

فردای آن روز، پس از پرداخت هزینه‌های عمومی کشور از بیت‌المال، باقی‌مانده آن را میان مردم به طور مساوی تقسیم کرد. محرومان خوشحال شدند؛ اما عده‌ای که دوره‌های دور دریافت‌های ویژه و کلان داشتند، اعتراض کردند.^۲

ایشان در سخنانی فرمودند : «سوگند به خدا، اگر همه دنیا را [با تمام وسعتش] به من بدهند تا به اندازه گرفتن پوست جو از دهان موری، خدا را نافرمانی کنم، نخواهم کرد». ^۳

۲- علم بی‌کران

همان‌طور که گفتم، یکی از ابعاد شکفت‌انگیز شخصیت امیر المؤمنین علیه السلام، علم و معرفت وی بود. ایشان در جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، دین‌شناسی، حکومت و کشورداری، نظام اجتماعی و اقتصادی، اخلاق و فضیلت و سایر موضوعات مورد نیاز هدایت و سعادت انسان، سخن گفته و ما را راهنمایی کرده است.

۱- ادامه سخنرانی جنین است : «عده‌ای در مقام اعتراض می‌گویند علی بن ای طالب ما را از حق مان محروم کرد! هر کس در گذشته از اصحاب رسول خدا علیهم السلام خدمتی کرده، پاداشش با خداست [آن سوابق درخشنان سبب نخواهد شد که میان آنان و دیگر مسلمانان بعض قائل شویم و به آنها امتیاز بیشتر بدھیم] ... هر کس امروز دعوت خدا و رسولش را بینزید و حقانیت ما را تصدیق کند و در دین ما داخل شود و به سوی قبله مان نماز بخواند، یک مسلمان است و با سایر مسلمانان برابر است. بیت‌المال هم که مال همه مسلمانان است، به طور مساوی بین همه تقسیم خواهد شد و از این لحاظ هیچ کس را بر دیگری امتیازی نیست. آری، هر کس که منقی تر باشد، تزد خدا گرامی تر است و پرهیز کاران در قیامت بهترین پاداش را خواهند داشت؛ اما خدا دنیا را پاداش پرهیز کاران قرار نداده است. اجر و پاداش اخروی برای آنها بسی نیکوتر است ... (شرح نهج البلاغه ابن ای الحدید، ج ۷، ص ۳۷؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۳۲، ص ۲۷).

۲- یکی از معتبرین می‌گفت : «چگونه همه مارا در یک مرتبه قرار داده و امتیازات را به کلی نادیده گرفته‌ای؟ به من و این مرد که تا مدتی پیش غلام من بود به یک اندازه از بیت‌المال داده‌ای، آیا این انصاف است؟».

۳- نهج البلاغه، خطبہ، ۲۲۴.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

کتاب «نهج‌البلاغه»^۱ که بخشی از سخنرانی‌ها، نامه‌ها و پند و اندرزهای ایشان را در خود جای داده، حکایتگر این دانش بی‌مانند است. دانشمندان بزرگ جهان اسلام از زمان تدوین این کتاب تاکنون، در موضوعاتی که ذکر شد، همواره از این کتاب بهره‌مند شده‌اند.

برخی دیگر از دانشمندان هم برای استفاده بیشتر مردم از این کتاب، بر آن شرح‌ها نوشته‌اند تا مردم به نکات دقیق و عمیق این کتاب بیشتر بی بیرند.^۲

ابن ابی‌الحدید که از اندیشمندان اهل سنت است، شرح مفصلی بر نهج‌البلاغه نوشته که امروزه در چندین جلد، چاپ شده است. وی در مقدمه کتاب خود می‌گوید: «به حق، سخن علی را از سخن خالق (قرآن) فروtero و از سخن مخلوق (دیگر انسان‌ها) برتر خوانده‌اند...».^۳

وی در شرحی که بر خطبۀ ۲۱ نهج‌البلاغه نوشته است، می‌گوید: «قسم می‌خورم به کسی که همه امت‌ها به او قسم می‌خورند، که پنجاه سال است این خطبۀ را مطالعه می‌کنم و در این پنجاه سال، بیش از هزار مرتبه آن را خوانده‌ام، و تاکنون هیچ بار آن را نخوانده‌ام مگر آنکه در جان من شگفتی و بیداری عمیقی ایجاد کرده است. چقدر خطبا و موعظه کنندگان درباره مرگ و آخرت خطبۀ خوانده‌اند! و من چقدر خطبۀ‌های آنان را خوانده و در آن تأمل کرده‌ام! اما تاکنون هیچ کدام از آنها تأثیر این خطبۀ را در جان من ایجاد نکرده است...».^۴

امیر المؤمنین علیه السلام جز نزد پیامبر اکرم ﷺ نزد کسی دیگر شاگردی نکرده بود. در حقیقت، دانش ایشان متصل به دانش پیامبر بود و دانش پیامبر نیز از وحی الهی سرچشمه می‌گرفت. پیامبر اکرم ﷺ در همین باره فرمود:

أَنَا مَدِيْنَةُ الْعِلْمِ
وَعَلَىٰ يَابِهَا
فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ
فَلَيَأْتِهَا مِنْ يَابِهَا

من شهر علم هستم
و علی در آن است.
هر کس این علم را بخواهد
باید از در آن وارد شود.

تفکر در حدیث

این حدیث شریف، در بردارنده پیام‌های متعددی است. با تفکر در آن، سه پیام آن را به دست آورید.

۱- نهج‌البلاغه توسط سید رضی در قرن چهارم هجری قمری، مدون شد. وی کتاب‌های حدیثی و تاریخی زمان خود را که سخن‌آمیر المؤمنین در آنها بود، گرد آورد و گزیده‌ای از آن سخنان را در یک کتاب قرار داد و آن را «نهج‌البلاغه» نامید. سایر سخنان امیر المؤمنین که حجمی بیش از نهج‌البلاغه دارد و در سایر کتاب‌های تاریخی و حدیثی موجود بوده، در سال‌های اخیر در مجموعه‌ای به نام «موسوعه امیر المؤمنین» گرد آمده و در اختیار پژوهندگان قرار گرفته است.

۲- در میان شرح‌های فارسی، می‌توان شرح استاد محمد تقی جعفری و شرح آیت‌الله مکارم شیرازی را نام برد.

۳- مقدمه شرح ابن ابی‌الحدید بر نهج‌البلاغه.

۴- شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱۱، ص ۱۵۳ - ۱۵۲.

۵- شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۸۱ و امام‌شناسی، سید محمد حسین حسینی تهرانی، ج ۱۱، ص ۶۱.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

امیرمؤمنان علی علیہ السلام خود می فرمود: «هرگاه از پیامبر ﷺ سؤال می کردم، پاسخم را می داد و اگر در حضورش سکوت می کردم، ایشان پیشگام می شد و از دانش خود مرا بهره مند می ساخت».^۱

بدین ترتیب، امیرالمؤمنین به دانش بی مانندی رسید که هر کس در هر موردی از ایشان سؤال می پرسید، ایشان بی درنگ و در کمال درستی پاسخ می داد.

بیشتر بدانیم

حل فوری یک مشکل

نقل کرده اند که سه نفر در تقسیم ۱۷ شتر اختلاف داشتند. اولی $\frac{1}{2}$ ، دومی $\frac{1}{3}$ و سومی $\frac{1}{9}$ شترها را مالک بودند. اما هر طور تقسیم می کردند که کسری نیاید، ممکن نبود. با امیرالمؤمنین علیہ السلام در میان گذاشتند. ایشان در همان موقع فرمود: «آیا مایلید که من یک شتر به شترهایتان اضافه کنم؟؛ گفتند: «آری، چرا مایل نباشیم؟». پس امام، شتری بر شترها افزود و تعداد شترها به ۱۸ رسید. آنگاه ۹ شتر را که $\frac{1}{3}$ شترها بود به اولی داد. سپس ۶ شتر را که $\frac{1}{2}$ شترها می شد، سهم نفر دوم قرار داد. به نفر سوم هم که سهمش $\frac{1}{9}$ شترها بود، ۲ شتر داد؛ و یک شتر باقی مانده را خودش برداشت.^۲

وقتی یک نویسنده مسیحی عاشق امام علی علیہ السلام می شود!

«جرج جرداق (۱۹۳۱-۲۰۱۵)»، نویسنده و شاعر معاصر لبنانی است. وی که یک فرد مسیحی است. چنان شیفتگی شخصیت امام علی علیہ السلام می شود که پنج جلد کتاب درباره آن حضرت می نویسد. جلد اول آن «امام علی، صدای عدالت انسانی» نام دارد. وی در این کتاب می نویسد: «ای دنیا، چه می شد اگر همه توان خود را گرد می آوردی و در هر روزگار یک «علی» با آن قلب و زبان عنایت می کردی».

جمله پشت جلد کتاب جرج جرداق مسیحی این بود:

O'Ali,

If I say you're superior to Jesus Christ, my religion cannot accept it! If I say he's superior to you, my conscience won't accept it! I don't say you're God!... So, tell us yourself, o' Ali: Who are you?!

«ای علی!

اگر بگوییم تو از مسیح بالاتری، دینم نمی پذیرد!

اگر بگوییم او از تو بالاتر است، وجود نمی پذیرد!

نمی گوییم تو خدا هستی ...!

پس خودت به ما بگو ای علی :

تو کیستی؟!»

جرج جرداق بر سردر خانه خود نوشته بود: «لَا فَتَنِي إِلَّا عَلَيْهِ لَا سَيِّفَ إِلَّا ذُو الْفِقَار».

۱- المصنف فی الأحادیث والآثار، ابو بکر بن ابی شيبة، ج ۶، ص ۳۶۶.

۲- امام‌شناسی، سید محمد حسین حسینی تهرانی، ج ۱۱، صص ۳۰۳ - ۳۰۶

هیو؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يُقَومُ اذْكُرُوا نِعَمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
إِذْ جَعَلَ فِيهَا أَنْبِياءً وَجَعَلَكُمْ مُّلُوَّكًا وَعَاتَكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ
أَحَدًا مِنَ الْعُلَمَاءِ ﴿٢٠﴾ يُقَومُ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ
الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْدَوْا عَلَى آدِبَارِكُمْ فَتَنَقِّلُوا
خَسِيرَنَ ﴿٢١﴾ قَالُوا يُمُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَارِينَ وَإِنَّا
لَنَنْدَخِلَّهَا حَقًّا يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا
ذَخِلُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الظَّبَابِ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ
عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ
غُلَبِيُونَ ﴿٢٣﴾ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ
قَالُوا يُمُوسَى إِنَّا لَنَنْدَخِلَّهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَذَهَبَ
أَنَّتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هُنَّا قُعِدُونَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي
لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَآخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمَ
الْفَسِيقَيْنَ ﴿٢٥﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً
يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَسِيقَيْنَ ﴿٢٦﴾

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ترجمه

و هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمت‌هایی را که خدا به شما داده است به یاد آورید، آن‌گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شمارا حاکم قرار داد و چیزهایی [نعمت‌ها] به شما داد که به هیچ‌یک از جهانیان نداده بود.

ای قوم به زمین مقدس و پاک در آیید؛ آن زمینی که خدا برای شما مقرر نموده است، و [از ترس ستمکاران] در پیکار با آنان به پشت خود رو بزنگردانید و نگریزید که زیان کار می‌شوید.

گفتند: ای موسی در آن سرزمین گروهی زورمند و سلطه‌گر وجود دارند و ما هرگز در آن سرزمین درنیاییم تا آنکه ایشان از آنجا بیرون روند، پس اگر آنان از آن سرزمین بیرون روند ما وارد خواهیم شد.

دو مرد از کسانی که از مخالفت با خدا بینناک بودند و خدا هم به ایشان نعمت ارزانی داشته بود، به قوم موسی گفتند: بر مردم آن سرزمین از دروازه [بازیزد] وارد شوید، که اگر از آنجا وارد شوید قطعاً شما [بر آنان] غالب و چیره خواهید بود، و فقط بر خدا توکل و اعتماد نمایید اگر شما ایمان دارید.

[بنی اسرائیل] گفتند: ای موسی ما هرگز در آن سرزمین درنیاییم تا آن‌گاه که آنان در آن هستند، پس تو با پروردگاری بروید و [با آنان] بجنگید، ما در اینجا نشسته‌ایم. موسی گفت: پروردگاریا من برای انجام دادن فرمان تو، جز اختیار خود و برادرم (هارون) را مالک و دارا نیستم، پس میان ما و این قوم نافرمان داوری کن و ما را در انجام فرمان خود یاری رسان.

[خدا به موسی] فرمود: اینک چنین مقرر کردیم که بنی اسرائیل مدت چهل سال از ورود به آن سرزمین محروم باشند آنان در طول این مدت بر روی زمین سرگردان خواهند بود؛ نه چون شهرنشینان در شهری استقرار می‌یابند و نه چون صحرانشینان در بیابان زندگی می‌گذرانند. این کیفر آنان است، پس بر این تمدد پیشگان، از اینکه کیفر الهی را می‌چشند، اندوه محور.

درس هفتم

وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان،
پس از رحلت رسول خدا صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌سَلَّمَ

دانستیم که مسئولیت ولایت و حکومت رسول خدا صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌سَلَّمَ، پس از ایشان نیز ادامه می‌یابد و براساس تدبیر حکیمانه خداوند، امیر المؤمنین علی‌ہی و‌سَلَّمَ و امامان معصوم از نسل ایشان جاشنیتی رسول خدا صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌سَلَّمَ را برعهده گرفتند و از جانب خدا به ولایت و رهبری جامعه برگزیده شدند. البته پس از رحلت رسول خدا صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌سَلَّمَ حادثی پیش آمد که باعث دور افتادن مردم از رهبری و هدایت امامان معصوم علی‌ہی و‌سَلَّمَ شد. این مسئله، شرایط و اوضاع اجتماعی خاصی را در جامعه آن روز پدید آورد.

اکنون می‌خواهیم اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان پس از رسول خدا صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌سَلَّمَ و نحوه برخورد مسلمانان با امامان علی‌ہی و‌سَلَّمَ را بررسی کنیم.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تدبر در قرآن

در آیه شریفه زیر بیندیشید و به سؤالات پاسخ دهید:

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ
كَهْ يَبْشِرُ اَوْ رَسُولًا نَذِيرًا
آيَا شَمَا بِهِ گَذَشْتَهُ [وَآيَيْنَ يَبْشِرُنَّهُ] بازْمِيْ گَرْدِيدَ؟
وَهُرَكَسْ بِهِ گَذَشْتَهُ بازْگَرَدَ،
بِهِ خَدَا هِيجَ گَرَندَ وَ زَيَانِيْ نَرْسَانَدَ
وَ خَداونَدَ بازْوَدِيْ سِپَاسْگَزَارَانَ رَأَيَادَشَ مَيْ دَهَدَ.

قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ
أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
إِنْ قَلَّتْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ
وَمَنْ يَنْتَلِبْ عَلَى عِقَبِيهِ
فَلَنْ يُضُرَ اللَّهُ شَيْئًا
وَسَيَجِزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ^۱

- ۱- خداوند چه هشداری به مردم زمان پیامبر می دهد؟
- ۲- آیا خطر بازگشت به ارزش های دوران جاهلیت فقط اختصاص به زمان پیامبر دارد؟
- ۳- به نظر شما، سپاسگزاران واقعی نعمت رسالت، چه کسانی اند؟

خلاصه‌ای از رخدادهای عصر امامان

پس از رحلت رسول خدا ﷺ حوالثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر ﷺ بر نامه ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد و در نتیجه، نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت و امامان معصوم ﷺ با وجود حضور در جامعه، قادر قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبه مسئولیت‌های خود شدند. فقط در یک دوره کوتاه چهارسال و نه ماهه، اداره حکومت به امام علیؑ رسید و آن حضرت، در همین دوره کوتاه و با وجود مشکلات و جنگ‌هایی که با عهده‌شکنان و دشمنان داخلی داشتند، عالی‌ترین نمونه حکومت را عرضه کرد.

اما طولی نکشید که حکومت به دست بنی امية افتاد. آنان کسانی بودند که سرخانه پیامبر اکرم ﷺ مبارزه می‌کردند و فقط هنگامی تسلیم شدند که پیامبر اکرم ﷺ سهر مکه را فتح کرد و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را بر عهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر ﷺ به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. پس او، معاویه، که جنگ صفين را علیه امیر المؤمنینؑ به راه انداخت، در سال چهلم هجری با بهره‌گیری از ضعف و سستی یاران امام حسنؑ، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا ﷺ را به سلطنت تبدیل کرد.

معاویه، برخلاف تعهدی که به مسلمانان داده بود، بیزید را جاشین خود قرار داد؛ بیزید هر کار را زشت

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۴۴

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

و ناپسندی را انجام می‌داد؛ احکام خداوند، مانند نماز را به بازی و سُخره می‌گرفت، آشکارا شراب می‌خورد، سُگ بازی و میمون بازی، می‌کرد و با همان سُگ و میمون، وارد مجالس می‌شد و آنها را کنار دست خود می‌نشاند. وی، نوءَ گرامی پیامبر ﷺ، امام حسین علیه السلام و فرزندان و یارانش را با وضع هولناکی به شهادت رساند و خانواده ایشان را که از نوادگان پیامبر ﷺ بودند، به عنوان اسیر، در شهرها گرداند.

 فیلم (۱) : روزی که یزید به سوگ بوزینه اش نشست!

فعالیت کلاسی (۱)

با همفکری دوستان خود بگویید چه عواملی باعث شد که بعد از گذشت پنجاه سال از وفات پیامبر، نوءَ ایشان یعنی امام حسین علیه السلام این گونه توسط امت پیامبر به شهادت برسد؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در سخنرانی‌های متعدد، بارها مسلمانان را نسبت به ضعف و سستی‌شان در مبارزه با حکومت بنی امية بیم می‌داد^۱ و می‌فرمود: «سوگند به خداوندی که جانم به قدرت اوست، آن مردم [شامیان] بر شما پیروز خواهند شد؛ نه از آن جهت که آنان به حق تزدیک‌ترند، بلکه به این جهت که آنان در راه باطلی که زمامدارشان می‌رود شتابان فرمان او را می‌برند و شما در حق من بی‌اعتنایی و کندی می‌کنید. این مطلب، قلب انسان را به درد می‌آورد که آنها در مسیر باطل خود این چنین متعددند، و شما در راه حق این گونه متفرق و پراکنده‌اید».^۲

آن حضرت آینده سریچی از دستورات امام و اختلاف و تفرقه میان مسلمانان را که موجب سوار شدن بنی امية بر تخت سلطنت بود؛ می‌دید و آنان را از چنین روزی بیم می‌داد:

«به خدا سوگند، بنی امية چنان به ستمگری و حکومت ادامه دهند که حرامی باقی نماند جز آنکه حلال شمارند ... تا آنکه در حکومتشان دو دسته بگریند: دسته‌ای بر دین خود که آن را از دست داده‌اند و دسته‌ای برای دنیا خود که به آن نرسیده‌اند».^۳

پس از سقوط بنی امية، حکومت به دست بنی عباس افتاد. آنان با اینکه خود را از عموزادگان پیامبر ﷺ می‌دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی امية گرفته بودند، روش سلطنتی بنی امية را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر ﷺ از چیزی فروگذار نکردند، به گونه‌ای که اگر تحول معنوی و فرهنگی

۱- برخی از این سخنرانی‌ها در کتاب «نهج البلاغه» آمده است. از جمله در خطبه‌های ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۵۴، ۱۵۱، ۱۵۸ و ۱۶۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

۳- نهج البلاغه، قسمتی از خطبه ۹۸ (حفظ کردن عین سخنان امیرالمؤمنین ضروری نیست).

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ایجاد شده در عصر پیامبر ﷺ و دو میراث گران قدر آن حضرت - قرآن کریم و ائمه اطهار ؑ - نبود، جز نامی از اسلام باقی نمی ماند.^۱

مشکلات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پس از رسول خدا ﷺ مهم ترین چالش‌های عصر ائمه ؑ که نتیجه دوری از راه و رسم ترسیم شده از سوی پیامبر و جاشنیان ایشان بود، عبارت بودند از:

۱- منوعیت نوشتن احادیث پیامبر اکرم ﷺ

پس از رحلت رسول خدا ﷺ، سفارش آن حضرت به نوشتن سخنانش^۲ نادیده گرفته شد و هرگونه نوشتن احادیث آن حضرت منوع شد. به همین جهت، کسانی که به این احادیث علاقه‌مند بودند، فقط می‌توانستند آنها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند. این کار، نتایج نامطلوبی داشت؛ از جمله اینکه:

الف) احتمال خطأ در نقل احادیث افزایش یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارت‌ها یا فراموش شدن اصل حدیث فراهم شد.

ب) شرایط مناسب برای جاعلان حدیث پیش آمد و آنان براساس غرض‌های شخصی به جعل یا تحریف حدیث پرداختند، یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کردند.

ج) بسیاری از مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی‌بهره مانند و به ناچار، سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت دادند و گرفتار استباها بزرگ شدند.

با اینکه سال‌ها بعد، منع نوشتن حدیث پیامبر ﷺ برداشته شد و حدیث‌نویسی رواج یافت، اما به دلیل عدم حضور اصحاب پیامبر ﷺ در میان مردم، به دلیل فوت یا شهادت، احادیث زیادی جعل یا تحریف شد، به طوری که احادیث صحیح از غلط به سادگی قابل تشخیص نبود.

نکته مهم: البته این اوضاع نابسامان حدیث، تا حدود زیادی برای پیروان ائمه پیش نیامد؛ زیرا ائمه ؑ احادیث پیامبر را حفظ کرده بودند و شیعیان، این احادیث را از طریق این بزرگواران که انسان‌هایی معصوم و به دور از خطأ بودند و سخنانشان مانند سخنان رسول خدا ﷺ معتبر و مورد اطمینان بود، به دست آوردند.

دانش تکمیلی

اگر می‌خواهید اطلاعات بیشتری درباره علت منوعیت نگارش احادیث پیامبر ﷺ و زمان پایان یافتن این منوعیت کسب کنید، به بخش «دانش تکمیلی» سایت گروه قرآن و معارف مراجعه کنید.

۱- برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های فروع ادبیت و فروع امامت از آیت الله جعفر سبحانی و نقش ائمه در احیای دین از علامه عسکری مراجعه کنید.
۲- تدریب الراوی، سیوطی، ج ۲، ص ۶۶.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

۲- تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث

برخی از عالمان وابسته به بنی امیه و بنی عباس و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب الاخبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکت‌ناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. برخی از آنها در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی درباره پیامبران برای مردم نقل می‌کردند. این مطالب به کتاب‌های تاریخی و تفسیری راه یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان شد.



بیشتر بدانیم

نمونه‌ای از احادیث مجعلوں

کعب الاخبار از علمای یهودی تازه مسلمان بود که در زمان خلیفه سوم به مقام قضاؤت رسید. او پس از آن به دربار معاویه و امویان راه یافت و توجیه‌گر ثروت اندوزی و غارتگری آنان شد.

به عنوان نمونه، روزی یکی از همین حاکمان که گنجینه‌های بزرگ طلا فراهم کرده بود، از او پرسید: «اگر کسی زکات واجب طلا و نقره خود را داده باشد، آیا واجب است کار دیگری هم انجام دهد؟»؛ وی گفت: «حتی اگر تک آجرها [ی خانه‌اش] هم از طلا و نقره باشد، هیچ چیز دیگری بر او واجب نیست». ابوذر، صحابی بزرگ پیامبر ﷺ که در آن مجلس حاضر بود و می‌دید که چگونه فردی بیگانه با ارزش‌های اسلام، به نام اسلام از ثروت اندوزان دفاع می‌کند، از شدت خشم و بدون ترس از حاکم، فریاد برآورد:

«ای کافر! تو را با احکام مسلمانان چه کار؟ آیا سخن خداوند راست‌تر از سخن تو نیست که می‌فرماید: آنان که زر و سیم می‌اندوزنند و آن را در راه خدا اتفاق نمی‌کنند، به عذابی دردنگ بشارتشان ده!؟»^۱

همین کعب الاخبار، به دستور معاویه احادیثی جعل کرد که نشان دهد سرزمین شام که محل حکومت معاویه بود، از سرزمین مکه و مدینه تزد خداوند برتر است؛ مثلاً نقل می‌کرد: «محبوب ترین سرزمین‌ها در پهنهٔ زمین، تزد خداوند، شام است».^۲

همچنین نقل می‌کرد که «خداوند ندهم خیر و برکت خود را در شام قرار داده و یک جزء باقی مانده را در تمام نقاط زمین تقسیم کرده است».^۳

۱- سوره توبه، آیه ۳۴.

۲- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۷، ص ۳۶.

۳- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۱، ص ۱۱۰، چاپ دمشق.

۴- همان، ص ۱۴۷.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

۳- ارائه الگوهای نامناسب

عموم مردم در اعتقادات و عمل خود، دنباله‌روی شخصیت‌های برجسته جامعه هستند و آنها را اسوه فرار می‌دهند. در زمانی که رسول خدا ﷺ اسوه مردم بود، انسان‌های آزاده، با ایمان و شجاعی چون امام علی علیهم السلام، مقداد، عمار، ابوزد و سلمان تربیت شدند، اما هرچه که جامعه از زمان پیامبر ﷺ فاصله می‌گرفت، حاکمان وقت تلاش می‌کردند که شخصیت‌های اصیل اسلامی، به خصوص اهل بیت پیامبر ﷺ را در ازدواج قرار دهنده افرادی را که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی دور بودند، به جایگاه برجسته برسانند و آنها را راهنمای مردم معرفی کنند.

۴- تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت

پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا ﷺ، جاهلیت با شکلی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد. شخصیت‌های باتقوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد پیامبر ﷺ منزوی شدند و طالبان قدرت و ثروت جایگاه و منزلت یافتدند.

حاکمان بنی امیه و بنی عباس نیز، به تدریج مسیر حکومت را عوض کردند و برای خود و اطرافیاشان کاخ‌های بزرگ و مجلل ساختند و خزانه خود را از جواهرات گران قیمت ابیاشته کردند. این تغییر مسیر، جامعه مؤمن و فدایکار عصر پیامبر اکرم ﷺ را به جامعه‌ای راحت طلب، تسلیم و بی‌توجه به سیره و روش پیامبر اکرم ﷺ تبدیل کرد. این تغییر فرهنگ، سبب شد که ائمه اطهار علیهم السلام با مشکلات زیادی رو به رو شوند و نتوانند مردمان آن دوره را با خود همراه کنند.

فعالیت کلاسی (۲)

به نظر شما آگاهی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر ائمه علیهم السلام چه فوایدی برای زندگی امروز مادرد؟

.....

بیشتر بدانیم 

معاویه، پس از فتح شام در زمان خلیفه دوم به فرمانروایی شام گماشته شد و مردم شام اسلام را از او آموختند. او در مدت ۲۳ سال نبوت پیامبر اکرم ﷺ سال آن را به مبارزه با اسلام و دشمنی با پیامبر سپری کرد و در جنگ‌های متعدد علیه مسلمانان، به همراه پدرش ابوسفیان و مادرش هند جگرخوار، جزء فرماندهان جنگ بود. بعد از رسیدن به قدرت در شام، اولین حاکمی در اسلام بود که برای خود کاخ ساخت و بر تخت نشست و تاج بر سر نهاد. گویند هزینه کاخ او به اندازه ۱۸ مرکب بار طلا بوده است. ظرف‌های کاخ معاویه از طلا و نقره بود، لباس‌های حریر می‌پوشید و بر اسبی که زین آن طلاکاری شده بود، می‌نشست. خانواده‌اش نیز لباس‌های زربافت می‌پوشیدند. در یکی از سفرهایش به مدینه، ۱۵ مرکب با رواندازهای

هیو؟ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ارغوانی رنگ در پی اش روان بودند که بر هر یک کنیزی نشسته بود. وقتی اشراف و سران مدینه تزویی آمدند، به هریک از آنها ۱۰۰ دست از جامه‌های مخصوص خود را بخشید. او همواره شراب می‌نوشید و شترهای ویژه‌ای برای حمل شراب داشت. یکی از سرگرمی‌های او دعوت از زنان آوازه‌خوان و شنیدن آوازهای آنان بود. هنگامی که خبر شهادت امیر مؤمنان علیؑ را شنید، بر تخت تکیه زده بود، با شنیدن این خبر به سرعت نشست و گفت: کنیز! آواز بخوان که امروز چشم روشن شد.^۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- چه مسائلی زمینه را برای ورود جعل و تحریف به احادیث پیامبر اکرم ﷺ آماده کرد؟
- ۲- تفاوت‌های اساسی حکومت بنی امیه و بنی عباس با رهبری پیامبر ﷺ چه بود؟

پیشنهاد

با مطالعه یکی از کتاب‌های زیر عواملی که سبب حاکمیت کسانی چون معاویه و یزید بر مسلمانان شد را استخراج کنید و در کلاس گزارش دهید.

الف) حماسه حسینی، استاد شهید مرتضی مطهری
ب) تاریخ سیاسی ائمه ؑ، جواد محدثی

۱- احسن التقاضیم فی معرفة الاقالیم، محمد بن احمد مقدسی، ص ۱۶؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۳، صص ۳۱-۳۲ و ج ۱۵-۱۶.
۲- ص ۲۵۸، ج ۱۰؛ الغدیر، علامه امینی، ج ۳۳۳ تا ۳۳۶.

هیو؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدِونَ بِاْمِرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعلَ
الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ اِيتَاءَ الزَّكُوَةِ وَ كَانُوا لَنَا
عِبِيدِنَ ﴿٧٣﴾ وَ لَوْطًاءَاتِينَهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ
الْقَرَيْةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْمُبَيْتَ حِلَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوْءَ
فِسْقِينَ ﴿٧٤﴾ وَ أَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ
وَ نَوْحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلٍ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ
مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٥﴾ وَ نَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ
كَذَّبُوا بِإِيَّاتِنَا حِلَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوْءَ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ
وَ دَارُودَ وَ سُلَيْمَنَ إِذْ يَحْكُمُانِ فِي الْحَرَثِ إِذْ نَفَشَتْ
فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَ كُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَهِدِنَ ﴿٧٦﴾ فَفَهَّمْنَاهَا
سُلَيْمَنَ وَ كُلَّاءَاتِينَا حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ سَخَّرْنَا مَعَ
دَارُودَ الْجِبَالَ يُسَيِّحَنَ وَ الطَّيرَ وَ كُنَّا فِعِيلِينَ ﴿٧٧﴾ وَ عَلَمْنَاهُ
صَنْعَةَ لَبَوْسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ
شَكِّرُونَ ﴿٧٨﴾ وَ لِسُلَيْمَنَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِاْمِرِهِ
إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكَنَا فِيهَا وَ كُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِمِينَ
﴿٧٩﴾

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ترجمه

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند، و به ایشان انجام کارهای نیک و بربابی نماز و پرداخت زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند.
و به لوط حکومت و دانش عطا کردیم و او را از دیاری که مردمش آن کارهای پلید [هم جنس بازی] را می کردند، رهابی بخشیدیم. به راستی آنان مردمانی منحرف و بد بودند.

و او را در رحمت خود داخل کردیم، زیرا او از شایستگان بود.
و [ای پیامبر] نوح را یاد کن، آن گاه که پیش از این ما را ندا داد، ما هم دعای او را اجابت کردیم و او و خاندانش [به جز همسر و یک پسرش] از آن اندوه بزرگ رهابی بخشیدیم.

و او را بر مردمی که آیات ما را دروغ می انگاشتند، پیروز کردیم. آنان چون مردمانی فاسد و تبهکار بودند، همگی شان را غرق کردیم.

و داود و [فرزنده] سلیمان را یاد کن، آن گاه که درباره حکم کشتزاری که شبانه گوسفندان مردم در آن چریده بودند، داوری می کردند و ما شاهد داوری آنان بودیم.
پس ما حکم درست را به سلیمان تفهیم کردیم و ما هر دو را حکم و دانش عطا کردیم، و کوهها و پرندگان را با داود به نیایش و اداشتیم و ما انجام دهنده [این کار] بودیم.
و به او فتن زرهسازی را که به سود شمامست آموختیم، تاشما را از [خطرات] جنگستان حفظ کند. پس آیا شما سپاسگزار خواهید بود؟

و برای سلیمان تندباد را [رام ساختیم] که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهاده بودیم روان می شد، و ما به هر چیزی داناییم.

درس هشتم

احیای ارزش‌های راستین

در درس قبل با شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عصر ائمه اطهار علیهم السلام آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم بدانیم که:
امامان بزرگوار ما علیهم السلام در آن شرایط سخت چگونه مسئولیت‌های مربوط به مرجعیت دینی و ولایت ظاهري را به انجام رساندند؟
اقدامات ایشان چه تأثیری در جامعه اسلامی داشت؟

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

امیرالمؤمنین علی علیه السلام وقتی رفتار مسلمانان روزگار خود را مشاهده می کرد، با روشن بینی و درک عمیقی که از نتیجه رفتارها و وقایع داشت، سرنوشت و آینده ناسیمان جامعه اسلامی را پیش بینی می کرد و در زمان های مختلف و در سخنرانی های متعدد، مسلمانان را نسبت به عاقبت رفتارشان بیم می داد.^۱

آن امام در یکی از سخنرانی ها، خطاب به مردم فرمود :

«به زودی پس از من، زمانی فرا می رسد که در آن زمان، چیزی پوشیده تر از حق و آشکارتر از باطل و رایج تر از دروغ بر خدا و پیامبر شناسد. نزد مردم آن زمان، کالایی که بهتر از قرآن نیست، وقتی که بخواهد به درستی خوانده شود و کالایی رایج تر و فراوان تر از آن نیست، آنگاه که بخواهد به صورت وارونه و به نفع دنیا طلبان معناش کنند. در آن ایام، در شهرها، چیزی ناشناخته تر از معروف و خیر و شناخته شده تر از منکر و گناه نیست.»

امام پس از بیان اوضاع و احوال پس از خود و آگاه کردن مردم و هشدار به آنها فرمود :

«در آن شرایط، در صورتی می توانید راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا پشت کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی کنید و وقتی می توانید به عهد خود با قرآن وفادار بمانید که پیمان شکنان را تشخیص دهید؛ و آن گاه می توانید پیرو قرآن باشید که فراموش کنندگان قرآن را بشناسید.»

آن گاه امیر المؤمنان، راه حل نهایی را بیان می کند و می فرماید :

«پس همه اینها را از اهلش طلب کنید. آنان اند که نظر دادن و حکم کردنشان، نشان دهنده داش آنهاست، آنان هرگز با دین مخالفت نمی کنند و در دین اختلاف ندارند». ^{۲۰۲}

تفکر در حدیث

۱- با تأمل در سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام، سه مورد از نشانه های بازگشت مسلمانان به دوره جاھلیت را بیان کنید.

(الف).....

(ب).....

(ج).....

۲- برای نجات از گمراهی و تشخیص راه حق، امیرالمؤمنین علی علیه السلام چه پیشنهادی به مردم می دهد؟

۳- فکر می کنید مصدق پیشنهاد امام علی علیه السلام چه کسانی اند؟

۱- برخی از این سخنرانی ها در نهج البلاغه، از جمله در خطبه های ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۵۴، ۱۵۸ و ۱۶۷ آمده است.

۲- نهج البلاغه، قسمت هایی از خطبه ۱۴۷.

۳- حفظ کردن عین سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام ضروری نیست. فقط می توان سوالاتی مشابه با فعالیت «تفکر در حدیث»، از این سخنان طراحی کرد.

هیو۱؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

همان طور که در درس قبل خواندیم، به علت عدم توجه مسلمانان به هشدارهای امیرالمؤمنین علی [علیهم السلام]، آنچه آن امام پیش بینی می کرد، به وقوع پیوست؛ بنی امیه بر مردم حاکم شدند و دنیای اسلام را تا حد زیادی به دوران جاهلیت بازگرداندند. با وجود این شرایط سخت و بحرانی، ائمه اطهار [علیهم السلام] از پا نشستند و به شکل های گوناگون با این حاکمان مبارزه کردند و در مقابل تفسیرهای غلط از اسلام و تحریف دین، آموذهای قرآن و سخنان واقعی پیامبر را در اختیار جامعه قرار دادند. تلاش و مجاهدت امامان را می توان در قالب مسئولیت های دوگانه مقام امامت بررسی کرد :

الف) اقدامات مربوط به مرجعیت دینی

۱- تعلیم و تفسیر قرآن کریم : در حالی که حاکمان زمان به افراد فاقد صلاحیت میدان می دادند تا قرآن را مطابق با اندیشه های باطل خود تفسیر کنند، امامان بزرگوار در هر فرصتی که به دست می آوردند، معارف این کتاب آسمانی را بیان می کردند و رهنماوهای آن را آشکار می ساختند. در نتیجه این اقدام، مشتاقان معارف قرآنی توانستند از این کتاب الهی بهره ببرند.

بیشتر بدانیم

نمونه های فراوانی از تفسیرهای ناروای افراد فاقد صلاحیت و اقدامات روشنگر آئمه اطهار [علیهم السلام] در تاریخ نقل شده است که به یک مورد، اشاره می کنیم :

در زمان برخی از ائمه اطهار [علیهم السلام] گروهی بیدا شدند که گمان می کردند خداوند جسم دارد. آنان برای اثبات اندیشه خود از بعضی عبارت های قرآن نظری «بِدُّ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ : دست خداوند بالای دست هایشان است»^۱ کمک می گرفتند.

امامان بزرگوار توضیح می دادند که آیات قرآن را با آیه های دیگر باید تفسیر کرد. قرآن کریم می فرماید : «لَيْسَ كَعِيشَلِهِ شَيْءٌ : هیچ چیزی مانند او [خدا] نیست»^۲؛ پس، نمی توان دستی مانند دست انسان ها برای خدا تصور کرد. در عربی «ید»، علاوه بر دست، به معنای «قدرت» هم به کار می رود. بنابراین، تفسیر آیه این است که قدرت خداوند از همه قدرت ها برتر است.

۲- حفظ سخنان و سیره پیامبر ﷺ : در درس قبل دیدیم که بعد از رحلت رسول خدا ﷺ نوشتن سخنان ایشان ممنوع شد و این ممنوعیت آثار زیان باری برای مسلمانان داشت. البته امیرالمؤمنین علی [علیهم السلام] و حضرت فاطمه [علیهم السلام] به این ممنوعیت توجه نکردند و سخنان پیامبر را به فرزندان و یاران خود آموختند و از آنان خواستند که این آموخته ها را به نسل های بعد منتقل کنند.

۱- سوره فتح، آیه ۱۰.

۲- سوره شوری، آیه ۱۱.

حدیث زنجیره طلایی

هنگامی که امام رضا علیه السلام به اجبار مأمون، از مدینه به مرد، پايتخت حکومت این خلیفه عباسی می‌رفت، در مسیر حرکت خود به نیشابور رسید. هزاران نفر از مردم به استقبال ایشان آمده بودند و گروه زیادی از آنان، قلمهایشان را آماده کرده تا هرچه امام می‌گوید، بنویسند و برای خود و آیندگان نگه دارند. وقتی امام در جمع مردم قرار گرفت، به امام علیه السلام اصرار کردند تا برایشان سخن بگوید. امام به آنان فرمود:

«من از پدرم، امام کاظم علیه السلام شنیدم و ایشان از پدرش، امام صادق علیه السلام و ایشان از پدرش، امام باقر علیه السلام و ایشان از پدرش، امام سجاد علیه السلام و ایشان از پدرش، امام حسین علیه السلام و ایشان از پدرش، امام علی علیه السلام و ایشان از پدرش که فرمود: خداوند می‌فرماید: کلمة لا إله إلا الله حصني فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛ کلمة لا اله الا الله قلعة محکم من است، هر کس به این قلعه محکم من وارد شود، از عذاب من در امان است».

پس از اندکی درنگ، امام علیه السلام فرمود:

بشروطها و أنا من شروطها؛ اما به شرط‌های آن، و من از جمله شرط‌های آن هستم.^۱ مقصود امام علیه السلام این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست، بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر می‌شود. شیوه بیان امام علیه السلام در نقل این حدیث نشان می‌دهد که چگونه احادیث رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم، از امامی به امام دیگر منتقل می‌شده است. این حدیث، به جهت توالی و پشت سرهم آمدن اسامی پیشوایان معصوم در آن، به حدیث سلسلة الذهب (یعنی زنجیره طلایی) مشهور است.

۳- تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو: با گسترش سرمینهای اسلامی، سؤال‌های مختلفی در زمینه‌های احکام، اخلاق، افکار و نظام کشورداری پدید آمد. ائمه اطهار علیهم السلام با اینکه با حاکمان زمان خود مخالف بودند، اما به دور از انزوا و گوشہ‌گیری و با حضور سازنده و فعل، با تکیه بر علم الهی خود، درباره همه این مسائل اطهار نظر می‌کردند و مسلمانان را از معارف خود بهره‌مند می‌ساختند. ثمرة این حضور سازنده، فراهم آمدن کتاب‌های بزرگ در حدیث و سيرة ائمه اطهار علیهم السلام در کنار سیره پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم و قرآن کریم است. در میان این کتاب‌ها می‌توان از کتاب «نهج البالغه» از سخنران حضرت علی علیه السلام و کتاب «صحیفه سجادیه» از دعاهای امام سجاد علیه السلام، نام برد.

۱- امالی، شیخ صدوق، ص ۲۲۵.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

بیشتر بدانیم

اولین قانون بازنشستگی

حکومت اسلامی در زمان امیر المؤمنین علیهم السلام توسعه پیدا کرده بود و این مسئله موجب پدید آمدن شغل های زیادی در جامعه شده بود؛ در نتیجه روابط اقتصادی تغییر زیادی کرده و جامعه نیاز مند قوانین جدیدی بود که متناسب با شرایط جدید باشد.

به عنوان نمونه، روزی امیر المؤمنین علیهم السلام در حال گذر از کوچه پس کوچه های کوفه بود که نگاهش به پیر مردمی افتاد که در گوشه ای نشسته و دست نیاز به سوی مردم بلند کرده است.

امام پرسید: این مرد کیست و چرا گدایی می کند؟ حاضران با بی اعتمایی گفتن: مسیحی است!

امام علیهم السلام فرمود: «تا وقتی توانایی داشت، از او کار کشیدید و اکنون که پیر شده و قدرت کار کردن ندارد او را به حال خود واگذار شهاید؟ بر عهده حکومت است که تازنده است، هزینه اورا بر عهده بگیرد.

بروید از بیتالمال به او مستمری بدھید». ۱

بدین ترتیب، برای اولین بار، امیر المؤمنین علیهم السلام «قانون بازنشستگی» را به عنوان یک وظیفه اسلامی پیشنهاد کرد و خودش هم به اجرا درآورد.

به هر ترتیب، تلاش ائمه علیهم السلام سبب شد که حقیقت اسلام برای جویندگان حقیقت پوشیده نماند و کسانی که طالب حقیقت اند بتوانند در میان انبوه تحریفات به تعلیمات اصیل اسلام دست یابند و راه حق را از باطل تشخیص دهند.

بررسی

در درس قبل با شرایط و مشکلات اجتماعی عصر ائمه علیهم السلام آشنا شدیم. اکنون توضیح دهد که اقدام این بزرگواران، پاسخ‌گوی کدامیک از مشکلات آن دوره بوده است؟

ب) مجاهده در راستای ولایت ظاهری

امامان بزرگوار، به دو علت با حاکمان زمان خود مبارزه می کردند:

اول، آنکه رهبری و اداره جامعه از جانب خداوند به آنان سپرده شده و لازم بود برای انجام دادن این وظیفه به پا خیزند و در صورت وجود شرایط و امکانات، حاکمان غاصب را برکنار کنند تا با تشکیل حکومتی بر بنای اسلام راستین، قوانین دین را به اجرا درآورند و عدالت را برقرار سازند.

دوم، آنکه این حاکمان غاصب، قوانین اسلام را زیر پا می گذاشتند و به مردم ستم می کردند؛ امامان

۱- وسائل الشیعه، شیخ حز عاملی، ج ۱۵، ص ۶۶.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

نیز وظیفه داشتند که بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر با آنان مقابله کنند و مانع زیر پا گذاشتن قوانین اسلام شوند و از حقوق مردم دفاع نمایند.

اصول کلی امامان در مبارزه با حاکمان

امامان در مبارزه‌ای که با حاکمان جور داشتند، از اصولی پیروی می‌کردند که در اینجا برخی از آنها را بیان می‌کنیم :

۱- عدم تأیید حاکمان : امامان، هیچ‌یک از حاکمان غاصب عصر خویش را به عنوان جانشین رسول خدا ﷺ تأیید نمی‌کردند و این موضوع را به شیوه‌های مختلف به مردم اطلاع می‌دادند. آنان اگرچه تفاوت‌های اخلاقی و رفتاری حاکمان را در نظر می‌گرفتند و اگر حاکمی در موردی بر طبق دستور اسلام عمل می‌کرد، آن مورد را تأیید می‌کردند، اما در غصب خلافت و جانشینی رسول خدا ﷺ همه را یکسان می‌دیدند.

۲- معرفی خویش به عنوان امام بر حق : آن بزرگواران، همواره خود را به عنوان امام و جانشین بر حق پیامبر اکرم ﷺ معرفی می‌کردند؛ به گونه‌ای که مردم بدانند تنها آنها جانشینان رسول خدا و امامان بر حق جامعه‌اند.

به طور مثال، امام صادق علیه السلام در روز عرفه و در مراسم حج که جمعیت زیادی از مسلمانان از سراسر سرزمین‌های اسلامی حضور داشتند، در میان انبوه جمعیت، حق حکومت را از آن خود اعلام نمودند و فرمودند: «ای مردم! رسول خدا ﷺ امام و رهبر بود، پس از او علی علیه السلام و سپس حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی علیهم السلام به ترتیب امام بودند و اکنون من امام هستم».

۳- انتخاب شیوه‌های درست مبارزه : امامان، شیوه مبارزه با حاکمان را مناسب با شرایط زمان بر می‌گزینند؛ به گونه‌ای که هم تفکر اسلام راستین باقی بماند، هم به تدریج، بنای ظلم و جور بنی امیه و بنی عباس سست شود و هم روش زندگی امامان علیهم السلام، به نسل‌های آینده معرفی گردد. رفتار ائمه اطهار علیهم السلام در طول ۲۵۰ سال بعد از رحلت پیامبر ﷺ تا امامت امام عصر علیهم السلام و غیبت ایشان، چنان مکمل یکدیگر است که گویی یک شخص می‌خواهد برای رسیدن به یک مقصد مسیری را پیماید، ولی مسیر یک دست نیست؛ گاهی هموار است و گاهی ناهموار، گاهی لغزندۀ و خطراناک است و گاهی دشوار! ولی همه این جاده با همه این اختلاف‌ها به یک هدف ختم می‌شود، به گونه‌ای که گویی یک انسان است که ۲۵۰ سال زندگی کرده است و در شرایط مختلف سیاسی و فرهنگی روش‌های مناسب را برگزیده و عمل کرده است.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۴، ص ۴۶۶.

۲- برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به کتاب انسان ۲۵۰ ساله، حضرت آیت الله خامنه‌ای.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

بررسی

سیره و روش امام حسن عسکری در صلح با معاویه و سیره و روش امام حسین علیهم السلام در قیام علیه یزید را با یکدیگر مقایسه کنید و بگویید:

به نظر شما اگر امام حسن علیهم السلام در زمان حکومت یزید زندگی می‌کرد، با یزید بیعت می‌کرد؟ چرا؟

البته خشونت و ستمگری حاکمان بنی امية و بنی عباس در بیشتر این سال‌ها به گونه‌ای بود که اگر کسانی به عنوان پیرو و شیعه امامان شناخته می‌شدند به سختی آزار و اذیت می‌شدند و در بسیاری مواقع به شهادت می‌رسیدند. از این‌رو، ائمه اطهار علیهم السلام می‌کوشیدند آن بخش از اقدامات و مبارزات خود را که دشمن به آن حساسیت دارد، در قالب «تقبیه» پیش‌ببرند؛ یعنی اقدامات خود را مخفی نگه دارند، به گونه‌ای که در عین ضربه زدن به دشمن، کمتر ضربه بخورند. از جمله این موارد، ارتباط میان امامان و یاران آنها در نقاط مختلف سرزمین اسلامی بود. امامان ما با مخفی نگهداشت این ارتباط‌ها نمی‌گذاشتند حاکمان بنی امية و بنی عباس، یاران صمیمی و قابل اعتماد و فداکار آنان را شناسایی کنند و به شهادت برسانند.

بیشتر بدانیم

علی بن یقطین از اصحاب امام کاظم علیهم السلام بود. وی دوره نوجوانی و جوانی خود را در عصر امام صادق علیهم السلام گذراند و در دوره امام کاظم علیهم السلام از یاران صمیمی آن حضرت شد. با سقوط حکومت اموی و تشکیل حکومت عباسی، علی بن یقطین به حکومت عباسیان راه یافت و از کارگزاران حکومت عباسی شد. با توجه به اوضاع سخت شیعیان در دوره امام کاظم علیهم السلام که ناشی از ستمگری‌های «هارون» بود، امام به علی بن یقطین دستور داد، تلاش کند که در دربار هارون موقعیت بهتری پیدا کند، تا شاید بتواند کمکی به یاران امام کاظم علیهم السلام بکند و از سختی‌های آنها بکاهد و به نهضت سری امام کمک کند.

از همین جهت، وی توانست یکی از مشاوران نزدیک هارون و از افراد مورد اعتماد وی شود. در تمام مدتی که عهده‌دار این سمت بود، بدون اینکه هارون از شیعه بودنش مطلع شود، پناهگاهی مطمئن برای شیعیان بود و به روش‌های غیرمستقیم، مانع تضعیف مالی شیعیان و غارت اموال آنها توسط هارون و دستگاه حکومتی وی می‌شد.

پس علی بن یقطین می‌گوید: امام کاظم علیهم السلام هر چیزی لازم داشت و هر کار مهمی که پیش می‌آمد، به پدرم نامه می‌نوشت تا آن کار را انجام دهد. گاهی هم که کارهای مهم و حساسی پیش می‌آمد، به پدرم می‌فرمود که این کار را با همکاری هشام بن حکم انجام دهد.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

چندبار علی بن یقطین از سختی این مسئولیت نزد امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. امام به وی فرمود: خداوند، مردان محبوی در میان ستمگران دارد که به وسیله آنان، از بندگان خوب خود حمایت می‌کند و تو از آن مردان محبوب خدایی.

یکی از اقدامات علی بن یقطین شرکت دادن اصحاب و باران امام کاظم علیه السلام در مراسم حج بود. وی تعدادی از اصحاب را به حج می‌فرستاد و مخفیانه هزینه آنان را تأمین می‌کرد. این اصحاب به حج می‌رفتند و در گفت و گوها و مناظره‌ها شرکت می‌کردند و به ترویج فرهنگ شیعی می‌پرداختند.^۱

اکنون، ما پیرو و شیعه امامانی هستیم که جان و همه زندگی خود را برای نجات و رستگاری انسان‌ها، فدا کردن و به پیشگاه الهی رفتند. البته آنان هم اکنون ناظر بر ما هستند و به پیروان خود می‌نگرند تا بیینند آنان چه می‌کنند. پس وظیفه ما این است که به گونه‌ای زندگی کنیم که سبب بدینی دیگران نسبت به شیعیان شویم و بدانیم که شیعه بودن تنها به اسم نیست؛ بلکه اسم باید با عمل صالح همراه باشد تا پیرو حقیقی آنان شویم. امام صادق علیه السلام خطاب به شیعیان خود فرمودند:

«مایه زینت ما باشید، نه مایه زشتی ما».^۲

برنامه‌ریزی

ائمه اطهار علیهم السلام از ما شیعیان خواسته‌اند به گونه‌ای زندگی کنیم که مایه زیبایی آنان باشیم؛ بگویید با چه برنامه‌ها و اقداماتی می‌توانیم به این هدف برسیم؟ و چه کارهایی مارا از این مسیر دور می‌کند؟

- -۱
- -۲
- -۳

دانش تکمیلی

برای آشنایی با برخی از روش‌های مبارزه امامان، به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

۱- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ص ۴۴۹.

۲- وسائل الشیعه، شیخ حزّ عاملی، ج ۱۲، ص ۸.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

بیشتر بدانیم

محبت با معرفت

در عشق و محبت به اهل بیت ﷺ توجه به موارد زیر ضروری است :

۱- این محبت و دوستی را با معرفت و شناخت عمیق نسبت به آنان همراه کنیم. محبت‌های آمیخته با جهل، همواره خطرناک است و در بسیاری از موارد به رفتارهایی منجر می‌شود که خدای متعال و پیشوایان دین از آنها بیزارند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید :

«دو تن در رابطه با من هلاک شدند : دوستی که (در دوستی اش) زیاده روی می‌کند (و مرا از مرتبه ولایت و امامت بالاتر می‌برد) و دشمنی که در دشمنی با من پای می‌فشد».^۱

۲- سیره پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ نشان می‌دهد که آنان با ادعای محبت بدون معرفت و بدون عمل، مبارزه کرده و پیروان خود را از آن منع کرده‌اند. بنابراین، میزان نزدیکی هر کس به آنان به مقدار محبت همراه با معرفت و عمل است.

یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید : روزی به دیدار امام رفتم. ایشان به من فرمود : «سلام ما را به دوستانان برسان و به آنان اعلام کن پاداش الهی را جز با عمل و ولایت ما را جز با خوشنودی داری به دست نمی‌آورند».^۲

۳- محتوای مراسم جشن یا سوگواری اهل بیت ﷺ، از قبیل اشعار، سرودها و مداحی‌ها باید به گونه‌ای انتخاب شود که بیانگر محبت همراه با معرفت و سازگار با احکام شرعی باشد. اشعار و عبارات سطحی و پیش‌پالافتاده و انجام حرکات نسنجدید به بهانه شادی یا سوگواری، موجب رنجش آن بزرگواران می‌شود.

توجیهاتی از قبیل «در هنگام ابراز محبت، آداب را باید کنار گذاشت»، «اهل بیت ﷺ انسان‌هایی بزرگوارند و از خطای ما می‌گذرند» و ...، هیچ کدام در درگاه الهی و پیشگاه اهل بیت ﷺ پذیرفته نیست. این مراسم باید تجلی گاه عفاف و حجاب، عفت در کلام، انجام به موقع واجبات دینی مانند نماز، کمک به همنوعان، دوری از اسراف و تبذیر، رعایت حقوق همسایگان، دوری از رقبات‌ها و حسادت‌ها و در یک کلام، باید تجلی گاه معرفت ائمه علیهم السلام باشد.

از این رو باید مطمئن باشیم که برنامه‌ها و کارهای ما در مراسم دینی، موافق احکام الهی است. در مواردی که برای ما مشکوک است، به عالمان دین در شهر و دیار خود مراجعه کنیم و نظر آنان را جویا شویم تا با اطمینان خاطر، آن اعمال را انجام دهیم.

۱- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، حکمت ۱۱۷.

۲- الشیعه فی احادیث الفرقین، سید مرتضی موحد ابطحی، ص ۳۵۴.

هیو؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



وَيُقَومُ أَوْفُوا الْمِكِيلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ
لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ح
وَمَا آنَّا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾ قَالُوا يُشَعِّبُ أَصْلَوْتُكَ
تَأْمُرُوكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ إِبَّا وَنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا
مَا نَشَوْا حٰنَّا لَأَنَّا لَحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾ قَالَ يُقَومُ
أَرَعِيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّيْ وَرَزَقَنِيْ مِنْهُ
رِزْقًا حَسَنًا حٰنَّ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا
أَنْهَكُمْ عَنْهُ حٰنَ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ حٰنَ
وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ حٰنَ عَلَيْهِ تَوَكِّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ
وَيُقَومُ لَا يَجِرْمَنَّكُمْ شِقَاقيَ أَنْ يُصِيبَكُمْ
مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَلَحٍ حٰنَ
وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيْدٍ ﴿٨٩﴾ وَاسْتَغْفِرُوا
رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ حٰنَ إِنَّ رَبَّى رَحِيمٌ وَدُودٌ حٰنَ

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ترجمه

و ای قوم من، پیمانه و ترازو را با انصاف و عدل پر کنید و از اشیای مردم [چیزی را] کم نکنید و در زمین فساد نکنید.

۸۵

«باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، و من بر شما نگاهبان (امور بر اجبارتان به ایمان) نیستم.»

۸۶

گفتند: «ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیدند رها کنیم، یا در اموال خود به میل خود تصریف نکنیم؟ تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی! (این سخن را در مقام استهزاء به شعیب گفتند).»

۸۷

گفت: «ای قوم من، بیندیشید، اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم، و او از سوی خود روزی نیکوبی به من داده باشد [آیا باز هم از پرسش او دست بردارم؟] من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم]. من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم، ندارم، و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست. بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بازمی‌گردم.»

۸۸

و ای قوم من! مبادا دشمنی شما با من باعث شود که شما هم به سرنوشت قوم نوح، یا قوم هود، یا قوم صالح گرفتار شوید! و قوم لوط هم چندان از شما دور نیستند. و از پروردگار خود آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهریان و دوستدار [بندگان توبه کار] است.»

۸۹

عصر غیبت

درس هم

دوره امامت امام زمان علیهم السلام با غیبت کوتاهی شروع شد که ۶۹ سال به طول انجامید. پس از آن،
غیبیت طولانی آغاز شد که تاکنون ادامه دارد.

در این درس می خواهیم بدانیم :

۱- علت غیبت امام زمان علیهم السلام چیست؟

۲- ایشان چگونه در دوران غیبت، پیروان خود را هدایت و یاوری می کنند؟

۳- ما در دوران غیبت چه مسئولیت هایی داریم؟

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

حضرت مهدی ﷺ دوازدهمین امام ما، در سیپدهم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ.ق، در «سامرا» متولد شد و تا سال ۲۶۰ هـ.ق، در کنار پدر بزرگوارش زندگی می‌کرد. امام حسن عسکری علیه السلام در این مدت، ایشان را از گزند حاکمان عباسی که تصمیم بر قتل وی داشتند، حفظ نمود و با آنکه در محاصره نیروها و جاسوسان حاکمان بود، ایشان را به بعضی از یاران نزدیک و مورد اعتماد خود نشان می‌داد و به عنوان امام بعد از خود معرفی می‌کرد.

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هـ.ق، امامت امام مهدی علیه السلام آغاز شد. آن حضرت از ابتدای امامت خود که تاکنون ادامه دارد، دو غیبت داشته است. اول، غیبیتی که تا سال ۳۲۹ هـ.ق طول کشید و «غیبت صغیری» نامیده می‌شود. امام در این دوره، با اینکه زندگی مخفی داشت، اما از طریق چهارنفر از یاران صمیمی و مورد اعتماد، پیوسته با پیروان خود در ارتباط بود و آنان را رهبری می‌کرد. این چهار شخصیت بزرگوار به «نواب اربعه» و «نواب خاص» معروف‌اند.^۱ شش روزه مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر علیه السلام برای ایشان نامه‌ای نوشته و فرمود به فرمان خداوند، پس از وی جاشینی نیست و مرحله دوم غیبت آغاز می‌شود. به دلیل طولانی بودن این دوره از غیبت، آن را «غیبت کبری» می‌نامند.

غیبت امام مهدی علیه السلام

خداوند نعمت هدایت را با وجود امامان تمام و کامل گردانیده و راه رسیدن به رستگاری را برای انسان‌ها هموار ساخته است. پیامبر اکرم ﷺ، خود و امام علی علیه السلام را پدران امت معرفی فرموده است^۲ و روشن است که دلسوزی پدر برای فرزندان خود قابل توصیف نیست. اما فرزندان ناسپاس، قدر پدران مهربان خود را نشناختند و چنان در مسیر گمراهی پیش رفتند که یازده تن از رهبران آسمانی خود را شهید کردند. درست است که حاکمان بنی امية و بنی عباس، ظالمانه و غاصبانه حکومت را به دست گرفته بودند، و عاملان اصلی به شهادت رساندن امامان بودند، اما بیشتر مردم تسليم این حاکمان شده بودند و با آنان مبارزه نمی‌کردند و وظیفه امری به معروف و نهی از منکر را انجام نمی‌دادند. اگر مردم آن دوره با این حاکمان ظالم، مبارزه می‌کردند، خلافت در اختیار امامان قرار می‌گرفت و آن بزرگواران، پیش از پیش مردم را به سوی توحید و عدل فرامی‌خواندند و جامعه بشری در مسیر صحیح کمال پیش می‌رفت.

۱- این دعای است که بعد از نام بردن از حضرت مهدی گفته می‌شود و به این معناست که خداوند متعال ظهور آن حضرت را تزییک فرماید.
۲- تأییان خاص امام عصر علیه السلام عبارت اند از: عثمان بن سعید (به مدت ۵ سال)، محمد بن عثمان (به مدت ۴۰ سال)، حسین بن روح نویخی (به ۲۱ سال) و علی بن محمد سمری (۳ سال).

۳- پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «آتا و علیٰ أبوا هذِه الأُمَّةِ؛ مِنْ وَ عَلَى بِدْرَانِ أَيْنِ امْتِيمٍ». علل الشرائع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۲۷.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

همان طور که در تاریخ نقل شده است، سختگیری حاکمان بنی عباس نسبت به امام دهم و یازدهم تا حدی شدت یافته بود که آن بزرگواران را در محاصره کامل قرار داده بودند؛ زیرا آنان از اخباری که از پیامبر اکرم ﷺ و سایر امامان رسیده بود، مطلع بودند.

پیامبر اکرم ﷺ دربارهٔ دوازده جانشین خود با مردم سخن گفته بود و امام مهدی علیه السلام را به عنوان آخرین امام و قیام‌کنندهٔ علیه ظلم و برپا کنندهٔ عدل در جهان معرفی کرده بود. امیر المؤمنین علی علیه السلام و سایر امامان نیز از آن حضرت و مأموریتی که از جانب خدا دارد، یاد کرده بودند. به همین دلیل، حاکمان بنی عباس در صدد بودند مهدی موعود علیه السلام را به محض تولد به قتل برسانند.

از این رو، خداوند آخرین ذخیره و حجت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت در شکلی جدید و از پس پرده غیبت ادامه یابد و تا فراهم آمدن شرایط برای تشکیل حکومت جهانی از نظرها پنهان باشد. این غیبت آنقدر ادامه می‌یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره‌مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میانشان بی‌بهره می‌سازد.»^۱

تدبر در قرآن

خداوند در قرآن کریم، علت از دست دادن نعمت‌ها را این‌گونه بیان کرده است:

ذلِكَ يَأْنَ اللَّهُ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا يَعْمَمُهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يَعْبِرُوا مَا يَأْنُسُهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۲

«خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است، تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنها، خود وضع خود را تغییر دهند. همانا که خداوند شنوا و داناست».

با تفکر در این آیه، عبارت‌های زیر را کامل کنید:

۱- اگر مردم نعمتی را که خدا به آنها داده است درست استفاده نکنند،

..... ۲- زمینه‌ساز هلاکت یا عزت و سربلندی یک جامعه

۱- الغيبة، محمدبن ابراهیم نعمانی، مترجم فهری زنجانی، ص ۱۵۹.

۲- سوره انفال، آیه ۵۳.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

چگونگی امامت حضرت مهدی علیهم السلام در عصر غیبت



یا زده پله زین رفت پشت کلکوت
یک قدم بانده زین شوق بکمال دارد

برای درک درست رهبری امام در عصر غیبت، ابتدا باید توجه کنیم که امام را از آن جهت «غایب» نامیده‌اند که ایشان از نظرها «غایب» است، نه اینکه در جامعه حضور ندارد. به عبارت دیگر، ما انسان‌ها هستیم که امام را نمی‌بینیم، نه اینکه ایشان در بین ما نیست و از وضع ما بی خبر است.

امیر المؤمنین علی علیهم السلام می‌فرماید :

«جنت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند ... به نقاط مختلف می‌رود، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند...؛ تا اینکه زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرا می‌رسد. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی و پیروان اوست.»^۱

به دلیل غایب بودن حضرت مهدی علیهم السلام، بهره‌مندی از ایشان در عصر غیبت کاهش می‌یابد. از این رو آن حضرت خود را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده‌اند^۲. در این دوره، نه امکان حکومت و ولایت ظاهری آن امام هست و نه امکان تشکیل جلسات درس و تعلیم معارف و احکام دین توسط ایشان؛ برای همین، این بهره‌مندی، منحصر به «ولایت معنوی» می‌شود که نیازمند به ظاهری‌بودن بین مردم نیست. ایشان به اذن خداوند از احوال انسان‌ها آگاه است، افراد مستعد و بهویژه شیعیان و محبان خویش را از کمک‌ها و امدادهای معنوی خویش برخوردار می‌سازد. امام عصر علیهم السلام در نامه‌ای به شیخ مفید^۳، از علمای بزرگ اسلام، می‌فرماید :

«ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست.»^۴

هم‌اکنون نیز امام عصر علیهم السلام سرپرست، حافظ و یاور مسلمانان است. هدایت باطنی افراد، حل بعضی از مشکلات علمی علماء، خبر دادن از پاره‌ای رویدادها، دستگیری از درمانگان و دعا برای مؤمنان، نمونه‌هایی از یاری رسانی‌های آن حضرت است. چه بسیارند افرادی که از یاری آن امام برخوردار

۱- الغيبة، نعمانی، ص ۱۴۴.

۲- بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۳- شیخ مفید در سال ۲۸۱ ق، به مرجعیت شیعیان رسید و تا سال ۴۱۳ ق، به مدت ۳۲ سال مرجعیت شیعیان را برعهده داشت. شیخ مفید بالغ بر ۲۰۰ عنوان کتاب و رساله تأثیف کرد و شاگردان بزرگی چون سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی را تربیت کرد و در تحکیم جایگاه تشیع در جهان اسلام بسیار مؤثر بود.

۴- الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

می‌شوند، بدون آنکه ایشان را بشناسند.

بنابراین، دوره‌غیبت، به معنای عدم امامت امام عصر علیهم السلام نیست، بلکه رهبری حقیقی مسلمانان هم‌اکنون نیز به‌عهده ایشان است؛ اما این رهبری را انسان‌های عادی حس نمی‌کنند؛ همان‌طور که برخی از انسان‌ها فواید خورشید پشت ابر را درنمی‌یابند و مشاهده نمی‌کنند. اگر شب، عالم را فراگیرد و خورشید هیچ‌گاه طلوع نکند، آن‌زمان است که نعمت وجود خورشید پشت ابر نیز بر همگان روشن خواهد شد.



دانش تکمیلی

برای آشنایی با نمونه‌ای از هدایت معنوی و امداد امام زمان علیهم السلام در عصر غیبت به سایت گروه قرآن و معارف بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

تدبر در قرآن

قرآن کریم، در برخی از آیات درباره آینده زندگی انسان‌ها در زمین سخن گفته و وعده‌هایی داده است.
وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمْكِنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمَّا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...^۱

خداؤند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که آنان را جانشین در زمین قرار دهد، همان‌طور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد، و دینشان را که برای آنان پسندیده مستقر سازد و بیم و ترسشان را به امنیت مبدل سازد. [به گونه‌ای که دیگر] مرا بپرستند و به من شرک نور نزند.

**وَنُرِيدُ أَنْ تَمَّنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ^۲
ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] قرار دهیم و آنان را وارثان [زمین] قرار دهیم.**

**وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ^۳
به راستی در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند.**

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- سوره قصص، آیه ۵.

۳- سوره انبیاء، آیه ۵.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

در این آیات بیندیشید و بگویید چه آینده‌ای برای هریک از موارد زیر بیان شده است؟

- ۱- مؤمنین صالح ۲- مستضعفین
- ۳- بندگان شایسته ۴- دین حق

موعد و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق این وعده الهی (پیروزی حق بر باطل در آینده تاریخ) از یک طرح الهی سخن گفته‌اند. آنان اعلام کرده‌اند که گرچه مستکبران نمی‌خواهند، اما روزی جامعه بشری آماده پذیرش حق خواهد شد و یک رهبر و ولی تعیین شده از جانب خداوند ظهور می‌کند و حکومتی عادلانه در جهان تشکیل می‌دهد.

این عقیده اصلی همه پیامبران الهی است، اما تعلیمات هر پیامبری، جز پیامبر خاتم، دستخوش دگرگونی شد؛ یکی از این دگرگونی‌ها، مربوط به چگونگی ظهور و تشکیل حکومت جهانی بود. با وجود این، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

بیشتر بدانیم

— یهودیان معتقدند که هنوز «مسيح» و منجی نیامده است، روزی مسیح خواهد آمد و دین حضرت موسی ﷺ را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد.

— مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسیٰ ﷺ همان منجی و موعد آخرالزمان است. آنان معتقدند که حضرت عیسیٰ ﷺ در شبی که مأموران به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز بعد او را به صلیب کشیدند و کشتند و سه روز پس از مرگ، از صلیب پایی آوردند و دفن کردند. اما ایشان زنده شد و از قبر به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد.^۱

— در آیین زرتشتی، اعتقاد به سُوشیانت که به معنای منجی و رهانده است، اعتقاد رایجی است و در متون زرتشتی به ظهور این موعد بشارت داده شده است.^۲

موعد در اسلام

ما مسلمانان نیز مانند پیروان سایر ادیان الهی عقیده داریم که در آخرالزمان منجی انسان‌ها، ظهور خواهد کرد و جهان را به نهایت عدل خواهد رساند. این منجی، امام مهدی ﷺ است که از نسل پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد.

۱- قرآن کریم، کشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسیٰ ﷺ را به صراحت رد می‌کند و می‌فرماید که «آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند» (سوره سباء، آیه ۱۵۷).

۲- «سوشیات» یا «سیر اندیشه ایرانیان درباره موعد آخرالزمان» از علی اصغر مصطفوی.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

در کتاب‌های حدیثی اهل سنت تأکید شده که امام «مهدی» علیه السلام از نسل پیامبر اکرم ﷺ و حضرت فاطمه زینب علیهم السلام است، البته آنان معتقدند که امام مهدی علیه السلام هنوز به دنیا نیامده است.^۱

ما شیعیان، بنا بر سخنان صریح پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام، معتقدیم که موعد و منجی انسان‌ها، دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و با توجه خاص خداوند، به حیات خود ادامه می‌دهد تا اینکه به اذن خداوند ظهور می‌کند و حکومت جهانی اسلام را تشکیل می‌دهد. مشخص بودن پدر و مادر امام زمان علیه السلام، این فایده را دارد که اگر ماجراجویان فربیکاری بخواهند خود را مهدی موعد معرفی کنند، به زودی شناخته می‌شوند و مردم هوشیار، فریب آنها را نمی‌خورند.

اعتقاد به زنده بودن آن حضرت و حضور ایشان در جامعه، دارای فواید زیب است :
اول اینکه، پیروان آن حضرت، از یک سو، امام خود را حاضر و ناظر بر خود می‌یابند و از سوی دیگر، آنان می‌توانند خواسته‌های خود را با امام خود همانند دوستی صمیمی در میان بگذارند و برای بدست آوردن رضایت ایشان، تلاش کنند.
دوم اینکه، جامعه به صورت‌های گوناگون از هدایت‌های امام و ازوایت معنوی ایشان برخوردار می‌گردد.

مسئولیت‌های منتظران

اکنون ببینیم ما دوستان و پیروان حضرت چه وظایفی در دوران غیبت بر عهده داریم :

۱- تقویت معرفت و محبت به امام :

پیامبر و امام از پدر و مادر نیز برای مؤمنان مهربان ترند و آنان که چنین معرفتی را به دست آورده‌اند، محبت بیشتری به پیامبر و امام دارند.

پیامبر اکرم ﷺ در سخنانی ضمن معرفی همه امامان، درباره امام عصر علیه السلام می‌فرماید :

«هر کس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر علیه السلام را بپذیرد». ^۲


شناخت جایگاه امام در پیشگاه الهی، آشنایی با شیوه حکومت‌داری ایشان به هنگام ظهور، آشنایی با ویژگی‌های ایشان در سخنان معصومین علیهم السلام از عوامل مؤثر در شناخت و محبت به امام زمان علیه السلام و از بین رفتن تردیدهاست.

۱- تاریخ بخاری، ج ۳، ص ۳۴۳؛ المهدی، سید صدرالدین صدر، ج ۴، ص ۱۰۷ و مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۵۵۷.

۲- بحار الانوار، مجلسی، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تفکر در حدیث

با توجه به توضیحات قبل، با تفکر در این حدیث بگویید ما چگونه می‌توانیم امام زمان خویش را بشناسیم؟

پیامبر اکرم ﷺ

مَنْ ماتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ هُرَّ كُسْ بَمِيرَدْ وَ إِمَامَ زَمَانَ خُودَ رَا نَشَانِدْ،
مَاتَ مَيْتَهَ جَاهِلِيَّهَ^۱ بَهْ مَرْگْ جَاهِلِيَّهَ مَرْدَهْ است.

۲- پیروی از فرمان‌های امام عصر ﷺ: منتظر حقيقة تلاش می‌کند که در عصر غیبت، پیرو امام خود باشد و از ایشان تعیت کند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«خوشابه حال کسی که به حضور «قائم» برسد، در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد».^۲

مراجعةه به عالمان دین، عمل به احکام فردی و اجتماعی دین و مقابله با طاغوت از جمله دستورات امام زمان ﷺ است که پیروان آن حضرت به دنبال انجام آن هستند. به عنوان نمونه، تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و برکنار کردن حاکمان ستمگر یکی از علامت‌پیروی از امام عصر ﷺ است.

۳- آماده کردن خود و جامعه برای ظهور: منتظر، عصر غیبت را عصر آماده‌باش برای یاری امام می‌داند و خود را سربازی برای یاری آن حضرت به حساب می‌آورد. او هر لحظه منتظر است ندای امام ﷺ در جهان طینی انداز شود و مردم را برای پیوستن به حق فراخواند.

امام علی علیه السلام درباره کسانی که با امام زمان ﷺ بیعت می‌کنند، می‌فرماید:

«امام با این شرط با آنها بیعت می‌کند که در امانت خیانت نکنند، پاک دامن باشند، اهل دشنا و کلمات زشت نباشند، به ظلم و ستم خون‌ریزی نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق آزار ندهند، ساده‌زیست باشند و بر مركب‌های گران قیمت سوار نشوند، لباس‌های فاخر نپوشند، به حقوق مردم تجاوز نکنند، به یتیمان ستم نکنند، دنبال شهوت‌رانی نباشند، شراب نتوشنند، به پیمان خود عمل کنند، ثروت و مال را احتکار نکنند ... و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند».^۳

۱- الفدیر، علامه امینی، ج ۱۰، ص ۳۵۹، به نقل از بزرگان اهل سنت مانند تقی‌زاده در کتاب شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۷۵.

۲- «قائم» یکی از لقب‌های امام زمان ﷺ و به معنای قیام کننده است.

۳- بخار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۴- الملاحم و الفتنه، سید ابن طاووس، ص ۱۴۹.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

فیلم (۲) : چگونه زمینه‌ساز ظهور شویم؟ 

اما چه کسانی می‌توانند در هنگام ظهور این ویژگی‌ها را داشته باشند؟
کسانی که قبل از ظهور آن امام، در صحنه فعالیت‌های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبهه حق حضوری فعال داشته باشند و با استادگی در مقابل شیاطین درون و برون، ویژگی‌هایی همچون شجاعت، عزت نفس و پاک‌دامنی را در خود پرورانده باشند.

کسی که در عصر غیبت تنها با گریه و دعا سر کند و در صحنه نبرد حق طلبان علیه مستکبران حضور نداشته باشد، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی علیهم السلام به امام مهدی علیه السلام خواهد گفت : «تو و پروردگارتر بروید و بجنگید، ما اینجا می‌شینیم».^۱
همان‌طور که برخی جامعه‌شناسان گفته‌اند، پویایی جامعه شیعه در طول تاریخ، به دو عامل وابسته بوده است :



۱- **گذشته سرخ**؛ یعنی اعتقاد به عاشورا، آمادگی برای شهادت و ایشار.

۲- **آینده سبز**؛ یعنی انتظار برای سرنگونی ظالمان و گسترش عدالت در جهان، زیر پرچم امام عصر علیه السلام.

یاران امام، پیشتازان تحول جهانی و سازندگان تمدن اسلامی‌اند. هسته مرکزی این یاران ۳۱۳ نفر، به تعداد یاران

پیامبر اکرم صلوات الله عليه وسلم در جنگ بدراستند که بنا به فرموده امام باقر علیه السلام تعدادی از آنان از زنان‌اند.^۲
همچنین در احادیث آمده است که بیشتر یاران امام را جوانان تشکیل می‌دهند.^۳

فیلم (۳) : ویژگی یاران امام زمان علیه السلام 

بیشتر بدانیم

رهبر معظم انقلاب اسلامی دریاره ویژگی‌های منتظران می‌فرماید :
انتظاری که از آن سخن گفته‌اند فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما

۱- اشاره به آیه ۲۴ سوره مائدہ.

۲- بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۳، ص ۲۲۳.

۳- الغیبة، نعمانی، ص ۱۰۷.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

باید خود را برای سربازی امام زمان ع آماده کنیم. سربازی امام آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی، آگاهی و روش‌بینی دارد. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان ع خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم. نه، برعکس. ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم.

۴— دعا برای ظهور امام : در انتظار ظهور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است؛ زیرا فرج و گشایش واقعی برای دین داران با ظهور آن حضرت حاصل می‌شود. امیر مؤمنان ع می‌فرماید : «منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب‌ترین کارها تزد خداوند، انتظار فرج است».^۱ لازمه این انتظار، دعا برای ظهور امام عصر ع است.

نگاهی به جامعه مهدوی

امام عصر ع زمانی ظهور می‌کند که مردم جهان از همه مکتب‌های غیرالله و مدعیان برقراری عدالت در جهان ناامید شده‌اند و با تبلیغی که منتظران واقعی کرده‌اند، دل‌های مردم به سوی آن منجی الهی جلب شده است. بیشتر مردم همین که ندای امام و طرفداران ایشان را می‌شنوند، با شوق به سوی آن حضرت می‌شتابند. اما مستکبران و ظالمان در مقابل امام می‌ایستند که در نهایت شکست می‌خورند و حکومت جهانی امام تشکیل می‌شود. با تشکیل حکومت امام عصر ع همه اهداف انبیا تحقق می‌یابد. در میان این اهداف به چند مورد آن اشاره می‌کنیم :

۱— **عدالت‌گستری** : پیامبر اکرم ص فرمود : «با ظهور امام عصر ع خداوند زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد، بعد از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد».^۲

در جامعه مهدوی، قطب مرقه و قطب فقیر، طبقه مستکبر و طبقه مستضعف وجود ندارد. امام باقر ع درباره وضعیت اقتصادی مردم پس از ظهور، می‌فرماید : «آن‌چنان میان مردم مساوات برقرار می‌کند که نیازمندی پیدا نخواهد شد تا به او زکات داده شود».^۳

۲— **آبادانی** : برکت و آبادانی همه سرزمین‌ها را فرا می‌گیرد. برای مثال، اگر کسی سرزمین‌های بین عراق و شام را که بسیاری از قسمت‌های آن در حال حاضر کویری است، پیماید، همه را سرسیز و خرم خواهد دید.^۴

۱— الخصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۱۶، تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۱۰۴.

۲— النبیة، طوسي، ص ۴۹.

۳— حکومت جهانی حضرت مهدی ع، ناصر مکارم شیرازی، ص ۲۶۶.

۴— الخصال، صدوق، ج ۲، ص ۶۲۶.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

۳- شکوفایی عقل و علم : این دوران زمان کامل شدن عقل‌های آدمیان است و با لطف و توجه ویژه‌ای که امام زمان علیهم السلام به همه انسان‌ها می‌کند عقل آنان کامل می‌شود.^۱

۴- امنیت کامل : در آن دوران، اگر کسی از شرق یا غرب عالم، شب یا روز، زن یا مرد و به تنها بی به سمت دیگر حرکت کند، احسان نامنی و ترس نمی‌کند^۲، از دزدی اموال و ثروت دیگران خبری نیست.

۵- فراهم شدن زمینه رشد و کمال : از همه موارد فوق مهم‌تر اینکه، در جامعه مهدوی زمینه‌های رشد و تکامل همه افراد فراهم است. انسان‌ها بهتر می‌توانند خدا را بندگی کنند، فرزندان صالح به جامعه تقدیم نمایند و خیرخواه دیگران باشند. بدین ترتیب، انسان‌ها به هدفی که خدا در خلقت برای آنها تعیین کرده، بهتر و آسان‌تر می‌رسند.

اندیشه و تحقیق

- ۱- از دیدگاه قرآن کریم، آینده تاریخ از آن چه کسانی است؟
- ۲- معتقد بودن به انتظار، چه تأثیرهایی بر شخصیت فرد منظر دارد؟
- ۳- این جمله را تحلیل کنید : «منتظران مصلح، خود باید صالح باشند».

پیشنهاد

۱- یکی از دعاهای مهمی که ارتباط ما را با امام عصر علیهم السلام تقویت می‌کند، دعای عهد است. این دعا را در کتاب مفاتیح الجنان بیایید؛ آن را مطالعه کنید و بینید که در این دعا چه عهدی مطرح شده است.

مشتاق و منظر امام زمان علیهم السلام این گونه با خود نجوا می‌کند :

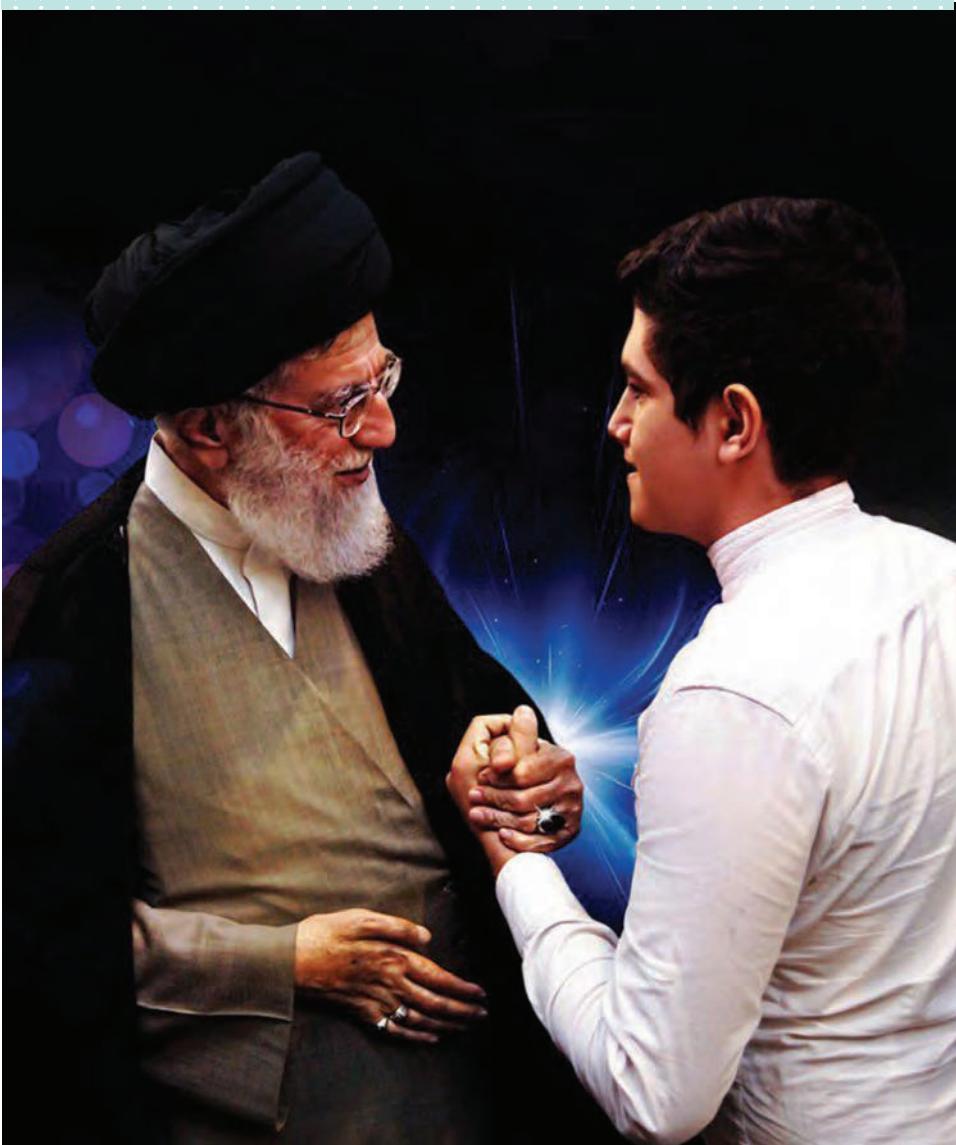
عمری است که از حضور او جاماندیم در غربت سرد خویش تنها ماندیم
او منظر است تا که ما برگردیم مایم که در غیبت کبری ماندیم
و از عدم آمادگی خود و جامعه سخن می‌گوید که :

قطعه کمده‌ای از پر پرواز کم است یازده بار شمردیم و یکی باز کم است
عرق شرم زمین است که سر باز کم است این همه آب که جاری است ناقیوس است

۱- بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۲- بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّدِيقِينَ
 ما كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ
 ١١٩ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ
 عَنْ نَفْسِهِمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَلَماً وَلَا نَصْبُ
 وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْعُونَ مَوْطِئًا
 يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلًا إِلَّا
 كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَلِحٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ
 أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ١٢٠ وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً
 صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًّا إِلَّا
 كُتِبَ لَهُمْ لِيَجِزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ١٢١ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَةً
 فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ
 لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنَذِّرُوا قَوْمَهُمْ
 ١٢٢ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ترجمه

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با کسانی باشید که

راستگویند 

مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیراموشان حق ندارند از همگامی با رسول خدا سر باز بزند و نباید [جان خود را از جان پیامبر عزیزتر بدارند و] به خود پردازند.

چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و در هیچ سرزمینی که کافران را به خشم می‌آورد گام نمی‌نهند و از هیچ دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه برای آنان در برابر هریک از آنها عملی شایسته

نوشته می‌شود و خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند. 

هیچ مال کم یا زیادی را اتفاق نمی‌کنند و هیچ مسافت و وادی ای را نمی‌پیمایند، مگر اینکه برای آنان نوشته می‌شود، تا خدا آنان را به بهتر از آنچه

می‌کردند پاداش دهد. 

و نمی‌شود که مؤمنان، همگی اعزام شوند، پس چرا از هرگروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا داشت دین را [به طور عمیق] بیاموزند و آنگاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را هشدار دهند، باشد که آنان [از کیفر الهی]

بترسند. 

درس دهم

مرجعیت و ولایت فقیه

همان طور که در درس‌های گذشته عنوان شد، دو مورد از مسئولیت‌های رسول خدا ﷺ، پس از ایشان به ائمه اطهار ﷺ منتقل شد و آنان به عنوان حجت‌های خدا در روی زمین، این مسئولیت‌ها را بر عهده گرفتند و در همین راستا، به ارشاد و هدایت مردم برخاستند و برای برپایی حکومت الهی و اقامه قسط و عدل، جهاد و مبارزه کردند.

در این درس به بررسی پاسخ دو سؤال زیر می‌پردازیم :
آیا این دو مسئولیت در دوره غیبت کبری استمرار می‌یابد؟
یا مردم به خود واگذار شده‌اند و دین در این زمینه برنامه‌ای ندارد؟

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تدبر در قرآن

خداؤند در قرآن کریم می فرماید :

وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لَيَتَفَرَّوْا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَنَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ^۱

و نمی شود که مؤمنان، همگی [برای آموزش دین] اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را [به طور عمیق] بیاموزند و آن گاه که به سوی قوم خویش بازگشته باشند، آنها را هشدار دهند، باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند.

با توجه به آیه بالا به سؤال های زیر پاسخ دهید :

- ۱- به نظر شما، چرا خداوند حتی در زمان پیامبر و با وجود حضور ایشان، عده ای را تشویق به فراغیری علم دین می کند؟

- ۲- آیا آموختن عمیق دین و بیان تعالیم آن، اختصاص به زمان پیامبر دارد؟ چرا؟

ضرورت تداوم مسئولیت های امام در عصر غیبت

از آنجا که دین اسلام همیشگی و برای همه دوران هاست، عقلانه ضروری است که این دو مسئولیت یعنی «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» در عصر غیبت ادامه یابد؛ زیرا :

۱- اگر «مرجعیت دینی» ادامه نیابد، یعنی متخصصی نباشد که احکام دین را بداند و برای مردم بیان کند و پاسخگوی مسائل جدید مطابق با احکام دین نباشد، مردم با وظایف خود آشنا نمی شوند و نمی توانند به آن وظایف عمل کنند.

۲- اگر «ولایت ظاهری» ادامه نیابد و حکومت اسلامی تشکیل نشود، نمی توان احکام اجتماعی اسلام را که نیازمند مدیریت و پشتونه حکومتی است، در جامعه به اجرا درآورد. حال سؤال این است که در دوره غیبت، مسئولیت های مربوط به امامت، چگونه ادامه می یابد و مسلمانان از چه راهی به احکام و قوانین دین، دسترسی پیدا می کنند و این قوانین چگونه در جامعه پیاده می شود؟

فیلم : اثبات ولایت فقیه در پنج دقیقه 

۱- سوره توبه، آیه ۱۲۲

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

راهکار پیامبر و امامان ﷺ برای عصر غیبت

در زمان ائمه علیهم السلام، مردمانی در شهرهای دوردست بودند که به امامان دسترسی نداشتند و نمی‌توانستند احکام دین را از ایشان بشنوند و از فرمان‌های آنان مطلع شوند. از این‌رو، آن بزرگواران دانشمندانی را تربیت می‌کردند که در حدّ توان به معارف و احکام دین دست یابند. این دانشمندان به نقاط مختلف شهر خود و یا شهرهای دیگر می‌رفتند و احکام اسلام را به مردم می‌آموختند. اگر مردم نیز پرسشی داشتند، آنان براساس دانشی که از قرآن کریم و روایات داشتند، به آن پرسش پاسخ می‌دادند.

بیشتر بدانیم

۱- یکی از یاران امام رضا علیه السلام به امام عرض کرد: برای من مشکل است که در هر زمانی نزد شما بیایم و معارف دینی را از شما بگیرم. امام به ایشان فرمود: «می‌توانی از زکریای قمی که از نظر دین و دنیا امین است، بپرسی!»^۱

۲- ابو عماد رازی می‌گوید: در سامرا به نزد امام هادی علیه السلام رفتم و از بعضی مسائل حلال و حرام پرسیدم. چون قصد بازگشت داشتم حضرت فرمود: «جنانچه در امور دینی در [تشخیص] حلال و حرام، مسئله‌ای بر تو دشوار شد، از عبدالعظیم حسنی سوال کن و سلام مرا به او برسان!»^۲

این روش، برگرفته از قرآن کریم است. خداوند در قرآن کریم دستور می‌دهد گروهی از مردم، وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به «تفقه» در آن بپردازنند تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند. تفقة، به معنای تلاش برای کسب معرفت عمیق است. افرادی که به معرفت عمیق در دین می‌رسند و می‌توانند قوانین و احکام اسلام را از قرآن و روایات بدست آورند، «فقیه» نامیده می‌شوند. مسلمانان وظیفه دارند در زمان غیبت امامان یا عدم امکان دسترسی به ایشان، به این فقیهان مراجعه کنند. به احادیثی از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام در این زمینه توجه کنید:

۱- پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت‌تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است؛ زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی، حکم و نظر امام را نمی‌داند. البته اگر کسی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگران را که به احکام ما آشنا نیستند،

۱- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲۷، ص ۱۴۶.

۲- عبدالعظیم الحسنی یکی از علمای شیعه بود که محضر مبارک امام رضا و امام محمد تقی و امام هادی علیهم السلام را درک کرده و احادیث فراوانی از آنان روایت کرده است.

۳- مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۷، ص ۲۲۱.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

راهنمایی کند و دستورات دین را به آنها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود». ۱
۲- امام عصر طیلی در پاسخ یکی از یاران خود به نام اسحاق بن یعقوب که درباره «رویدادهای جدید» عصر غیبت سؤال کرد و راه چاره را پرسید، فرمود:

وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَأَرْجِعوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتٌ لَّكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ^۲
«و در مورد رویدادهای زمان به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنها می‌باشم». ۳

این روایات بیانگر آن است که مسلمانان در غیبت امام، نه تنها در احکام و مسائل فردی، بلکه در مسائل اجتماعی هم، باید به «فقیه» مراجعه کنند. روشن است که انجام چنین وظیفه‌ای، جز با نفی حاکمان طاغوت و تشکیل «حکومت اسلامی» به رهبری فقیه میسر نیست.

بنابراین:

در دوره غیبت، بنا به فرمان امام زمان طیلی و به نیابت از ایشان، «فقیهان» واجد شرایط، دو مسئولیت «مرجعیت دینی» و «ولايت ظاهری» را بر عهده دارند و در حد توان، جامعه اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می‌کنند.

در این میان، گروهی از فقیهان، احکام و قوانین دین را در اختیار مردم قرار می‌دهند. کسانی که در احکام دین متخصص دین نیستند، به این متخصصان مراجعه می‌کنند و احکام دین را از آنان می‌آموزند. این مراجعه را پیروی یا «تقلید» می‌گویند. البته این مراجعه، یک روش رایج عقلی است؛ یعنی انسان در امری که تخصص و مهارت ندارد، به متخصص آن مراجعه می‌کند. پس، تقلید در احکام، به معنای رجوع به متخصص دین است. چنین فقیهی را نیز مرجع تقلید می‌نامند.

همچنین از میان فقیهان کسی که توانایی سرپرستی و ولايت جامعه را دارد، عهدهدار حکومت می‌شود و قوانین الهی را در جامعه به اجرا درمی‌آورد. فقیهی که این مسئولیت را بر عهده می‌گیرد، ولی فقیه^۴ می‌گویند.

بدین ترتیب در عصر غیبت:

«مرجعیت دینی» در شکل «مرجعیت فقیه» ادامه می‌یابد و «ولايت ظاهری» به صورت «ولايت فقیه» استمرار پیدا می‌کند.

۱- مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۷، ص ۳۱۷، ح ۲۱۴۵۸.

۲- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۳.

۳- مقصود امام از راویان حدیث: مقصود امام در اینجا، آن دسته از راویان حدیث هستند که بتوانند رویدادهای جدید زمان را بشناسند و توانایی تفکه در حدیث را داشته باشند و با مراجعه به احادیث، حکم درست آن رویداد را برای مردم بیان کنند.

۴- ولی به معنای حاکم و سرپرست است. ولی فقیه، یعنی حاکمی که در داشتن دین تخصص دارد و به فهم عمیق رسیده است.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

شرایط مرجع تقلید

- ۱- بانقو^۱ باشد. ۲- عادل^۲ باشد. ۳- زمانشناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز، به دست آورد. ۴- اعلم باشد؛ یعنی از میان فقهاء از همه عالم تر باشد.

راههای شناخت مرجع تقلید

شناخت متخصص در احکام دین، مانند شناخت هر متخصص دیگر است. ما همان طور که برای یافتن بهترین پزشک، معمار یا مهندس، تحقیق و جستجو می کنیم، برای شناخت فقیه واجد شرایط نیز باید تحقیق نماییم و یکی از راههای زیر را پیش گیریم.

- ۱- از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتواند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهد، بپرسیم.
۲- یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.

فعالیت کلاسی

شما با چه روشی مرجع تقلید خود را انتخاب کرده اید؟ اگر کسی که به سن تکلیف رسیده است، مرجع تقلید خود را انتخاب نکند، اعمال وی چگونه خواهد بود؟

شرایط ولی فقیه

- فقیهی که رهبری جامعه اسلامی را بر عهده می گیرد باید شرایط زیر را داشته باشد :
- ۱- بانقو باشد. ۲- عادل باشد. ۳- زمانشناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز به دست آورد. ۴- مدیر و مدبر باشد و بتواند جامعه را در شرایط پیچیده جهانی رهبری کند. ۵- شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس و واهمه، در برابر زیاده خواهی دشمنان بایستد. در اجرای احکام دین از کسی نرسد و با قدرت، در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند.

حکومت و رهبری فقیهی که شرایط فوق را دارد، مشروع است؛ یعنی دین به او اجازه رهبری مردم را داده است. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است.^۳

علاوه بر این، ولی فقیه باید از جانب مردم پذیرفته شده باشد تا بتواند کشور را اداره کند و به پیش بیرد. یعنی، فقیه باید نزد مردم جامعه خود، «مقبولیت» داشته باشد.

پس تشکیل نظام و حکومت اسلامی، بر دو پایه «مشروعیت» و «مقبولیت» استوار است.

- ۱- تقوا یک حالت و قدرت روحی است که مانع رفتن انسان به سوی گناه می شود و مانند حافظ و نگهدارنده از گناه عمل می کند.
۲- عدالت، مراتب پایامبر و امام به معنای دوری از هرگونه ظلم است. عدالت فقیه باید آن قدر باشد که به ندرت از وی گناه سر بر زند. عدالت یک فرد عادی باید به اندازه ای باشد که مردم به وی اعتماد کنند و به دروغگویی و گناه مشهور نباشند.
۳- صحیفه امام خمینی، ج ۹، ص ۲۵۳

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

چگونگی انتخاب ولیٰ فقیه

از آنجا که ولیٰ فقیه، بیان کنندهٔ قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب ولیٰ نمی‌تواند مانند انتخاب مرجع تقليید باشد؛ یعنی نمی‌شود که هر کس به طور جداگانه برای خود ولیٰ فقیه انتخاب کند؛ زیرا ادارهٔ جامعه تنها با یک مجموعهٔ قوانین و یک رهبری امکان‌پذیر است؛ در غیر این صورت، هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می‌آید و این، یک امر روشن و بدیهی در تمام نظام‌های سیاسی دنیاست. پس، مردم در انتخاب ولیٰ فقیه باید به صورت دسته‌جمعی اقدام کنند و فقیهی را که شرایط رهبری دارد، با آگاهی و شناخت پذیرند، به‌وی اعتماد و اطمینان کنند و رهبری جامعه را به‌وی بسپارند.

مردم کشور ما در زمان انقلاب اسلامی به شیوه‌ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راهپیمایی‌های سراسری، ولایت امام خمینی رهبری را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند.

اکنون نیز بنابر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبرهٔ خود را انتخاب می‌کنند و آن خبرگان نیز از میان فقهاء آن کسی را که برای رهبری شایستهٔ ترشیح دهند، به جامعه اعلام می‌کنند. بر این مبنای بود که پس از رحلت امام خمینی رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مسئولیت رهبری جامعه را بر عهده گرفتند. طبیعی است که چنین فقیهی تا وقتی رهبر جامعه است که شرایط ذکر شده را داشته باشد. تشخیص این امر نیز بر عهدهٔ مجلس خبرگان است.

دانش تكميلي

اگر می‌خواهید بدانید چرا برخی از فتواها و نظرات فقیهان درخصوص برخی موضوعات دینی متفاوت است، به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تكميلي» مراجعه کنید.

وظایف رهبر (ولیٰ فقیه)

برخی از وظایف رهبر جامعه اسلامی که از قرآن کریم، روایات و سیرهٔ معصومین بزرگوار علیهم السلام به‌دست می‌آید، عبارت‌اند از :

۱- تلاش برای اجرای احکام و دستورات الهی در جامعه : رهبر جامعه اسلامی می‌کوشد جامعه مطابق با دستورات دین اداره شود و مردم از مسیر قوانین الهی خارج نشوند.

۲- حفظ استقلال کشور و جلوگیری از نفوذ بیگانگان : کشورهای بیگانه، به‌خصوص قدرت‌های بزرگ، همواره در صدد سلطه بر کشورهای دیگراند و از روش‌های مختلف برای رسیدن به این هدف استفاده می‌کنند. یکی از روش‌های آنان فشار اقتصادی و روانی است. رهبر با دعوت مردم به استقامت و پایداری و بستن راه‌های سلطه، تلاش می‌کند عزت و استقلال کشور از دست نزود.

۳- تصمیم‌گیری براساس مشورت : از آنجا که اداره یک جامعه و رهبری آن به سوی پیشرفت و

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

عدالت و تعالی، با بهره‌گرفتن از اندیشه‌های اندیشمندان و متخصصان میسر است، رهبر باید با مشورت با نخبگان تصمیم‌های لازم را بگیرد. امروزه در جامعه‌ما، علاوه بر اشخاص، نهادهای مختلفی اند که به صورت پیوسته به رهبری مشورت می‌دهند، مانند: مجمع تشخیص مصلحت نظام، سورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی امنیت ملی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شورای عالی حوزه‌های علمیه.

۴- ساده‌زیستی: رهبر به دنبال توسعهٔ مال و ثروت و تشکیل یک زندگی اشرافی و تجملاتی حتی از طریق مشروع نیست. اگرچه امروزه زندگی اشرافی رؤسای جمهور و پادشاهان، از قبیل داشتن خانه‌های گران‌قیمت، استفاده از بهترین سرویس‌ها و مبلمان در خانه، استراحت و تفریح در زیباترین سواحل و جزایر دنیا، داشتن ده‌ها اتومبیل شیک، برگزاری مهمانی‌های پرهزینه و شرکت در مجالس لهو، با هزینهٔ شخصی یا با استفاده از اموال عمومی، یک امر عادی است، اما رهبر با الگو قراردادن اولیای دین، همواره یک زندگی ساده را دنبال می‌کند.^۱

مردم و رهبری

همان‌طور که بیان شد، رهبر جامعه اسلامی، رهبری کسانی را بر عهده دارد که می‌خواهند در سایهٔ قوانین اسلام به رستگاری برسند.

در چنین جامعه‌ای، همان‌طور که مسئولیت رهبری با سایر رهبران متفاوت است، مردم نیز نگاهی متفاوت به رهبری دارند؛ رهبر برای آنان پیشوایی است که با قدم‌گذاشتن در مسیر کمال و عدالت، سایر مردم را به پیمودن راه فرا می‌خواند. مردم نیز تلاش می‌کنند با همت و پشتکار خود وی را همراهی کنند و قافله‌سالار را در همهٔ عرصه‌ها و به خصوص در آنجا که سختی‌ها بروز می‌کنند، تنها نگذارند. در حقیقت، در نظام و حکومت اسلامی، مشارکت و همراهی مردم پایهٔ و اساس پیشرفت است و بدون حضور و مشارکت آنان حکومت اسلامی دستاوردی نخواهد داشت.

با توجه به نکات فوق، مردم نیز مسئولیت‌هایی نسبت به رهبر دارند که برخی از آنها عبارت‌اند از:
۱- وحدت و همبستگی اجتماعی: همان‌طور که تفرقه و پراکندگی، به سرعت یک حکومت را از پای درمی‌آورد و سلطه‌گران را بر کشور مسلط می‌کند، همبستگی اجتماعی، کشور را قوی می‌کند و به رهبری امکان می‌دهد که برنامه‌های اسلامی را به اجرا درآورد.^۲

۱- به عنوان مثال در سال ۲۰۱۱، مراسم ازدواج نوءهٔ ملکه انگلیس با هزینه‌ای حدود ۲۰ میلیون پوند برگزار شد و این کشور به مدت چهار روز چهت هرچه باشکوه‌تر برگزار شدن این مراسم تعطیل شد. هزینهٔ این ازدواج، از جیب مالیات‌دهندگان این کشور، تأمین شد. همچنین در سفر تراپ، رئیس جمهور امریکا به عربستان، این کشور هدایایی مانند کشتی تفریحی به ارزش ۸۰ میلیون دلار، شمشیر طلای ۲۵ کیلوگرمی به ارزش ۲۰ میلیون دلار، و ... به تراپ هدیه کرد.

۲- سوره آل عمران، آیه ۳۰؛ سوره افال، آیه ۴۶.

هیو۱؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

۲- استقامت و پایداری در برابر مشکلات: هر کشوری در مسیر رسیدن به استقلال و کمال با مشکلات بزرگ و کوچکی روبرو می‌شود؛ همان‌گونه که کشور ما از ابتدای انقلاب اسلامی مورد تهاجم دشمنان قرار گرفت. پس مردم باید با استقامت خود، فرصت و توان مقابله با مشکلات داخلی و خارجی را برای رهبر فراهم کنند.^۱

۳- افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی: برای تصمیم‌گیری صحیح در برابر قدرت‌های ستمگر دنیا، اطلاع از شرایط سیاسی و اجتماعی جهان، ضروری است. ما باید بتوانیم به گونه‌ای عمل کنیم که بیشترین ضربه را به مستکبران و نقشه‌های تفرقه‌افکنانه آنان بزنیم و خود کمترین آسیب را بیینیم. ناراحتی دشمنان از عمل ما یا خوشحالی و شادی آنان از رفتار ما، می‌تواند یکی از معیارهای درستی و نادرستی عملکرد ما باشد.^۲

۴- مشارکت در نظارت همگانی: براساس فرمان خداوند، همه افراد جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر مسئول اند و مانند سوارشیدگان در یک کشتی اند. اگر گناهانی در جامعه رواج پیدا کند، فقط گناهکاران عذاب نمی‌شوند، بلکه همه کسانی که در برابر انجام گناه در جامعه سکوت کرده‌اند نیز باید پاسخگو باشند. بنابراین، همه ما باید ناظر بر فعالیت‌های اجتماعی باشیم و در صورت مشاهده گناه توسط هر کس، وظيفة امر به معروف و نهی از منکر را با روش درست انجام دهیم. این مشارکت سبب می‌شود که رهبر، همه افراد جامعه را پشتیبان خود بداند و هدایت جامعه به سمت وظایف اسلامی برای رهبر جامعه آسان‌تر شود.

۵- اولویت دادن به اهداف اجتماعی: در برخی موارد که اهداف و آرمان‌های اجتماعی در برابر منافع فردی قرار می‌گیرند، باید بتوانیم از منافع فردی خود بگذریم و برای اهداف اجتماعی تلاش کنیم؛ مثلاً خرید کالای ایرانی سبب می‌شود که کارخانه‌های داخلی به تولید خود ادامه دهند و مانع بیکاری صدها هزار کارگر شوند. این عمل، به طور غیرمستقیم سبب کاهش بیکاری شده و کمک خوبی به حکومت و رهبری است که بتوانند در اداره جامعه موفق‌تر باشند.^۳

بیشتر بدانیم

مدافعان حرم

با نگاهی به تاریخ اسلام و وقایع دوران انقلاب اسلامی و پس از آن، درمی‌یابیم که مشارکت و همکاری مردم و حمایت و پشتیبانی از رهبر، منافع بزرگی را برای اسلام و کشور به ارمغان آورده‌اند. یکی از این موارد، مجاهدانی هستند که امروزه به نام «مدافعان حرم» مشهور شده‌اند. اگر نگاهی به وضعیت کشورهای اسلامی

۱- سوره هود، آیه ۱۱۲.

۲- سوره انفال، آیه ۶۰.

۳- بیشتر نکاتی که در این ۵ بند آمده، از عهده‌نامه امیر المؤمنین به مالک اشتر و خطبه‌های ۳۴ و ۱۰۷ نهج البلاغه استخراج شده است.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

در یک دهه اخیر بگیم، می‌بینیم که در یک نقشهٔ طراحی شده توسط سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای مستکبر، تمام جهان اسلام در دو قارهٔ آسیا و آفریقا عرصهٔ تاخت و تاز تروریست‌ها شدند. این تروریست‌ها، به هر کار خلاف عقل و انسانیت دست می‌زنند و سبب بدنامی مسلمانان و اسلام در دنیا می‌شوند. تحلیل‌گران واقع‌بین می‌دانند که هدف اصلی این پدیده، علاوه بر بدنام کردن مسلمانان در جهان، نامن کردن کشور ایران نیز بوده است. در حالی که دو کشور عراق و سوریه به کانون اصلی تروریست‌ها تبدیل شده بود و بیم آن می‌رفت که کل این دو کشور به دست تروریست‌ها بیفتاد، این جوانمردان، زندگی و حیات خود را که بزرگ‌ترین منفعت فردی آنان بود، فدای حفظ امنیت و ناموس کشور کردند و نه تنها تروریست‌ها در آن کشورها را زمین‌گیر نمودند، بلکه به تدریج زمینهٔ فروپاشی سازمان مخوف آنها را فراهم ساختند.

وظیفه کارگزاران

کارگزاران، همان مدیران و مسئولان جامعه‌اند که امروزه امور سه قوهٔ مقننه، مجریه و قضائیه را بر عهده دارند. در واقع، کارگزاران یاران و کمک‌کنندگان به رهبرند. اگر کارگزاران جامعه، وظیفهٔ خود را به درستی بشناسند و هم به درستی اجرا کنند، اعتماد مردم به حکومت، روز به روز افزایش می‌یابد. همچنین عملکرد غلط کارگزاران، سبب افزایش و انباسته‌شدن مشکلات و ناکارآمدی حکومت خواهد شد.

تفکیک

امیر المؤمنین علی علیه السلام در «عهده‌نامهٔ مالک اشتر» حکیمانه و عالمانه مسئولیت کارگزاران را بیان کرده است و هر کس، آن را مطالعه کند، به عظمت فکر و درایت آن حضرت در کشورداری بی‌می‌برد. ایشان در این نامه، وقتی مسئولیتی را بیان می‌کند، علت آن را هم برای مالک اشتر توضیح می‌دهد. بخش‌هایی از عهده‌نامهٔ مالک که در اینجا آمده‌است را مطالعه کنید و سپس مسئولیت‌ها و علت آنها را مشخص کنید.

- ۱- دل خویش را نسبت به مردم، مهربان کن و با همه، دوست و مهربان باش؛ چرا که مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر در آفرینش همانند تو هستند.
- ۲- در به دست آوردن رضایت عموم مردم سعی و تلاش کن نه در جلب رضایت خواص؛ که با وجود رضایت عمومی، خشم خواص به تو آسیبی نمی‌رساند و با خشم عموم مردم، رضایت خواص سودی نمی‌بخشد.
- ۳- کسانی را که از دیگران عیب‌جویی می‌کنند، از خود دور کن؛ زیرا در نهایت مردم عیب‌هایی دارند و مدیر جامعه باید بیش از همه در پنهان کردن آنها بکوشد.
- ۴- عده‌ای افراد مورد اطمینان را انتخاب کن تا دربارهٔ وضع طبقات محروم تحقیق کنند و به تو گزارش دهند. سپس برای رفع مشکلات آنها عمل کن ...، زیرا این گروه [افراد محروم] بیش از دیگران به عدالت نیازمندند.

۱- نهج‌البلاغه، نامه ۵۳.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

۵- اگر با دشمن پیمان بستی از پیمان شکنی دشمن غافل نباش، که دشمن گاهی از این راه تو را غافل گیر می کند.

بیشتر بدانیم

امام خمینی ح، بنیانگذار جمهوری اسلامی، درباره ضرورت تشکیل حکومت اسلامی برای کمک به آمادگی مردم و تعجیل در ظهور می فرماید:

«مانمی توانیم دنیا پر از عدل کنیم، این کار فقط توسط امام عصر ع صورت می گیرد؛ مانمی توانیم از ظلم در سراسر جهان جلوگیری کنیم، گرچه هر مسلمانی وظیفه دارد با ظلم مبارزه کند. اما ما می توانیم در حد توان خود با ظلم مبارزه کنیم و شرایطی را فراهم کنیم که اسباب ظهور، بهتر فراهم شود و چون می توانیم چنین کاری کنیم، باید حکومت اسلامی را تشکیل دهیم». ^۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- مقصود از «تقلید» در احکام دینی چیست؟
- ۲- تقلید برای چه کسانی لازم است و شامل چه زمینه هایی می شود؟
- ۳- چرا مرجع تقلید باید «عادل» و «زمان شناس» باشد؟
- ۴- انتخاب ولی فقیه در کشور ما چگونه انجام می گیرد و مردم از چه طریقی در انتخاب ایشان دخالت دارند؟

پیشنهاد

- ۱- در خصوص فقهایی که در جامعه امروز ما به عنوان مرجع تقلید شناخته می شوند تحقیق کنید و اسامی آنان را در کلاس بیان کنید.
- ۲- اصل ۱۰۷ قانون اساسی را که مربوط به انتخاب رهبر است، مطالعه کنید و چگونگی انتخاب ولی فقیه را توضیح دهید.

۱- صحیفة امام، ج ۲۱، ص ۱۴ تا ۱۷.



۲

بخش دوم



در مسیر

یادآوری

در سال گذشته، برخی از قدمهایی را که لازمه رسیدن به کمال و سعادت است شناختیم، و برای برداشتن آن قدم‌ها تلاش کردیم. این قدم‌ها که در پنج بخش ارتباط با خدا، خود، خانواده، جامعه و خلقت قرار می‌گیرند، برخی از آنها عبارت بودند از: رعایت احکام و حدود الهی، محبت و دوستی نسبت به خدا و دوستان او، برنامه‌ریزی در زندگی و.... .

امسال، قدم‌های دیگری به سوی کمال و پیشرفت بر می‌داریم و از خدای مهریان می‌خواهیم که ما را در این مسیر یاری فرماید.

هیو؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوْوَا
رُؤوسَهُمْ وَرَأْيَاتِهِمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكِبِرُونَ ٥

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفِرَتْ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ
اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَسِيقِينَ ٦ هُمْ
الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنِ اتَّهَمْتُمْ بِحَقِّ
يَنْفَضِّلُوا ٧ وَلِلَّهِ حَزَانٌ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَلِكِنَّ
الْمُنْفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ٨ يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى
الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجُنَّ الْأَعْزَمِينَ مِنْهَا الْأَذْلَ ٩ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ
لِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلِكِنَّ الْمُنْفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَ لَا
أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ١٠ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ
هُمُ الْخَسِرُونَ ١١ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ
يَأْتِيَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخْرَتَنِي إِلَى أَجَلٍ
قَرِيبٍ فَأَصَدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ ١٢ وَلَنْ يُؤْخَرَ
اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ١٣ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ترجمه

و هنگامی که بخشی از خیانت‌ها و کجروی‌هایشان آشکار گردد و به آنان [از طرف مؤمنان] گفته شود : پیاپید تا پیامبر خدا برای شما از خدا آمرزش بخواهد، سرهایشان را [از روی انکار و تکبر] برمی‌گرداند، و آنان را می‌بینی که از گوینده آن سخن روی برمی‌تايند و تکبر کنان از پذيرفتن سخن او خودداری می‌کنند.

۵

برای آنان یکسان است چه برایشان آمرزش بخواهی یا برایشان آمرزش نخواهی. خدا هرگز آنان را نخواهد آمرزید، زیرا آنان فاسقند و خدا مردم فاسق را هدایت نمی‌کند و به راه سعادت و بهشت نمی‌برد.

۶

اینان همان کسانی‌اند که [به قوم و قبیله خود] می‌گویند : به مؤمنان مهاجری که نزد رسول خدایند و او را یاری می‌کنند اتفاق نکنید تا از [از شدت فقر دلسرد شده و از] اطراف او پراکنده شوند [و به وطن‌های خود باز گردند] و او نتواند بر ما حکمرانی کند. آنان چنین می‌گویند در حالی که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست و هرگاه

۷

بخواهد، یاران پیامبر را توانگر می‌کند، ولی منافقان این حقیقت را در نمی‌باشد. می‌گویند : اگر [از این سفر جنگی] به مدینه باز گردیم، قطعاً محترم‌های قوم [منافقان]، ذلیل‌ها [یعنی پیامبر و مهاجران] را از آن‌جا بیرون خواهند کرد، و حال آنکه عزّت، همه از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است، اما منافقان نمی‌دانند.

۸

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مبادا اموال و فرزنداتان شما را از یاد خدا بازدارند که به ورطه نفاق خواهید افتاد، و کسانی که چنین کنند، آنانند زیانکاران.

۹

و بخشی از آنچه را که به شما ارزانی داشته‌ایم اتفاق نکنید، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید : پروردگارا، چرا مرگ مرا اندکی به تأخیر نینداختی؟ در این صورت صدقه می‌دادم و از شایستگان می‌شدم.

۱۰

این درخواست پذیرفته نمی‌شود، زیرا هنگامی که اجل کسی فرارسید، هرگز خدا او را به تأخیر نمی‌افکند، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

۱۱

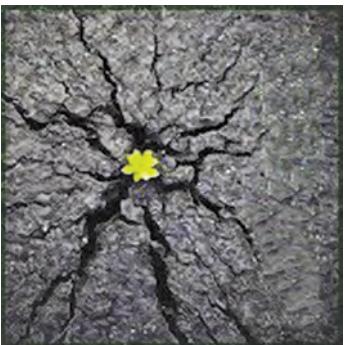
درس‌یاری‌هم

عزّت نفس

یکی از مهم‌ترین قدم‌ها در مسیر کمال، تقویت عزت نفس است. عزت از صفاتی است که قرآن کریم بیش از ۹۵ بار خداوند را بدان توصیف کرده است. معصومین بزرگوار این صفت را از ارکان فضایل اخلاقی دانسته‌اند که اگر در وجود ما شکل بگیرد، مانع بسیاری از زشتی‌ها خواهد شد.

این درس را به شناخت این صفت اختصاص می‌دهیم تا با آگاهی بیشتر، برای کسب این فضیلت بکوشیم.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



عزّت و ذلت

عزّت به معنای «نفوذناپذیری» و «تسليمه نبودن» است.^۱ وقتی می‌گویند خداوند «عزیز» است، معنایش این است که کسی نمی‌تواند در اراده او نفوذ نماید و او را تسليم خود کند. واژه «ذلت» درست مقابل «عزّت» قرار دارد و به معنای نفوذناپذیری و مغلوب و تسليم بودن است.

بنابر تعاریف فوق، «انسان عزیز» کسی است که در برابر مستکبران و ظالمان و همچنین در مقابل هوی و هوس خویش می‌ایستد، مقاومت می‌کند و تسليم نمی‌شود. او زیر بار عملی که روحش را آزرده کند و او را حقیر و کوچک سازد، نمی‌رود.

«انسان ذلیل» نیز کسی است که در برابر مستکبران و زورگویان تن به خواری می‌دهد و هر فرمانی را می‌پذیرد؛ همچنین تسليم هوی و هوس خویش می‌شود و هر کاری را که موافق هوی و هوس او باشد انجام می‌دهد، هر چند که آن کار روحش را به گناه آلوده کند.

اکنون باید بینیم چگونه می‌توانیم صفت دوست‌داشتنی «عزّت» را در خود تقویت کنیم و از «ذلت و خواری» دوری کنیم؟

تدبر در قرآن

در آیات زیر بیندیشید و راه دستیابی به «عزّت» را بیان کنید.

۱- مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَإِلَهُ الْعِزَّةِ جَمِيعًا...^۲

هر کس عزّت می‌خواهد [بداند] که هر چه عزّت است، از آن خدادست.

۲- لِلَّذِينَ أَحَسْتُمُوا الْحُسْنِي وَ زِيَادَةً وَ لَا يَرْهُقُ وُجُوهُهُمْ فَتَرَوْ لَا ذَلَّةً^۳

برای کسانی که نیکوکاری پیشه کردند، پاداشی نیک و چیزی فزون‌تر است و بر چهره آنان غبار خواری و ذلت نمی‌نشینند.

۳- وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَرَهُقُهُمْ ذَلَّةٌ^۴

آنان که بدی پیشه کردند، جزای بد به اندازه عمل خود می‌بینند و بر چهره آنان غبار ذلت می‌نشینند. راه پیشنهادی قرآن برای رسیدن به عزت :

۱- معمولاً ما فارسی زبانان، واژه «عزیز» را به جای «دوست‌داشتنی» و «گرامی» به کار می‌بریم. این معنا، اگرچه با معنای اصلی واژه در زبان عربی و قرآن کریم، متفاوت است، اما ارتباط تزدیکی با آن دارد؛ زیرا هر انسانی افراد مقاوم و تسليم‌ناپذیر را دوست می‌دارد.

۲- سوره فاطر، آیه ۲۶. ۳- سوره یونس، آیه ۲۷. ۴- سوره یونس، آیه ۲۶.

هیوٰ؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

راه‌های تقویت عزت

قرآن کریم و سیره مخصوصین راه‌های زیر را برای تقویت عزت نفس بیان می‌کنند :

۱- شناخت ارزش خود و نفوختن خویش به بهای اندک

اگر کالای گران قیمتی، مانند طلا داشته باشیم، اما ارزش و قیمت آن را ندانیم، به آسانی فریب می‌خوریم و آن را به بهای اندک می‌فروشیم. اما اگر ارزش آن را بدانیم، آن را عزیز می‌شماریم و به قیمت واقعی می‌فروشیم و بهایی برابر با ارزش آن به دست می‌آوریم.

از همین‌رو خداوند جایگاه ما انسان‌ها را در خلقت بیان می‌کند و می‌فرماید : **ما فرزندان آدم را کرامت بخسیدیم... و بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم.**^۱

و خطاب به انسان فرموده :

«ای فرزند آدم، این مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم».^۲

خداؤند به انسان وعده دیدار داده و بهشتی به وسعت همه آسمان‌ها و زمین برایش آمده کرده است. بهشتی که در آن انسان به هر آرزویی که تمبا می‌کند، می‌رسد؛ حتی به آن زیبایی‌هایی که خودش نمی‌شناسد و خدا می‌داند، دست می‌یابد.^۳

ایا بهایی ارزشمندتر از این به ذهن انسان می‌رسد؟ آیا کسی می‌تواند ادعا کند که می‌تواند بهای بالاتری را برای انسان فرض کند؟

امام علی علیه السلام می‌فرماید :

**إِنَّهُ لَيَسْ لَأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا جَنَاحٌ
فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا**
«همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس [خود را] به کمتر از آن نفوشید».^۴

۲- توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او

خدایی که خالق تمام هستی است، سرچشمه و منبع همه قدرت‌ها و عزت‌هاست. او وجود شکست‌ناپذیری است که هیچ کس توانایی ایستاندن در برابر قدرت او را ندارد بنابراین، هر کس به‌دلیل عزت است، باید خود را به این سرچشمه وصل کند.

امیر المؤمنین علی علیه السلام در وصف انسان‌هایی که عزت خود را در بندگی خدا یافته‌اند، می‌فرماید :

«خالق جهان در نظر آنان بزرگ است. از این جهت، غیر خدا در نظرشان کوچک است».^۵

۱- سوره إِسْرَاء، آیه ۷۰.

۲- یائی آدم، خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلَكَ وَخَلَقْتُكَ لِأَجْلِي، الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة، شیخ حُر عاملی، ص ۳۶۲.

۳- سوره قمر، آیه ۵۵ و سوره فجر، آیات ۲۰-۲۷ و سوره زخرف، آیه ۷۱.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.

۵- عَظَمُ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ قَصْفٌ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

وقتی که انسان به چنین شناخت و ایمانی رسید، به طور طبیعی تسليم خدا می‌شود، بندگی او را می‌پذیرد و در مقابل غیرخدا عزیز و تسليم‌نابذیر باقی می‌ماند.
به همین جهت امیر المؤمنین علیهم السلام از ما می‌خواهد که:
«بندۀ کسی مثل خودت نباش، زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است».۱

خود ارزیابی (۱)

آیا تاکنون با کسی که عزت و کرامت شما را نادیده گرفته، مواجه شده‌اید؟ چه عکس‌العملی نشان داده‌اید؟

اسوهه‌های عزت در برابر ستمگران

پیشوایان ما با تکیه بر بندگی خداوند و پیوند با او توانستند در سخت‌ترین شرایط، عزت‌مندانه زندگی کنند و هیچ‌گاه تن به ذلت و خواری ندهند.

برای مثال، پیامبر اکرم ﷺ هنگامی که در محاصره طاقت‌فرسای مشرکان مکه بود و جز حضرت ابوطالب علیهم السلام و حضرت خدیجه علیهم السلام و بارانی اندک و فقیر، پشت‌وانه‌ای نداشت، به بزرگان مکه که به او وعده ثروت و قدرت و ریاست بر این شهر را می‌دادند، فرمود: «اگر اینان خورشید را در دست راستم و ما را در دست چم بگذارند، از راه حق دست برنمی‌دارم و تسليم نمی‌شوم».۲

نوه گرامی و عزیز آن حضرت، امام حسین علیهم السلام، آنگاه که بیزیدیان با بیش از سی هزار جنگجو، ایشان را محاصره کردند و از او خواستند که زیر بار بیعت با بیزید برود، فرمود: «مرگ با عزت از زندگی با ذلت، برتر است».۳

حضرت زینب علیها السلام، خواهر شجاع امام زین‌پس از تحمل انبوه مصائب و سختی، که یکی از آنها می‌تواند انسان را درهم شکند، در پاسخ به جمله تحقیر‌آمیز عبید‌الله بن زیاد، حاکم کوفه که گفت: دیدی خدا چه بر سر خاندان شما آورد؟ با قدرت فرمود: [در این واقعه] جز زیبایی ندیدم.۴

تمرین ایستادگی در برابر تمایلات پست

هر انسانی، در درون خود، گاه و بی‌گاه با تمایلات و خواسته‌هایی روبرو می‌شود، که پاسخ مثبت دادن به آنها، عزت نفس را ضعیف می‌کند و انسان را به سوی خواری و ذلت سوق می‌دهد. حال

۱- نهج البلاغه، وصیت‌نامه امام به فرزند گرامی خود امام حسن عسکری، نامه ۳۱.

۲- سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۵۶.

۳- اللهوف، سیدین طاووس، ص ۲۲.

۴- همان، ص ۲۵.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



اگر این پاسخگویی ادامه یابد، خواری و ذلت انسان را احاطه می‌کند، به طوری که در برابر هر خواست نامشروع درونی و پیروزی مقاومت نمی‌کند و به سرعت تسليم می‌شود.

نوجوانی و جوانی بهترین زمان برای

پاسخ منفی دادن به این تمایلات گاه و بی‌گاه است. انسانی که در این دوره سنی به سر می‌برد، هنوز به گناه عادت نکرده و خواسته‌های نامشروع در وجود او ریشه‌دار نشده است و به تعبیر پیامبر اکرم ﷺ، چنین کسی به آسمان تزدیک‌تر است. یعنی گرایش به خوبی‌ها در او قوی‌تر است. بنابراین نوجوان و جوان، بهتر از هر آدمی می‌تواند ایستادگی در برابر تمایلات منفی را تمرین کند و عزت نفس خود را تقویت کند.

خود عالی و خود دانی

ممکن است بپرسید ریشه این تمایلات در وجود انسان چیست؟

این سؤال مناسبی است که پاسخ آن می‌تواند راهگشای ما برای رسیدن به عزت و دوری از ذلت باشد. حقیقت این است که انسان دارای دو دسته از تمایلات است :

اول : تمایلات عالی و برتر، مانند تمایل به دانایی، عدالت، شجاعت، حیا، ایثار و حُسن خلق، که مربوط به روح الهی و معنوی انسان هستند. ما با رسیدن به این تمایلات احساس موفقیت و کمال می‌کنیم و از آنها لذت می‌بریم.

دوم : تمایلات دانی، مانند تمایل به ثروت، شهرت، غذاهای لذیذ، زیورآلات و رفاه مادی، که مربوط به بُعد حیوانی و دنیایی انسان است و وقتی به این تمایلات دست می‌باییم، از آنها لذت می‌بریم و خوشحال می‌شویم. انسان‌ها به طور طبیعی به این قبیل امور میل دارند و علاقه نشان می‌دهند، زیرا اینها لازمه زندگی در دنیا هستند و بدون آنها یا نمی‌توان زندگی کرد یا زندگی سخت و مشکل می‌شود. تمایلات بُعد حیوانی در ذات خود بد نیستند، اما نسبت به بُعد معنوی و الهی، بسیار ناچیز و پایین‌ترند و قابل مقایسه با آن تمایلات نیستند.

پس چه موقع این تمایلات بد می‌شوند؟

آنگاه که انسان، این تمایلات را اصل و اساس زندگی قرار دهد و فقط در فکر رسیدن به آنها باشد و از تمایلات الهی خود غافل بماند. حد و مرز توجه به این تمایلات را خدا می‌داند و خداوند با احکام خود چگونگی بهره‌مندی از این تمایلات را مشخص کرده تا انسان بتواند در عین بهره‌مندی از آنها، به

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

رشد و کمال واقعی خود برسد.

از این رو هر انسانی در درون خود با دو دعوت روبه روست: دعوت عقل و وجدان یا همان «نفس لواحه»، که از ما می خواهد در حد نیاز به تمایلات فروتر پاسخ دهیم و فرصتی فراهم کنیم که تمایلات معنوی و الهی در ما پژوهش پیدا کند و آن زیبایی ها وجودمان را فرا بگیرند.

دعوت دیگر، دعوت هوی و هوس یا همان «نفس اماره» است که از ما می خواهد فقط به تمایلات بعد حیوانی سرگرم و مشغول باشیم و از تمایلات عالی و برتر غافل بمانیم.

انسانی که به هوی و هوس پاسخ مثبت می دهد و تسلیم می شود، قدم در وادی ذلت گذاشته و از راه رشد باز می ماند. پس از این مرحله است که وقتی در برابر ستمگران و قدرتمندان قرار گرفت، زیر بار ذلت می رود و تسلیم خواسته های آنها هم می شود.

بنابراین، کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت می دهد، ابتدا در مقابل تمایلات پست درون خود شکست خورده و تسلیم شده و سپس مغلوب زورگویان و قدرتمندان گردیده و تسلیم خواسته های آنان شده است. تحقیقات نشان می دهد که اکثر مجرمان و گناهکاران افرادی فاقد عزت نفس هستند یا عزت نفس بسیار پایینی دارند، در حالی که اکثر انسان های مفید و نیکو کار جامعه دارای عزت نفس بالای می باشند و کمتر مرتکب گناه می شوند.

خودارزیابی (۲)

با توجه به آیات و احادیث و نکاتی که در درس آمده جاهای خالی را تکمیل کنید.

- تسلیم و بندگی خداوند ←
- احساس حضور در پیشگاه خداوند ←
- غفلت از خداوند ←
- عزّت نفس ← حفظ پیمان با خدا و
- ذلت نفس ← و سستی در عزم و تصمیم
- فقیری که دارای عزّت نفس باشد نمی کند. گدا، ابتدا و سپس گدایی می کند. جوانی که عزّت نفس دارد، در برابر نمی شکند.
- انسان عزیز در برابر شکست ناپذیر و در برابر مردم است.

بیشتر بدانیم



پشتای خار حمی بزد به پشت
هر قدم داه شکری می کاشت
وی^۳ نوازنده^۴ دل های نزدیک
چه عزیزی که گندمی با من!
تاج عزت به سرم بناوی
کوهر شکر عطایت سُقْنَه^۵
رخش^۶ پندار، همی راند ز دور
گفت ای پیر خرف گشته خموش
دولت چیست؟ عزیزیت کدام؟
عزت از خواری شاخه ای؛
که نی ام بر در تو بالین نه
به خی^۷ چون تو گرفقار ناخت
بر در شاه و گدا بنده گرد
داد با این همه افاده کیم

خارکش پیری، با دلقی درشت
لگک لگان قدی بر می داشت
کای فرازنده^۸ این چرخ بلند
کنم از جیب^۹ نظر تا دامن
در دولت^{۱۰} به رُخْ^{۱۱} بگشادی
حد من نیست ثبات^{۱۲} گفتن
نوجوانی به جوانی مغور
آمد آن شکر کزاریش به کوش
خار بر پشت، زنی نمی سان کام
عمر در خارکشی باختای
پیر گفتا که: چه عزت نسن به
شکر کویم که مرا خوار ناخت
به ره حرص شتابنده گردد
داد با این همه افاده کیم

هفت اور گنج جامی

- | | | |
|--------------------------|----------------------------------|---------------------------|
| ۳- وی: در اصل «وای» بوده | ۲- فرازنده: بر با کننده، سازنده | ۱- دلق: لباس پشمینه |
| ۴- جیب: یقه، گریبان | ۵- نزند: غمگین | ۴- نوازنده: نوازش کننده |
| ۶- رخش: اسب | ۸- سُقْنَه: تراشیدن و سوراخ کردن | ۷- دولت: اقبال و نیک بختی |
| ۹- پندار: عجب و تکبر | ۱۱- خس: کاه و علف، فرومایه | ۱۰- همی: عجب و تکبر |

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَهَدُوا فِي سَبِيلِ
اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ
كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَ
يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنِيفُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ
الْآيَتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٩﴾ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ
يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَمِ قُلْ إِصْلَاحُهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخْالِطُوهُمْ
فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ
وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَا عَنْتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَلَا
تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَقِيقَ يُؤْمِنَ وَلَامَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ
مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبْتُكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَقِيقَ
يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدُ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبْتُكُمْ
أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَ
الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ لَهُمْ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٣١﴾

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

ترجمه

کسانی که ایمان آورده و کسانی که در راه خدا هجرت کرده و جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، و خدا آمرزنه و مهریان است.  از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند. بگو : در آن دو گناهی بزرگ و برای مردمان سودهایی است، و گناه آن دواز سودشان بزرگ‌تر است. و از تو می‌پرسند که چه‌چیزی انفاق کنند؟ (ای پیغمبر) بگو : آنچه را که از هزینه زندگی زیاد آید [یا آنچه را که از قوت و خوراک سال افزون گردد]. بدین‌سان خداوند آیات و نشانه‌ها را برای شما بیان می‌کند، باشد که درباره سعادت دنیا و

آخرت خود بیندیشید. 

آری باشد که درباره سعادت دنیا و آخرت خود بیندیشید. و از تو درباره یتیمان می‌پرسند. بگو : اصلاح امور آنان به گونه‌ای که برایشان سودمند باشد نیکی است، و اگر با آنان همزیستی کنید، آنها برادران شمایلند، پس مانند دیگر مسلمانان با آنان رفتار کنید؛ نه حقشان را تباہ سازید و نه خود را سخت به زحمت بیفکنید، که خداوند فسادگر و اصلاحگر را می‌شناسد و آن دو را از هم مشخص می‌سازد. و اگر خدا می‌خواست، شما را در مورد یتیمان به زحمت می‌انداخت [ولی چنین نکرد] چراکه خداوند مقتدری حکیم است. 

و زنان مشرک را به همسری نگیرید تا اینکه ایمان بیاورند، و قطعاً کنیزی که بالایمان است، بهتر از زن آزادی است که مشرک باشد، هرچند زیبایی اش شما را به شگفت آورد. و زنان بالایمان را به همسری مشرکان درنیاورید تا اینکه ایمان بیاورند. بی‌تردید، بردهای که مؤمن است، بهتر از مرد آزادی است که مشرک باشد، هرچند به مال و ثروتش شما را به شگفت آورد. آنان با گفتار و کردارشان به شرک فرامی‌خوانند که فرجام آن چیزی جز آتش نیست، و خداوند به اذن خود - بی‌آن که کسی یا چیزی او را ناچار کرده باشد - به بهشت و آمرزش فرامی‌خواند و آیاتش را برای مردم بیان می‌کند، باشد که حقایق را دریابند. 

درست دل نداشتم

پیوند مقدس

رسول خدا ﷺ : «هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از ازدواج نیست». ^۱

خانواده مقدس ترین نهاد و بنای اجتماعی نزد خداست. این نهاد با ازدواج زن و مرد به وجود می‌آید و با آمدن فرزندان کامل می‌شود. با تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را تجربه می‌کنند و فرزندان را در دامان خود می‌پرورانند. در این درس می‌خواهیم درباره این نهاد مقدس صحبت کنیم تا بدانیم :

زمینه‌های جذب زن و مرد به یکدیگر برای تشکیل خانواده کدام‌اند؟

اهداف تشکیل خانواده چیست؟

همسر مناسب باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

۱- ما بُنِيَ بناءً فِي الإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّزَوِّيجِ، مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهُ، شِيخُ صَدُوقٍ، ص ۴۰۹.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

تدبر در قرآن

۱- وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنَّ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْواجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۱
و از نشانه های خدا آن است که همسرانی از [نوع] خودتان برای شما آفرید تا با آنها آرامش یابید و میان شما «دوستی» و «رحمت» قرارداد. همانا که در این مورد، نشانه هایی است برای کسانی که تفکر می کنند.

۲- وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْواجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْواجِكُمْ بَنِينَ وَحَذَّةً وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَإِلْبَاطِلِيُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكُفُّرُونَ^۲
و خداوند برای شما همسرانی از [نوع] خودتان قرار داد و از همسراتان برای شما فرزندان و نوادگانی نهاد و از پاکیزه ها به شما رزق و روزی داد. حال، آیا آنان به باطل ایمان می آورند و به نعمت الهی کفران می ورزند؟

در این آیات تفکر کنید و به سوالات پاسخ دهید.

۱- هدف از تشکیل خانواده چیست؟

۲- نوع نگاه اسلام به زن و مرد چگونه است؟

۳- خداوند چه چیزهایی را به عنوان آیات و نشانه های خود معرفی کرده است؟

شخصیت انسانی زن و مرد

کلمات «إنسن»، «إنسان»، «بنی آدم» و «ناس» در قرآن کریم اختصاص به جنس خاصی ندارد و هر آیه ای که با این کلمات همراه باشد، به زن و مرد، هر دو مربوط می شود؛ زیرا حقیقت انسان را روح او تشکیل می دهد و روح انسان نه مذکور است و نه مؤثر. زنان و مردان به عنوان افراد نوع بشر، استعدادها و ویژگی های فطری یکسان و هدف مشترکی دارند که با بهره گرفتن از آن ویژگی های فطری می توانند به آن هدف مشترک، یعنی قرب الهی و بهشت جاوید برسند.

بیشتر بدانیم

جایگاه زن در قرآن و مقایسه آن با تورات و انجیل

در دوره ای که قرآن کریم بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد، بیشتر مردم، مرد را در خلقت برتر از زن می شمردند این موضوع، در داستان خلقت آدم و حوا و زندگی آنها در بهشت اولیه و بیرون شدنشان از

۱- سوره روم، آیه ۲۱.

۲- سوره نحل، آیه ۷۲.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

آنچا نمود بیشتری داشت.

به طور مثال، در سِفَر (پخش) پیدایش تورات آمده که حَوْا از دندهٔ چَب آدم خلق شد و او بود که آدم را اغوا و گمراه کرد و به خوردن میوهٔ درخت منوعهٔ تشویق نمود؛ به این صورت که شیطان به سراغ حَوْا رفت و به وسوسهٔ او پرداخت. وقتی شیطان حَوْا را فربیض داد، حَوْا به نزد آدم رفت و آن قدر اصرار کرد تا او را راضی نمود که با هم به درخت منوعهٔ تزدیک شوند و از میوهٔ آن بخورند.^۱ این کتاب که هم اکنون نیز کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان است، چنین نگاهی به زن را به بیرون خود منتقل می‌کند و در مورد خروج از بهشت، زن را مقصر نشان می‌دهد و او را به گناه تزدیک‌تر می‌داند.

بر اساس آموزه‌های کتاب مقدس (تورات و انجیل) مسیحیان معتقدند زن منع هر شر و فساد در عالم است. زن ستیزی و شر انگاری وی، در تمام دورانی که کلیسا بر غرب سیطره داشت از طرف کشیشان کلیسا ترویج می‌شد. اما قرآن کریم، در همان عصری که غرب بدترین خشونت‌ها و تحقیرها را علیه زن روانی داشت، در جامعهٔ جاهلی نازل شد. جامعه‌ای که برخی از آنان داشتن دختر را ننگ می‌دانستند و رفتاری خشن و قهقهه‌آمیز با زنان و دختران داشتند.^۲ قرآن کریم، در تقابل با فرهنگ رایج آن زمان، به زن شخصیت انسانی بخشدید و معیار کرامت را نه بر اساس جنسیت بلکه بر اساس فضایل انسانی و ایمان و تقوا فرار داد. قرآن کریم، در بیان داستان خلقت، مرد را برتر از زن قرار نمی‌دهد. اولاً قرآن می‌فرماید که زن از همان جنس مرد آفریده شده است.^۳ و در داستان بیرون رفتن آنها از بهشت هم می‌فرماید که شیطان هر دو را بهم فربیض داد.^۴ همچنین می‌فرماید خداوند انسان‌ها را از یک مرد و یک زن آفریده و هیچ کدام در پیشگاه خدا بر دیگری برتری ندارند، مگر به تقوا.^۵

نقش‌های مکمل

خداوند، زن و مرد را به گونه‌ای آفریده که زوج یکدیگر باشند،^۶ یعنی در کنارهم قرار گیرند و یکدیگر را کامل کنند. زن و مرد اگرچه در ویژگی‌های انسانی باهم مشترک هستند و خداوند برای هردو هدف واحدی معین کرده است، اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن»، یعنی از نظر خصوصیات جسمی باهم متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها به گونه‌ای است که هردو را بهم نیازمند کرده است؛ بدون اینکه یکی بر دیگری برتری داشته باشد. زیرا برتری هرکس نزد خداوند به تقواست^۷ و هر انسانی می‌تواند آن را در وجود خود پرورش دهد.^۸

۱- تورات، سفر پیدایش، اصلاح ۲۵، ۲۲ و اصلاح ۱۷، ۳.

۲- سوره نحل، آیه ۵۸.

۳- سوره نساء، آیه ۱.

۴- سوره اعراف، آیه ۲۰.

۵- سوره حجرات، آیه ۱۳.

۶- سوره نبأ، آیه ۸.

۷- سوره بقره، آیه ۱۸۷.

۸- نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مطهری، ص ۱۱۹.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



تفاوت‌های میان زن و مرد به جهت وظایف مختلفی است که خالق حکیم بر عهده هر یک از زن و شوهر نهاده است تا هر کدام از آنها بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش‌های خاصی را بر عهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدید آورند. به طور مثال، توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت جسمی بیشتر مردان برای آن است که زن با محبت مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کار کردن نان^۱ اور خانواده باشد.

آمادگی برای ازدواج

انسان، با رسیدن به سن بلوغ و دوره جوانی وارد مرحله مسئولیت‌پذیری می‌شود و این شایستگی را به دست می‌آورد که مخاطب خداوند قرار گیرد و از هم‌اکنون برای سعادت خود و خانواده‌ای که در آینده تزدیک تشکیل خواهد داد، برنامه‌ریزی نماید. مهم‌ترین این برنامه‌ها در مورد تشکیل خانواده عبارت‌اند از:

- ۱- تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ
 - ۲- مشخص کردن هدف‌های خود از تشکیل خانواده
 - ۳- شناخت معیارها و شاخص‌های همسر مناسب
 - ۴- شناخت ویژگی‌های روحی زن و مرد
- در این درس به تبیین برخی از این موارد می‌پردازیم:

تقویت عفاف و پاکدامنی

دوره بلوغ تا ازدواج یکی از حساس‌ترین و ارزشمندترین دوره‌های عمر انسان است و دوره گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و پذیرش مسئولیت‌های زندگی است. اگر نوجوان و جوان، این دوره را با کی و پاکدامنی بگذراند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشا شده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندانش بسیار هموار کرده است.

قرآن کریم از دختران و پسران می‌خواهد که قبل از ازدواج، حتماً عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد^۱. همچنین می‌خواهد که به هیچ‌وجهی رابطه غیرشرعی، چه پنهان و چه آشکار با جنس مخالف نباشند^۲، که زیان آن تا قیامت دامن‌گیر آنان خواهد شد و در

۱- سوره نور، آیه ۳۳.

۲- سوره مائدہ، آیه ۵؛ سوره نساء، آیه ۲۵.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

نسل های آنان تأثیر بدی خواهد گذاشت.

هر جوانی به طور فطری و طبیعی خواستار ازدواج با کسی است که قبل از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ کرده و رابطه غیرشرعنی با جنس مخالف نداشته است. کسی که چنین خواسته ای دارد، باید خودش نیز این گونه باشد. همچنین هر کس که خواستار آن است تا دیگران به اعضای خانواده او نظر سوء نداشته باشند، خودش هم باید چنین باشد. نظام هستی بر عدالت استوار است^۱. عمل هر کس، عکس العملی دارد که قسمتی از آن در این جهان ظاهر می شود و تمام آن در آخرت.

بیشتر بدانیم

اقدامات زیر برای حفظ عفاف و پاکدامنی بسیار مؤثر است :

- ۱- کنترل نگاه و استقامت در برابر تحریک دیگران برای دیدن یک فیلم یا یک پیام نامناسب و یا حضور در مجالس گناه آسود و توانایی «نه» گفتن به آنها؛
- ۲- انتخاب دوست دیندار و نمازخوان و معاشرت نکردن با افراد بی بندوبار؛
- ۳- استفاده از لباس مناسب با شأن و منزلت انسان مسلمان؛
- ۴- انجام درست و به موقع نماز، به خصوص به صورت جماعت و با حضور در مسجد و شرکت در جلسات مذهبی، مانند مجالس دعای کمیل و دعای ندب، اعياد و عزاداری ها و سخنرانی های پر محظوظ؛
- ۵- مشغول بودن به کارهای ضروری، مانند درس خواندن، انجام کارهای منزل، پرداختن به کارهای فنی و هنری، همکاری در بسیج، کانون های فرهنگی و بنیادهای خیریه؛
- ۶- رعایت جنبه های حلال و حرام در ارتباط با جنس مخالف؛
- ۷- خواندن داستان های درباره سیره و رفقار پیامبر اکرم ﷺ، حضرت فاطمه ؑ و امامان بزرگوار ؑ و کسانی که پیرو آنان بوده اند، همچون شهدای دفاع مقدس؛
- ۸- توجه به نصیحت ها و خیرخواهی های پدر و مادر.

توجه به اهداف ازدواج

شایسته است که به تدریج درباره هدف خود از ازدواج فکر کنیم و هوشمندانه وارد این مرحله از زندگی شویم. البته برای تشکیل خانواده در متون دینی اهدافی ذکر شده است که بعضی از آنها را در اینجا ذکر می کنیم. خوب است که ما نیز در بحث ازدواج همین هدف ها را در نظر بگیریم.

اول. پاسخ به نیاز جنسی : ابتدایی ترین زمینه ازدواج، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می کند و آنان را به سوی تشکیل خانواده می کشانند. بر اثر ازدواج و پاسخ صحیح به این نیاز، هر کدام از مرد

۱- بالعقل قائم السماواتُ والأرضُ، عوالی الثالی، شیخ محمد بن علی بن ابراهیم احسانی، ج ۴، ص ۱۰۳.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور



و زن به یک آرامش روانی می‌رسند.

دو. انس با همسر : هریک از زن و مرد، علاوه بر نیاز جنسی، نیازمند به زندگی با دیگری هستند و این نیاز نیز پس از بلوغ آشکار می‌شود. این نیاز به گونه‌ای است که اگر فردی از راههای نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند اما بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی قراری و ناآرامی او را آزار می‌دهد که فقط با بودن در کنار همسر برطرف می‌شود.

سوم. رشد و پرورش فرزندان: خانواده بستر

رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهادی نمی‌تواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمرة پیوند زن و مرد و تحکیم‌بخش وحدت روحی آنها است. آنان دوام وجود خود را در فرزند می‌بینند و از رشد و بالندگی او لذت می‌برند. کدام افتخار بالاتر از آنکه خداوند تربیت و پرورش چند تن از بندگان خود را به پدر و مادر سپرده است و احترام و اطاعت از والدین را هم ردیف طاعت و عبودیت خود قرار داده است.

چهارم. رشد اخلاقی و معنوی : پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده، از همان ابتدا زمینه‌های فساد را از خود دور می‌کنند، مسئولیت‌پذیری را تجربه می‌نمایند، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش می‌دهند، با گذشت و مدارا و تحمل سختی‌ها و ناگواری‌های زندگی، به درجات معنوی بالاتری نایل می‌شوند.

انتخاب همسر و مسئولیت آینده

پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب همسر مناسب مطرح می‌شود. طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل دختر و پسر برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام بگیرد، باطل است و مشروعيت ندارد. داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و درعین حال، مسئولیت‌آور است. برای موفق شدن در این مسئولیت، باید بر شور و احساس جوانی تسلط کامل داشت و با چشم باز عمل کرد. همواره دیده‌ایم که علاقه و محبت به یک شخص، چشم و گوش را می‌بندد و عقل را به حاشیه می‌راند. این سخن زیبای امام علی علیه السلام مربوط به مواردی از همین قبیل است:

حُبُّ السَّيِّءِ يُعْمِي وَ يُضِّلُّ^۱

از این‌رو، پیشوایان دین از ما خواسته‌اند که در مورد همسر آینده با پدر و مادر خود مشورت کنیم تا

۱- خاتمه المستدرک، میرزای نوری، ج ۱، ص ۲۰۱.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

به انتخابی درست برسیم. پدر و مادر به علت علاقه و محبت به فرزند، معمولاً مصلحت و خوشبختی او را در نظر می‌گیرند و به علت تجربه و پختگی شان، بهتر می‌توانند خصوصیات افراد را دریابند و عاقبت ازدواج را پیش‌بینی کنند.

البته پدران و مادران نباید نظر خود را بر فرزندانشان تحمیل کنند و آنها را به ازدواجی ناخواسته بکشانند. شایسته است محیط خانواده، محیط هم‌دلی، اعتماد به بزرگ‌ترها، شنیدن نظرات یکدیگر و محیط محبت و خیرخواهی باشد تا بهترین تصمیم‌ها گرفته شود و کمتر به حسرت و پشیمانی منجر شود.

دانش تکمیلی

اگر می‌خواهید بدانید چرا در دین اسلام اجازه پدر در ازدواج دختر ضروری است، به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

معیارهای همسر شایسته

از نظر قرآن کریم، مهم‌ترین معیار همسر شایسته، بالایمان بودن اوست^۱. هر قدر ایمان یک فرد قوی‌تر باشد، شایستگی او برای همسری بیشتر است. البته معیارهای دیگری نیز که باید مورد توجه قرار گیرند، عبارت‌انداز^۲:

معیارها	رتبه	معیارها	رتبه
عقل و فهیم بودن		اصالت خانوادگی	
کسب و کار حلال		اخلاق خوب و خوش رویی	
سلامت جسمی و روانی		پوشش مناسب اسلامی	
قناعت در زندگی		عدم ارتباط قبلی با جنس مخالف	
زیبایی و مورد پسند بودن		صداقت با همسر	
داشتن دوستان درستکار و سالم		انجام عبادات، بهخصوص نماز	

فعالیت‌کلاسی

در جدول بالا، معیارها را براساس نظر خودتان رتبه‌بندی کنید و علت را در هر مورد بیان کنید.

راه‌های شناخت همسر

تحقیق درباره همسر آینده را باید با معاشرت‌هایی که منشأ آن تنها هوش‌های زودگذر است، اشتباہ

۱- سوره بقره، آیه ۲۲۱.

۲- برای کسب اطلاع بیشتر، به کتاب «خانواده در قرآن» دکتر احمد بهشتی و «همسرداری» آیت‌الله ابراهیم امینی، مراجعه کنید.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

کرد. تجربه نشان داده است که این گونه معاشرت‌ها، هرچند با عنوان‌هایی مانند شناخت روحیه همسر و یا پی بردن به نقاط تفاهم یکدیگر باشد، نتیجه‌بخش نیست و آثار زیان‌باری دارد که به خاطر همان آثار، خداوند اجازه این گونه معاشرت‌ها را بهما نداده است. در این معاشرت‌ها، معمولاً احساسات بر هر دو نفر حاکم می‌شود و دختر و پسر شخصیت واقعی خود را پنهان می‌کنند و هر طرف اصرار دارد خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد تا محبوب دیگری واقع شود. معمولاً، بیشتر این معاشرت‌ها به سمتی رابطه و جدایی می‌انجامند.

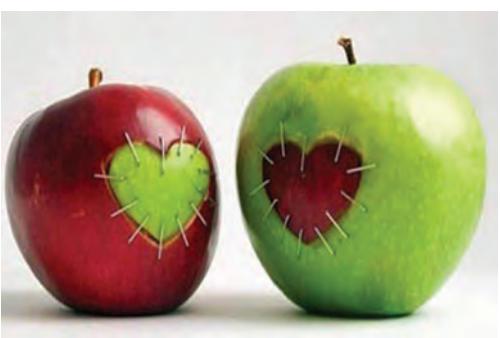
بیشتر بدانیم

متناسب با فرهنگ اسلامی، راه‌های زیر برای شناخت کسی که تمایل به ازدواج با او را داریم، پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تحقیق درباره خانواده همسر و موقعیت اعضای خانواده در محل زندگی و محل کار.
 - ۲- شناخت دوستان همسر و کسانی که او با آنها معاشرت بیشتری دارد.
 - ۳- تحقیق درباره روحیات و خلائقیات همسر در محیط کار یا محل تحصیل.
 - ۴- معاشرت خانواده‌های دوطرف با یکدیگر و بهره‌بردن از تجارت پدر و مادر در این معاشرت‌ها.
 - ۵- مشورت با افراد قابل اعتماد و کارдан.
 - ۶- گفت‌و‌گو با یکدیگر در جلسات حضوری و طرح نظرات و دیدگاه‌ها درباره موضوعات مختلف.
- بهتر است مسیر شناخت همسر با مشارکت پدر و مادر طی شود که سرشار از تجربه‌اند و معمولاً به مصلحت آینده فرزند خود علاقه‌مند هستند.

زمان ازدواج

آمادگی برای ازدواج، نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می‌رسد. با رسیدن بلوغ عقلی، جوان در می‌باید که باید زندگی را بسیار جدی بگیرد و برای آینده‌اش برنامه‌ریزی کند. توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکر کردن درباره



ویژگی‌های همسر، تنظیم خرج و هزینه خود و دوری از بی‌برنامه‌بودن از شانه‌های بلوغ عقلی است. نباید فاصله میان بلوغ جنسی و عقلی با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد. به همین علت، پیشوايان ما همواره دختران و پسران را به ازدواج تشویق و ترغیب کرده و از پدران و مادران خواسته‌اند که با کنار

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

گذاشتن رسوم غلط شرایط لازم را برای آنان فراهم کنند و به خاطر پندارهای باطل همچون فراهم شدن همه امکانات زندگی، فرزندان خود را به گناه نکشانند و جامعه را گرفتار آسیب نسازند.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید :

«کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است؛ پس باید برای نصف دیگر، از خدا برووا داشته باشد».١

این جمله کوتاه، اهمیت ازدواج را به خوبی می‌رساند و نشان می‌دهد که چگونه نیمی از دینداری انسان با ازدواج، حفظ و نگهداری می‌شود.

ایشان همچنین می‌فرماید : «برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آنها توسعه دهد و عفاف و غیرت آنها را زیاد گردداند».٢
امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید :

«دو رکعت نماز شخص متأهل، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می‌خواند».٣
نباید از یاد بیریم که ازدواج برای رفع نیازهای طبیعی و پاسخ‌گویی به قانون خلقت انجام می‌شود و شایسته است، که به این نیازهای طبیعی در «زمان مناسب» و به «شیوه صحیح» پاسخ دهیم.

شادابی، سلامت جسمی و روحی، رشد طبیعی، احساس رضایت درونی، کاهش فشار جنسی و سلامت اخلاقی جامعه از فواید ازدواج در «زمان مناسب» است. تأثیر در ازدواج سبب افزایش فشارهای روحی و روانی، روابط نامشروع و آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

همچنین، اگر فردی بخواهد به شیوه‌ای غیراز شیوه‌های مطرح شده از سوی دین^۴ یعنی به «شیوه ناصحیح» به نیاز جنسی خود پاسخ دهد، در آن صورت، لذت آنی برخاسته از گناه، پس از چندی روح و روان فرد را پژمرده می‌کند و شخصیت او را می‌شکند. این گونه اشخاص، به جای بازگشت به مسیر درست، برای فرار از این پژمردگی به افراط در گناه کشیده می‌شوند؛ اما نمی‌دانند که روحشان مانند تشنه‌ای است که هر چه بیشتر از آب شور دریا می‌نوشد، بر تشنگی اش افزوده می‌شود و بی قراری اش شدت می‌باید.

بیشتر بدانیم

خواستگاری پسر از دختر یا دختر از پسر؟!

معمولًاً خواستگاری از طرف پسر اعلام می‌شود و قبول و رضایت از طرف دختر صورت می‌گیرد.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۵، ص ۳۲۹؛ من لا يحضره الفقيه، ابن بابویه، ج ۳، ص ۳۸۳.

۲- نوادر، راوندی، ص ۳۶.

۳- کافی، کلینی؛ ج ۵، ص ۳۲۸؛ من لا يحضره الفقيه، صدقون، ج ۳، ص ۳۸۴.

۴- در اسلام، علاوه بر ازدواج دائم، ازدواج موقت نیز برای کسانی که امکان ازدواج دائم ندارند، پیشنهاد شده است که احکام آن در رساله علمیه مراجع تقلید و نیز در پایگاه گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تكمیلی» ذکر شده است.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

این سنت نشانه آن است که پسر باید سؤال و درخواست کند و دختر می‌تواند بپذیرد، یا رد کند. به تعبیر دیگر، این پسر است که ابتدا محبت خود را اعلام می‌کند و به دنبال دختر می‌آید تا دختر این اعلام محبت را بررسی کند و پاسخ دهد. این سنت، برای احترام شخصیت دختر است.

البته، طرح خواستگاری از سوی مرد، به این معنا نیست که دختران نمی‌توانند همسر مناسب خود را انتخاب کنند و خود را به وی معرفی نمایند. این کار بهتر است به صورت غیرمستقیم صورت بگیرد، مثلاً دختر به یکی از افراد تزدیک و مورد اعتماد خود بگوید که وی را به عنوان یک مورد برای ازدواج، به پسر مورد نظر خود پیشنهاد کند. (البته این فرد واسطه نباید در صحبت‌های خود با پسر یا خانواده او حرفی از علاقه دختر به پسر مورد نظر به میان آورد). خوبی این روش این است که اگر پسر تمایلی به ازدواج با این دختر را نداشت، کرامت و عزت نفس دختر حفظ می‌شود.

نمونهٔ زیبای چنین موردی، ازدواج پیامبر اکرم ﷺ با حضرت خدیجه ؓ پیش از نبوت بود. پیامبر اکرم ﷺ در مکه به درستکاری و امانتداری مشهور بود و حضرت خدیجه ؓ این را می‌دانست؛ اما پس از اینکه مال التجاره زیادی در اختیار پیامبر ﷺ گذاشت و ایشان را برای یک سفر تجاری به شام فرستاد و امانتداری و درستکاری ایشان را در عمل دید و اخلاق کریمانه پیامبر را مشاهده کرد، شیفتۀ رفتار و اخلاق پیامبر شد. اما پیامبر ﷺ به این موضوع توجهی نداشت تا اینکه حضرت خدیجه ؓ علاقه و محبت خود را به پیامبر، با افرادی از خویشان خود که با ایشان نیز دوستی داشتند، در میان نهاد و آنان پیامبر را مطلع کردند و دربارهٔ شخصیت ممتاز حضرت خدیجه ؓ برای پیامبر سخنرانی گفتند. پیامبر که حضرت خدیجه ؓ را برای همسری خود مناسب دید، خواستگاری این بانوی بزرگوار را پذیرفت و ازدواج این زوج خوشبخت، صورت گرفت.^۱

پاسخ سوالات شما

آیا دختران و پسران می‌توانند قبل از ازدواج دوستی خارج از چارچوب شرع داشته باشند؟
قرآن کریم، به صورت قاطع، مردان و زنان را از ارتباط‌های غیرشرعی منع می‌کند و از مرد و زن می‌خواهد که فقط براساس قوانین دین با یکدیگر ارتباط داشته باشند. زیرا عاقبت روابط غیرشرعی، زیان روحی و عاطفی برای هر کدام از زن و مرد است و به گسترش بی‌بندوباری در جامعه منجر می‌شود.^۲ در بسیاری از موارد، افرادی که به دنبال این گونه دوستی‌ها هستند، به تعبیر قرآن کریم، قلبی مرض دارند^۳ و فقط به دنبال هوسرانی خود و سوءاستفاده از طرف مقابل می‌باشند؛ به همانه ازدواج در آینده، از در دوستی وارد می‌شوند و پس از مدتی، بدون دلیل قانع‌کننده‌ای جدا می‌گردند و دوستی با دیگری را آغاز می‌کنند. بهترین راه عبور سالم و بی‌خطر از دورهٔ تجزّد و ورود به زندگی خانوادگی، اعتماد به راهنمایی

۱- یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۵، ص ۱۱؛ سلام بر خورشید، سیدعلی‌اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۱ به بعد؛ زندگی حضرت محمد ﷺ، سیده‌شمس رسولی محلاتی، ص ۹۱.

۲- سورهٔ مائد، آیه ۵؛ سورهٔ نساء، آیه ۲۵.

۳- سورهٔ احزاب، آیه ۳۲.

هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

خداآوند و رعایت دستوراتی است که خدا به ما داده است. بنابراین، شایسته است به نکات زیر توجه کنیم:

۱- هر انسانی، چه زن و چه مرد، کسی را برای همسری می‌پسندد که قبل از ازدواج، عفیفانه زندگی کرده و با جنس مخالف رابطه غیرشرعنی نداشته باشد؛ زیرا می‌داند چنین کسی در طول زندگی مشترک هم، به او خیانت نخواهد کرد.

۲- هر کس عفاف و پاکدامنی قبل از ازدواج را رعایت نکند و عامل انحراف دیگری شود، کار او در جهان بی‌پاسخ نخواهد ماند و مکافات آن در همین دنیا به صورتی به خودش باز خواهد گشت. این مکافات، علاوه بر مجازات سنگین اخروی است. چوب خداوند صدا ندارد، اما ضربه آن قاطع و محکم و در زمانی که گناهکار فکر کش را هم نمی‌کند، وارد می‌شود.

۳- پسران غیور، دختران دیگر را در جای خواهر خود قرار می‌دهند و همان طور که اگر نامحرمی از روی هوس قصد تعریض به خواهشان را داشته باشد، غیرشان به جوش می‌آید، همین حالت را نسبت به دختران دیگر دارند و به خودشان اجازه بی‌حرمتی به او را نمی‌دهند.

۴- دختران باحیا و عفیف، همواره به این فکر هستند که با همین حالت عفاف با همسر آینده خود رو به رو شوند و پاک وارد خانه همسر گردند. از این‌رو، نمی‌گذارند هوس را نان متوجه آنها شوند. این دختران به گونه‌ای در خیابان، مدرسه، داشگاه و سایر مراکز عمومی، رفت‌وآمد می‌کنند کسی به خود اجازه دهد به آنان بی‌حرمتی کند.

۵- همه آنان که با فریب کاران وارد فضای هوس‌آلود می‌شوند، پس از مدت کوتاهی دچار یک زندگی تلخ می‌گردند که تا پایان عمر گریبانشان را رها نمی‌کند. زندگی این افراد پر از شک و بدلتی به همسرشان است. آنان دائم با خود می‌گویند آیا همسرم قبل از ازدواج با من با کس دیگری نبوده است؟ آیا اکنون با کسی رابطه‌ای ندارد؟ آیا...

۶- توبه، بهترین راه رهایی از دام فریب کاران است. اگر گاهی احساس بر عقل غلبه کرد و گاهی از ما سر زد، نباید از رحمت خدا مأیوس شد و برای دومین بار فریب خورد و گفت: «آب که از سر گذشت، چه یک وجب، چه صد وجب». نه، توبه واقعی کاری می‌کند که انسان دوباره به پاکی اولیه خود برسد؛ زیرا «نیکی‌ها از بین برندۀ بدی‌ها هستند»؛ (سوره هود، آیه ۱۱۴)

طبق آیه ۳۳، سوره نور وظیفه جوانی که به بلوغ جنسی و عقلی رسیده، اما هنوز امکان ازدواج پیدا نکرده است، این است که :

و لَيَسْتَعِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكاحًا حَتَّى يُعْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ راه عفاف را پیش گیرند کسانی که امکان ازدواج برایشان نیست تا خداوند از فضل خود نیاز آنان را برطرف سازد.

قرآن کریم، در مواردی که دختر یا پسر نمی‌توانند از طریق چارچوب‌های قرار داده شده در شرع، ارتباط برقرار کنند، هیچ راهی جز عفاف و پاکدامنی و مهار نفس را نمی‌بذرید؛ زیرا خدایی که غریزه جنسی را به انسان داده، هم او به انسان نیروی ایمان و اراده‌ای بخشیده است که بتواند خویشن‌داری کند و مانع گناه شود. برای اینکه حفظ عفاف و مهار نفس آسان‌تر شود، می‌توان از اقدامات ده‌گانه‌ای که در درس قبل پیشنهاد شد، استفاده کرد.



هیو!؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

معرفی کتاب

معرفی کتاب برای مطالعه بیشتر

فایل بی دی اف کتابهای معرفی شده، در این بخش، در سایت گروه قرآن و معارف به آدرس quran-dept.talif.sch.ir در بخش «معرفی کتاب» موجود است.

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب	درس
آفتاب اندیشه ۷	حسین سوزنچی	مدرسہ	معلم/دانش آموز	۲ و ۱
اسول عقائد و دستورات دینی	سید محمد حسین طباطبائی	دفتر تظم و نشر آثار علماء طباطبائی	معلم	۲ و ۱
اصول عقاید	محسن فراشی	مرکز فرهنگی دروس های از قرآن	دانش آموز	۲ و ۱
دانستنی پامیران	موسوی کربارودی	قدیانی	دانش آموز	۲ و ۱
خشم نبوت	مرتضی مطهری	صدر	معلم	۲ و ۱
گل های آفتاب گردان	قرص امین بور	موراد	دانش آموز	۲ و ۱
تذوق قرآن	علی کورانی	مؤسسه فرهنگ ط	معلم	۳
قرآن از دیدگاه ۱۴۰۶ دانشمند جهان	محمد مهدی علیقلی	سینا	معلم/دانش آموز	۳
قرآن و اخرين بددههای علمي	جعفر رضائي فر	فروزان	معلم/دانش آموز	۳
قرآن و اخرين پيامبر	ناصر مکارم شيرازی	دارالكتب الاسلامیه	معلم/دانش آموز	۳
ولایت علی عائیل صدای عدالت انسانی	مرتضی عسکری	أصول دین	معلم/دانش آموز	۵
ولایت در کتاب و سنت	غلام رضا مقنه	شعر	معلم/دانش آموز	۵
شمیم ولایت	عبدالله جوادی املى	اسرا	معلم	۵
امام علی عائیل صدای عدالت انسانی	جرج جرجاد	بوستان کتاب	معلم/دانش آموز	۶
چانه و دافعه علی عائیل	مرتضی مطهری	صدر	معلم/دانش آموز	۶
خلاصه زندگانی امیر المؤمنین عائیل	سید جعفر شهیدی و سید هاشم رسول	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	معلم	۶
سری در نهج البلاغه	مرتضی مطهری	صدر	معلم/دانش آموز	۶
علی عائیل فراسوی ادبیان (امیر مؤمنان عائیل) در کلام اندیشمندان غیر مسلمان	حمزه کرم خانی؛ سید محمدعلی صمدانی	دانش حوزه	معلم/دانش آموز	۶
علی عائیل چهره درخشان اسلام	ابن ابی الحدید معتنی	بنیاد نهج البلاغه	معلم	۶
فروع ولایت: تاریخ تحطبی زندگانی امام علی عائیل	جهنر سیحانی	صحیحه خود	معلم/دانش آموز	۶
فضلات علی عائیل از زبان غیر شیعه	محمد تقی صرفی	برگزیده	معلم/دانش آموز	۶
نقش نگار: موروث بر زندگانی امیر المؤمنین علی عائیل	سید علی خامنه‌ای	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	معلم	۶
انسان ۲۵ ساله	سید علی خامنه‌ای	مؤسسه ایمان جهادی	معلم/دانش آموز	۸ و ۷
سیره پیشوایان	مهدی پیشوای	مؤسسه امام صادق عائیل	معلم/دانش آموز	۸ و ۷
تاریخ خلقا	رسول حضرت	دلیل ما	معلم/دانش آموز	۸ و ۷
صلح امام حسن عائیل	شیع راضی آل باسن	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	معلم/دانش آموز	۸
بررسی نقش امام سجاد عائیل در هر یکی از واقعه‌ی کربلا	ترجمه: سید علی خامنه‌ای	معارف	معلم/دانش آموز	۸
امام باقر عائیل جلوه امامت در افق دانش	احمد ترابی	بنیاد بزوش های آستان قدس رضوی	معلم	۸
پیشوای صادق	سید علی خامنه‌ای	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	معلم	۸
پیدای بنهان	بورسید آقای	حضور	دانش آموز	۹
صیب امید	جواد محدثی	بوستان کتاب فم	معلم/دانش آموز	۹
امام زمان عائیل در گفتار دیگران	علی دوانی	ندای ایمان	معلم	۹
نگین اقیانی	جمعی از محققان	بنیاد مهدویت	معلم/دانش آموز	۹
هشت قدم در کوچه باغ انتظار	حسن محدودی	بنیاد مهدویت	معلم/دانش آموز	۹
آسپیشناسی جامعه منظر	سید محمد میرتبار	بنیاد فرهنگی مهدی موعود	معلم/دانش آموز	۹
ولایت فقه و ولایت فقاوت و عدالت	عبدالله جوادی املى	اسراء	معلم	۱۰
ولایت فقهی در بیان حضرت امام خمینی و رهبر معظم انقلاب و علمای اسلام «سؤالات و شهادات رایج»	محسن رنجبر	دفتر تهمه و تنظیم فرهنگی فخر الانه عائیل	معلم	۱۰
ولایت فقهی به زبان ساده	جواد محدثی	بوستان کتاب	معلم/دانش آموز	۱۰
در کوچه باغ اسما	علی اصغر حسینی نهرانی	گنج معرفت	معلم/دانش آموز	۱۱
رمز پیروزی مردان بزرگ	جهنر سیحانی	نسل جوان	معلم/دانش آموز	۱۱
چشم دل	جواد محدثی	سازمان تبلیغات اسلامی	معلم/دانش آموز	۱۱
جووانان و انتخاب همسر	علی اکبر مظاہری	قدس	دانش آموز	۱۲
نظم حقوق زن در اسلام	مرتضی مطهری	صدر	معلم/دانش آموز	۱۲
نظم مهر	امیرحسین یانکی بور	حدث راه عشق	دانش آموز	۱۲
همسر اگر این گونه می بود	راضه محدثزاده	منبر	معلم/دانش آموز	۱۲
سردیلان	امیرحسین یانکی بور	حدث راه عشق	دانش آموز	۱۲

هیو؛ تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنیال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راهنمایی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نویگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوا آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آفای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با اراده نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

کتاب دین و زندگی (۲) - کد ۱۱۱۲۰۴

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	بهمن دیناروند	لرستان	۲۵	زهرا اسماعیلی	تهران			
۲	صدیقه الوردیان آرانی	تهران	۲۶	فریبا صمدی	تهران			
۳	محمد رضا عباسی	تهران	۲۷	سلیم جوانمردی	تهران			
۴	عباس احمدی	مازندران	۲۸	زهرا کاظم پور	تهران			
۵	سیده محبوبه حاجی سید جوادی	تهران	۲۹	فاطمه جوادزاده	تهران			
۶	سکینه کافی	خراسان رضوی	۳۰	آفاق گنجی مراد	تهران			
۷	عبدالرضا دریانورد	خراسان رضوی	۳۱	ابوالفضل باشتی	تهران			
۸	سیده سهیلا عظیمی	آذربایجان شرقی	۳۲	فاطمه زاده مهریزی	تهران			
۹	زهرا شرفی	تهران	۳۳	بدری نصیری	تهران			
۱۰	سید احسان هندی	تهران	۳۴	رضوان عطایی کچویی	تهران			
۱۱	علی مسلمی	زنجان	۳۵	شهین داورپناه	تهران			
۱۲	مژگان عاشوری	گیلان	۳۶	نصرین اشتیاقی راد	تهران			
۱۳	رضوان عطایی	تهران	۳۷	اعظم عزتی و طفخواه	تهران			
۱۴	فیروز تزاد نجف	آذربایجان شرقی	۳۸	زهرا جلالیان دره	تهران			
۱۵	اعظم خانی	اصفهان	۳۹	محبوبه کوزه گرها	تهران			
۱۶	رویا ریانی	همدان	۴۰	زینب سلیمان پری	تهران			
۱۷	فاطمه نجفی	بوشهر	۴۱	منصوره حقی و دین	تهران			
۱۸	طاهره سروری	هرمزگان	۴۲	نازیلا آذری	تهران			
۱۹	زهرا شرفی	مرکزی	۴۳	زینب فرهمند	تهران			
۲۰	کلثوم نصیری	تهران	۴۴	ملیحه هامون پور	تهران			
۲۱	ام لیلا شهری بور	آذربایجان شرقی	۴۵	فاطمه یاری بیگی	تهران			
۲۲	محمد حسین افخمی	بیزد	۴۶	مریم فرجی	تهران			
۲۳	هاجر ذیسی	اصفهان	۴۷	محمدعلی ابراهیمی	قم			
۲۴	راحله آقا محمدی	تهران						